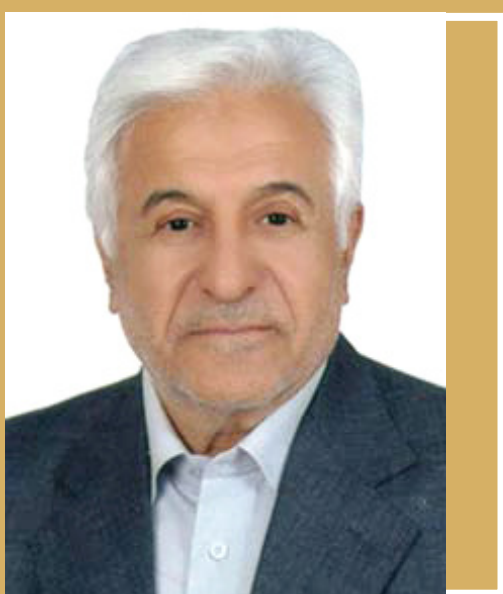


سیدنا محمد



تاریخ شفاهی صنعت فولاد ایران
به روایت پیشگامان ذوب آهن اصفهان
/ دفتر ششم /

شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان
با همکاری
| ایرج اصلانی |

سرشناسه	: اصلاتی، ایرج، ۱۳۲۲-
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ شفاهی صنعت فولاد ایران به روایت پیشگامان ذوب آهن اصفهان / دفتر ششم / ایرج اصلاتی؛ دبیر مجموعه علیرضا امیری؛ ویراستار شهزاد بهادری.
مشخصات نشر	: اصفهان: چشمه آفرینش، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۱ ص.: جدول: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۲۵-۹۱-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: اصلاتی، ایرج، ۱۳۲۲- -- خاطرات
موضوع	: شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان
موضوع	: کارخانه‌ها -- ایران -- اصفهان -- تاریخ
	Factories -- Iran -- Esfahan -- History
	مدیران -- ایران -- خاطرات
	Executives -- Iran -- Diaries
	مهندسان -- ایران -- خاطرات
	Engineers -- Iran -- Diaries
شناسه افزوده :	امیری، علیرضا، ۱۳۴۵-، ویراستار
رده بندی کنگره	TS۲۲۹/۵
رده بندی دیویی	۳۳۸/۴۷۶۷۲۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۹۰۶۱۹۳۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

عنوان کتاب: تاریخ شفاهی صنعت فولاد ایران به روایت پیشگامان ذوب‌آهن اصفهان

دفتر ششم/

مؤلف: شرکت سهامی ذوب‌آهن اصفهان/ با همکاری مهندس ایرج اصلانی

دبیر مجموعه: علیرضا امیری

ناشر: چشمه آفرینش

حروفچینی: مژگان دهقانی - مریم رضایی

ویراستار: شهزاد بهادری

صفحه آرا: مهر گرافیک

طراح جلد: محمد سمیعی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۴۰۱

قطع و تیراژ: اروپایی - ۱۰۰۰ جلد

حق چاپ محفوظ است.



مقدمه

ذوب آهن اصفهان پس از چند دهه، اکنون دیگر یک تاریخ است. تاریخی که نیم قرن پیش از این قدم به جامعه و سرزمین ایران نهاده است. پس شایسته است تاریخ این صنعت که چهره اصفهان و فضای صنعتی ایران را دگرگون ساخت، نوشته شود. آن هم به دست کسانی که عمر بر سر این کار نهادند و از جوانی به میانسالی و پیری رسیدند و در روزهای سخت ساخت کارخانه، روزهای دفاع مقدس، روزهای بمباران کارخانه، روزهایی که کارشناسان روس کارخانه را ترک کردند و رفتند، روزهای توسعه و طرح‌های تازه، روزهای افزایش تولید، روزهای کف بُر کردن ریخته‌گری‌های روسی و نجات خط تولید با ذوب آهن ماندند. این نسل باید از همه این‌ها بگوید و بنویسد و برای آیندگان به یادگار بگذارد که بر او و نسل او در همه این سال‌ها چه رفته است.

این دفتر و دفترهایی که در آینده منتشر خواهد شد روایت شفاهی تاریخ ذوب آهن از منظر قلم و اندیشه انسان‌هایی است که این کارخانه، تمامی عشق و هستی‌شان بوده و هست. آنان اگر گاهی تولید ذوب آهن دچار کاستی یا بخشی برای تعمیرات متوقف می‌شد، هرجایی که بودند نگران می‌شدند؛ گویی بخشی از وجودشان آسیب دیده است و باید هرچه زودتر کاری کرد تا مشکل رفع شود و چرخ کارخانه بچرخد و ذوب آهن در همه روزگاران، همیشه با سربلندی و افتخار باقی بماند. چون ذوب آهن اصفهان تصویر ملی و آرمانی همه ایرانیان در طی چند سده برای پیشرفت این سرزمین بوده است.

منصور یزدی زاده

مدیر عامل ذوب آهن اصفهان



پیشگفتار

در دفتر چهارم (تاریخ شفاهی صنعت فولاد ایران به روایت پیشگامان ذوب آهن اصفهان) روایت مهندس ایرج اصلانی را می‌خوانیم. کتابی که پیش رو دارید یک کتاب معمولی نیست، داستان واقعی عشق و دلدادگی مردی است که زندگی‌اش در بیش از پنجاه سال پیش با کد پرسنلی (۴۰۱) با تاریخچه شرکت بزرگ ذوب آهن اصفهان گره خورد و تقدیر چنین بود که مردی از جنس آهن و آتش با اراده‌ای پولادین بیش از نیم قرن زندگی خود را صادقانه و خالصانه جهت رفع موانع تولید و شکوفایی صنعت در راستای خدمت به کشورش بر کف اخلاص بگذارد.

مهندس ایرج اصلانی مرد تکرار نشدنی و یکی از مدیران شاخص ذوب آهن اصفهان و کشور که با بیش از نیم قرن تجربه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۵ در دولت‌های مختلف با ابتکارات و تخصص خود بسیاری از صنایع را احیا

یا از بنیاد آنها را ایجاد کرد. ایشان فارغ التحصیل رشته مکانیک از دانشگاه میشیگان آمریکا و آشنا به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و روسی است و در دوره‌ای قائم مقام شرکت ملی فولاد و همزمان مدیریت ذوب آهن اصفهان را برعهده داشته و سومین مدیرعامل شرکت مس ایران، بعد از مهندس شیری در سال ۱۳۶۸ می‌باشد. مهندس اصلانی از ابتدای انقلاب و در دولت‌های گذشته، سمت‌های مختلفی را در کارنامه خود دارد. به همین دلیل ردپای تخصص و همت والای او را برای خدمت در دفتر تاریخ صنایع مختلف کشور به راحتی می‌توان دید.

مهندس ایرج اصلانی، مردی که بال پروازش را برای صعود از قله شرکت ذوب اصفهان (مادر، صنعت فولاد ایران) گشود و با همه مسئولیت‌ها و کرسی‌های مدیریتی با افتخار نقطه فرودش نیز بر بلندای قله (بازنشستگی) این شرکت ثبت شد. وی جزء معدود افرادی است که در شرایط بحران، نگاه دولتمردان وقت را متوجه خود می‌کرد و چون ققنوسی بی پروا دل به آتش می‌زد. از سوختن هراسی نداشت و زمانی که نظام در شروع انقلاب اسلامی در شرایط دشوار و پر مخاطره‌ای قرار داشت با مدیریت استراتژیک خود توانست شرکت‌های بحران‌زده بسیاری را به حرکت در آورد. گرچه تعداد مدیران توانمندی که می‌توانند در بحران فعالیت کنند کم نیستند اما بدون شک مدیرانی که بتوانند با هوشمندی ذاتی و خدادادی و تلفیق آن با هوشمندی استراتژیک دست به اقدامات جسورانه زده و با برنامه‌ریزی‌های مبتکرانه انعطاف‌های لازم را برای جلوگیری از سقوط و رسیدن به یک نقطه امن برای یک

مجموعه فراهم کنند تعدادشان محدود و ارزش ثبت برای نسل‌های آینده را دارند. وی بزرگترین افتخار خود را عضو بودن در این خانواده صنعتی با (کد ۴۰۱) می‌داند و هنگام روایت خاطره‌ها چشم‌هایش برق می‌زند، همه چیز را با جزئیات به خاطر دارد و اگر روزی با او همنشین شوی هرگز متوجه گذشت زمان نخواهی شد و مانند یک دایرةالمعارف صنعتی بر همه اصطلاحات فنی مسلط است. به دست‌هایش تکیده‌اش می‌نگرم، انگشت‌هایی که روزگاری چون طیبی حاذق بر بسیاری از مشکلات فنی شرکت ذوب‌آهن اصفهان و دیگر صنایع کشور مرهم نهاده و با کمترین امکانات، نفس تازه‌ای در کالبد خسته‌شان دمیده است. بدون شک از اتفاق‌های تلخ و شیرین خدمت خود نتیجه دلچسبی کسب کرده و امروز توانسته به نقطه‌ای ستودنی از تکامل روح و مسئولیت‌پذیری در دایرة خدمت با رنگ و بوی متفاوت برسد. به راستی شنیدن تاریخ شفاهی صنعت فولاد ایران به روایت پیشگامان ذوب‌آهن اصفهان حال و هوای دیگری دارد.

علیرضا میری

مدیر روابط عمومی

معرفی

ایرج اصلانی فرزند کاظم، سال ۱۳۲۲ در محله سیچان اصفهان دیده به جهان گشود. او دوران ابتدایی و متوسطه خود را سال ۱۳۴۱ در همان شهر به پایان برد و در هنرسرای عالی تهران (دانشگاه علم و صنعت امروز) پذیرفته و در رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه فارغ‌التحصیل گردید. سپس به شوروی فرستاده شد و دوره تخصصی مهندسی را در زمینه تئوری و عملی به پایان برد و جهت ادامه تحصیلات صنعتی به میشیگان آمریکا رفته و موفق به دریافت درجه M.S صنعتی نائل گردید.

■ فعالیت‌های اجرایی و صنعتی

قائم مقام فولاد ایران و مدیرعامل ذوب آهن اصفهان (کمک در راه اندازی کوره دوم ذوب آهن، فعال نمودن معادن گل گهر، معادن چادرملو و راه اندازی ریخته گری مداوم ذوب آهن، نورد ۵۰۰ و نورد ۷۰۰) و مجتمع فولاد اهواز، مدیرعامل پالایشگاه قطران و کمک به ظرفیت رساندن آن واحد.

- مدیر عامل صنایع مس ایران (به ظرفیت رساندن مجتمع مس سرچشمه، ایجاد مجتمع مس میدوک، ایجاد مجتمع مس سونگون اهر).

- مسئول عملیات اجرایی و پشتیبانی طرح و توسعه میدان گازی پارس جنوبی وزارت نفت (کمک در راه اندازی به موقع این واحد).

- مدیرعامل سیمان سپاهان اصفهان (راه اندازی آن کارخانه در سال ۱۳۵۹ به ظرفیت ۶۶۰۰ تن در سال).

- مدیرعامل سیمان اصفهان (مدرنیزه کردن و افزایش ظرفیت کارخانه از ۲۱۰۰ تن به ۳۵۰۰ تن در روز) و ابداع انواع سیمان‌های نسوز.

- مؤسس و مدیرعامل سیمان اردستان (ایجاد، ساخت، نصب و راه اندازی کارخانه در مدت ۲ سال).

- مشاور وزیر معادن به مدت ۱۰ سال و رئیس ستاد نسوز کشور (بالا بردن ظرفیت نسوز کشور از ۹۹۰۰۰ تن به ۲۵۲۰۰۰ تن).

- نماینده تام‌الاختیار صنایع دفاع در منطقه اصفهان و مسئول راه اندازی کارخانجات شیمیایی اصفهان از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ (T.N.T).

- نماینده تام‌الاختیار وزیر معادن و فلزات جهت همگون‌سازی و سیاست‌گذاری‌های بین فولاد مبارکه و ذوب‌آهن اصفهان (در مورد راه‌اندازی فولاد مبارکه).
- مدیرعامل صنایع دفاع ملی اصفهان (راه‌اندازی کارخانجات ۲۳ میلیمتری کالیبر بزرگ).
- مدیرعامل ذوب‌آهن اصفهان و نماینده تام‌الاختیار وزیر معادن و فلزات، بین مجتمع فولاد مبارکه و ذوب‌آهن اصفهان.
- معاون سرپرست کوره بلند در امور تجهیزات مکانیکی و مهندسی کل تجهیزات مکانیکی بخش فولادسازی ذوب آهن، سرپرست نوردهای ذوب‌آهن، سرپرست نظارت بر طرح ذوب آهن اصفهان
- کمک در نصب و راه‌اندازی کارخانجات مجتمع هفت تیر اصفهان وابسته به سپاه، مشاور اجرایی منطقه آزاد قشم.

■ عضویت در مجامع علمی و صنعتی

- عضو هیئت مدیره شرکت ملی فولاد ایران برای سه دوره، عضو هیئت مدیره شرکت خدمات بازرگانی فولاد ایران - عضو هیئت اجرایی فولاد خراسان.
- عضو هیئت مدیره صنایع دفاعی ایران برای ۲ دوره، عضو هیئت مدیره ذوب‌آهن اصفهان برای ۲ دوره، عضو کمیته راه‌آهن ذوب‌آهن اصفهان در سال ۵۷.
- عضو هیئت مدیره صنایع مس ایران، عضو هیئت مدیره کارخانجات سیمان سپاهان، سیمان اصفهان و سیمان اردستان.

■ افتخارات علمی و صنعتی

- دریافت لوح تقدیر به منظور انتخاب طرح شرکت سیمان اردستان به عنوان طرح نمونه از طرف وزیر صنایع و معادن وقت، سال ۱۳۸۴.

- دریافت لوح سپاس پیشگامان صنعت سیمان به منظور خدمات ارزنده در پیشبرد سیمان اصفهان در هفتاد و یکمین سال صنعت سیمان ایران، سال ۸۲ و ۸۳.

- دریافت لوح تقدیر به منظور حسن تدبیر و مدیریت موفق ایشان به مناسبت روز صنعت و معدن از طرف وزیر صنایع و معادن وقت، سال ۱۳۸۵.

- پیشکسوت برگزیده استان اصفهان از طرف کانون کارشناسان رسمی دادگستری سال، ۱۳۸۶ پیشکسوت نمونه صنعت و معدن کشور سال ۱۳۸۷.

- دریافت لوح و تندیس افتخار پیشکسوت سال ۱۳۸۴ جشنواره صنعت، معدن و هنر اصفهان توسط کانون انجمن‌های صنفی مدیران ماشین ساز استان.



مقدمه

من به خاکریزها پناه نمی‌بردم

امروز که در حال نوشتن این کتاب هستم ۷۸ بهار از زندگی‌ام را پشت سر گذاشته‌ام، نمی‌دانم حال که تو خواننده گرامی این کتاب را در دست گرفته و مطالعه می‌کنی من کجا هستم، اما بدان هر آنچه که در برگ برگ صفحات این کتاب به رشته تحریر درآمده چیزی نیست جز چکیده‌ای از تجربیات من در بیش از ۵۰ سال عشق برای خدمتی صادقانه در صنعت ملی فولاد ایران، ذوب آهن و دیگر صنایع، همچنین مردم مهربان و خاک پاک سرزمینم ایران تا بتوانم گامی هر چند کوچک اما ماندگار برای قطع وابستگی صنایع مختلف کشورم از مهندسی بیگانه برداشته باشم.

من ایرج اصلانی، روزی که به عنوان نفر ۴۰۱ در سال ۱۳۴۶ موفق شدم مسافر کشتی صنعتی بزرگ و جاودانه به نام شرکت ذوب آهن اصفهان باشم خوب می‌دانستم که در

این اقیانوس پرتلاطم باید کمر همّت و خدمت بیندم تا در ایجاد ساحل امن برای کارگرانی که بر سفرهٔ صنعت ارتزاق می‌کنند شریک باشم و هر بار بادبان‌ها را برای سفرهای بعدی مستحکم‌تر نمایم. به کشورهای بسیاری سفر کردم، آشناییم به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و روسی باعث شد بتوانم در این سفرها دانش‌های روز دنیا را برای کشورم به ارمغان بیاورم. پا گرفتن ذوب‌آهن را چون کودکی که چشم به جهان می‌گشاید تا ساخت اولین کوره بلند و تولید اولین شمش آن، هرگز از خاطر نخواهم برد. هنوز از یادآوری آن روزها قلبم می‌لرزد و اشک شوق به چشمانم میهمان می‌شود. روزهای سختی که مهندسین بیگانه اجازه نمی‌دادند یک ایرانی در پروژه‌ها نظارت کند، خط‌های تولید و ریخته‌گری مشکلات فنی داشت و گاهی از عمد مشکلات را رفع نمی‌کردند تا بابت هر بار تعمیرات هزینه دریافت کنند و بالاخره روزی که ذوب‌آهن در دستان ما و همکارانم چون کودکی سرگردان به نقطهٔ آرامش رسید و قلبش میعادگاهی برای حضور جوانان مشتاق در صنعت ذوب شد، آرامشی دلنشین را تجربه کردیم. تا جایی که امروز شرکت بزرگ ذوب‌آهن اصفهان با طرح‌های توسعه، رکوردهای تولید و بومی‌سازی در دنیا حرف برای گفتن دارد.

من ایرج اصلانی از کار، هرگز تترسیدم و خود را پشت میزهای رنگ و لعاب‌دار مدیریتی با پُست‌ها و مقام‌های دهان پُرکن محدود نکردم، در جاده پر پیچ و خم صنعت بی‌هیچ ترسی پا گذاشتم و در برابر تقدیر الهی سر خم کردم و خود را به دست مهربان او سپردم.

از معاونت سرپرست کوره بلند تا مدیرعاملی شرکت

ذوب آهن اصفهان از قائم مقامی شرکت فولاد ایران تا مدیرعاملی سیمان سپاهان از مدیرعاملی صنایع دفاع ملی ایران تا مشاور وزیر معادن و فلزات در امور نسوز کشور از مدیرعاملی صنایع ملی مس ایران تا نماینده تام‌الاختیار وزیر معادن و فلزات بین مجتمع فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان از معدن زغال سنگ معدن مس سرچشمه تا مؤسس و مدیرعامل سیمان اردستان پالایشگاه قطران و..... خدمتی صادقانه و خالصانه بود و بس.

خدا را شاکرم که توفیقی داد تا در زمان جنگ تحمیلی در کنار بسیاری از هم‌زمانم در جبههٔ صنعت به عنوان مدیر عامل صنایع دفاعی اصفهان دین خود را هر چند ناچیز به کشورم ادا کنم. امروز که با خود و خدای خودم خلوت می‌کنم نقطه سیاهی بر دفتر خدمتم نمی‌بینم. دوستی من در این سال‌ها با سنگ، آتش و آهن بود. گاه پنجه در پنجه قفل می‌کردیم، یکی پیروز و یکی مغلوب می‌شد. گاه در کنار هم می‌نشستیم و بی‌کلام به صحبت‌های نشنیدهٔ یکدیگر، گوش جان می‌سپردیم. من برای خدمت به صنعت و کشورم، خانواده‌ام را به خدا سپردم.

جا دارد از همسر مهربانم تشکر ویژه کنم که برای فرزندانم هم پدر بود هم مادر. شبانه‌روز چون خورشیدی بی‌هیچ گلایه بر کلبهٔ کوچک زندگی مشترک‌مان تابید و هرگاه من خسته و زخمی شدم چون پرستاری مهربان زخم‌هایم را مرهم گذاشت و باز بی‌هیچ گلایه‌ای مرا راهی سفر برای خدمتی دیگر کرد. من بزرگ شدن فرزندانم را ندیدم، حتی نمی‌دانستم در چه پایه‌ای درس می‌خوانند. به خاطر دارم شبی که خسته از کار به خانه برگشته بودم پسرم کیف کارم را زیر سرش گذاشته و

به مادرش گفته بود می‌خواهم وقتی بابا صبح زود به سر کار می‌رود من بیدار شوم شاید او را ببینم! اینکه که می‌گویند پُشت سر هر مرد موفق یک زن موفق است؛ یک واقعیت است و من در زندگی‌م با همه وجود آن را تجربه کردم و سخنانی که در بالا به رشته تحریر درآوردم، بی‌شک تنها برای من نیست بلکه تمام همسران نیروهای ذوب‌آهن در این سال‌ها، مادر و پدر بودن را با هم تجربه کردند و دوشادوش همسران خود مسئولیت را تقسیم نمودند. به لطف خدا و همسر مهربانم، فرزندانم امروز هر کدام تحصیلات عالی خود را به پایان رسانده‌اند و با توجه به علاقه‌مندی‌شان فعالیت می‌کنند. در سرتاسر سال‌های خدمتم به صنعت و کشور از امر «آموزش» چه یادگیری و چه انتقال «تجربه» غافل نشدم و «ایمنی» شعار تمام فعالیت‌هایم بود. از باند و باندبازی بیزار بودم و حتی یک نفر از خانواده و آشنایان خود را در پُست و مقامی نگماشتم. هر جا که می‌دیدم گروهی در کارخانه یا شرکت به صورت جناحی فعالیت می‌کنند وارد می‌شدم؛ صف‌شان را می‌شکستم و می‌گفتم اینجا محل کار و خدمت است نه میدان سیاست!..

از تهدیدها ترسی به دل ندادم و در تمام روزهای فعالیت‌م امانت‌دار اطلاعات بودم و اجازه نمی‌دادم کوچکترین اطلاعات به بیرون از مجموعه درز پیدا کند. با افتخار می‌گویم با داشتن پُست‌ها و حکم‌های مختلف و حضورم در جای‌جای صنعت کشور امروز حقوق بازنشستگی خود را از شرکت ذوب‌آهن دریافت می‌کنم و هیچگاه از موقعیت‌هایی که داشتم احساس غرور نکردم و برای منافع شخصی دست به کاری نزددم.

هرچه بیشتر فکر می‌کنم می‌بینم در تمام دوران خدمتم مدیریت بحران انجام دادم، برای رفع هر مشکلی شاید بیش از یک هفته مطالعه و برنامه‌ریزی می‌کردم. پنل‌ها و مسیرهای مختلف را می‌نوشتم و از پتانسیل تمام کارشناسان شرکت و حتی در وزارت صنایع برای بهترین و کوتاه‌ترین راه کمک می‌گرفتم. با وجود مشکلات فنی مختلف، از توجه به بخش‌های پرسنلی، اداری، مالی، بازرگانی، پیمانکاران و رفاهی غافل نمی‌شدم، تعاونی ایجاد می‌کردم و پیمانکاران و پرسنل‌های قوی را مورد تشویق قرار می‌دادم. در زمان بحران مشکلات را از پایین به بالا، بررسی و رفع می‌کردم تا جریان کار به روال قابل قبول و مورد انتظاری بازگردد و از نقطه بحران دور شود.

مسائل فنی را با زبان ساده توضیح می‌دادم تا کارگران ساده هم راحت‌تر آموزش ببینند، گاه خودم برای نام قطعات واژه‌سازی می‌کردم. اعتقاد داشتم وقتی شرکتی ضرردهی داشت باید در کمترین زمان آن را به سوددهی برسانم و جدا از آموزشی که دیده بودم می‌دانستم استعداد خدادادی در وجودم به امانت گذاشته و باید تا روزی که زنده هستم از آن بهره بگیرم. علی‌رغم میل باطنی امروز دست به قلم گرفتم تا گوشه‌ای از خدماتم را به رشته تحریر در بیاورم چرا که همه آنها را وظیفه انسانی و جزء رسالتم برای خدمت می‌دانم، اما به اصرار جناب مهندس علیرضا امیری مدیریت محترم روابط عمومی شرکت ذوب آهن اصفهان قبول کردم تا گوشه‌ای از خاطراتم را برای آیندگان بنگارم تا بدانند هیچ مانعی در برابر اراده و خواسته انسانی که به خدا توکل کند نمی‌تواند مقاومت

نماید. آنچه که بیشتر مرا تشویق به نوشتن کرد، دغدغه‌هایم برای جوانان سرزمینم بود. با خود گفتم حتی اگر یک جمله در این کتاب بتواند در یک جوان ایجاد انگیزه و امید کند من در رسالتم موفق بوده‌ام. من مدیر اتو کشیده‌ای نبودم، در همهٔ میدان‌ها با هر پُست و مقامی، ابزار به دست، طلایه‌دار رفع مشکلات فنی بودم. دیگران مرا مدیر مهربانی نمی‌دیدند، درست می‌گفتند: چرا که در بسیاری از اوقات حتی وقت لبخند زدن هم نداشتم! روزی ۱۸ ساعت کار می‌کردم و حتی در روزهای تعطیلی و زمان استراحت خود باز هم کار می‌کردم! هیچ زمان برای پول کار نکردم و از نظر من پول ابزاری بود برای رفع موانع، فقط همین!

ریسک‌پذیر بودم برای همین تهدیدهای احتمالی را پیدا و قبل از وقوع بحران، طی چند روز، همهٔ برنامه‌ها را دستخوش تغییرات اساسی می‌کردم. بدون ترس هر جا که نقصی می‌دیدم وارد میدان می‌شدم، من همهٔ تجهیزات یک کارخانه را شیشه‌ای می‌دیدم و کوچکترین ایرادی از نگاهم جا نمی‌ماند و از نو می‌ساختم و هنگام افتتاح پروژه‌ها اصلاً حضور نداشتم چرا که در مسیری جدید برای رفع مشکلی نو در جاده بودم و امروز در آلبوم خود نه عکس از روبان چینی از پروژه‌ای دارم و نه عکسی با بزرگان صنعت آن زمان!

می‌خواهم به چند نکتهٔ طلایی از تجربیاتم برای نسل‌های آینده اشاره کنم، شاید در هر صنعتی که مشغول به کار شدند روزی به کارشان بیاید. در هنگام بروز یک بحران، تصمیم‌گیری‌های ضروری که بر اساس علم و بینش طراحی شود می‌تواند نقطه بحران‌ها را ۱۸۰ درجه به سمت فرصت

تغییر مسیر بدهد. در زمان بحران توجه به آرامش پرسنل در اولویت است و جلوگیری از حرکت تنش‌زا در سازمان بسیار اهمیت دارد. یک مدیر خوب باید علم و تخصصش از دیگران بیشتر باشد تا مجموعه به او اعتماد کنند. باید تفکر کند که چگونه می‌تواند در زمان‌های خاص با برنامه، هماهنگی و استفاده از ظرفیت‌های حداکثری انسانی، فنی، مالی و غیرمالی را به کار گرفته و همیشه ایمنی را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد. در هنگام مدیریت بحران توجه به جمع‌آوری اطلاعات کامل، برنامه‌ریزی دقیق و بررسی توانمندی پرسنل، استفاده از ارتباطات، توجه به اصل مشروعیت (استفاده از ابزار و روش‌های مقابله با بحران که مورد تایید و مشروعیت دارند) باید مورد توجه باشد. من در تمام سال‌های خدمت همیشه چون سربازی، آمادگی کامل برای مقابله با بحران و پیشگیری از تکرار آن را داشتم. مدیریت استراتژیک می‌کردم، تمام سعی من بر این بود تا با استراتژی و نوآوری یک گام به جلو بردارم چرا که مطمئن بودم اگر لحظه‌ای اشتباه کنم قطعاً مشکلات مرا را یک گام به عقب خواهند برد. هرگز به خاکریزها پناه نمی‌بردم، من مرد میدان جنگ با سنگ، آتش و آهن بودم. جا دارد در پایان یادی کنم از هم قطارانی که امروز دیگر در بین ما نیستند اما خدمات ماندگارشان هرگز از خاطرها و صفحه‌تاریخ صنعت محو نخواهد شد. «روحشان قرین رحمت باد».

■ چگونه ذوب آهن، مادر صنعت فولاد شد

امروز قلم بر دست گرفتم تا بیش از ۵۰ سال تجربه کاری خود را به رشته تحریر درآورم، گرچه می دانم به زنجیر کشیدن افکار از هم گسیخته ام چندان کار آسانی نیست، لیک سعی می کنم تا سخن کوتاه و با امانت گرفتن برگ های سپید کاغذ خاطراتم را به امانت برای شما ومشتاقان صنعت فولاد کشورم بنگارم.

شرکت ذوب آهن اصفهان که در آن زمان(شرکت ملی ذوب آهن ایران) نام گرفت در دهه چهل، تأسیس و جناب دکتر علی شیبانی که در آن زمان جزو اساتید دانشگاه فنی دانشگاه تهران بودند به عنوان مدیرعامل با اختیارات فراسازمانی انتخاب شدند. تأسیس کارخانه ذوب آهن توسط روس ها و پس از قراردادی که در ازای فروش گاز منعقد شده بود استارت خورد و به همین دلیل گروهی کارشناس از شرکت های مطرح آن زمان چون(گیپرومز، تیاژپروم اکسپورت، دانشگاه مسکو و...به سرپرستی پروفسور(سیالیف) از شهرهای اصفهان، اراک، تبریز و اهواز بازدید و شرایط جغرافیایی و آب و هوایی شان را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. آنها مشخص کردند صنایع فولاد در اصفهان، ماشین سازی در اراک، صنعت تراکتورسازی در تبریز و نیروگاه در اهواز ساخته شود و محل ساخت ذوب آهن را در ۵۰ کیلومتری اصفهان و کنار زاینده رود(دردشت طبس) انتخاب نمودند که اسناد این

مطالعات امروز در دفتر ذوب آهن موجود است. آنها در گام اول یک واحد طراحی قوی و مسلط، همچنین یک دفتر فنی جهت تهیه اسناد مناقصه و برآورد مقادیر مربوط به کارهایی که بایستی در زمان معین انجام گردد شکل دادند و یک پایگاه صنعتی و یک پایگاه ماشین آلات سبک و سنگین را احداث کردند. وظیفه این پایگاه‌ها ساخت و تأمین قطعاتی بود که امکان ساختن آن در کارخانه مقدور بود و پایگاه ماشین آلات نیز، کلیه ماشین آلات دوران ساخت را در اختیار کمپلیس‌های ساختمانی قرار می‌داد.

در کنار آن واحدی به نام گروه (P.O.R) جهت برنامه‌ریزی روش‌های اجرای کار در کنار واحد طراحی تأسیس شد که نقشه‌های دوران ساخت را مطالعه و روش اجرای آن را با توجه به استانداردهای وقت ارائه می‌داد. در آن زمان کلیه کارهای ساختمانی بصورت امانی انجام می‌شد و کمپلیس‌های ساختمانی که عمده آن عبارت بود از کمپلیس ساختمانی کوره بلند، کک‌سازی، آگلومراسیون، نوردها و نیروگاه و کمپلیس ساخت کارگاه‌های کمکی و... در تمام این اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها، مهندسین روسی در محوریت بودند و مهندسین ایرانی به نوعی همکار محسوب می‌شدند، کلیه کارها چنانچه امکان اجرا داشت پس از تعیین مقادیر به مناقصه می‌رفت و دفتر نظارت بر طرح، نظارت کامل بر اجرای کارها داشت. (این فعالیت‌ها از سال ۱۳۴۷ شروع و در دی ماه ۱۳۵۱ کوره بلند شماره

یک راه‌اندازی شد). قبل از راه‌اندازی کوره بلند شماره یک، واحد کُک‌سازی راه‌اندازی شده بود، البته ساخت کارخانه زیر نظر سرپرست کل عملیات ذوب‌آهن مدیریت می‌شد همچنین واحدهای معادن که بایستی در ایران تأسیس و ساخته می‌شدند زیر نظر شرکت ملی ذوب‌آهن ایران و تحت مدیریت آن شرکت بودند. در تهران یک واحد طراحی معادن، اطلاعات لازم را در اختیار واحدهای معدنی قرار می‌داد، معدنی که می‌بایست ایجاد می‌شدند عبارت بودند از (معادن سنگ‌آهن، معادن زغال‌سنگ، معادن مواد غیرفلزی، معادن نسوز که در اصفهان معدن پیربکران و معدن دوپُلان، معدن کویرآباد در نائین، معدن چاه پاشه در قُم، معادن ونارچ و در یزد معدن چغارت و در کرمان معدن زغال‌سنگ، در سنگرود معدن زغال‌سنگ، در شاهرود معدن زغال‌سنگ، در زیرآب معدن زغال‌سنگ، در طبس معدن درحال اکتشاف زغال‌سنگ).

هم‌زمان با ساخت کارخانه یک مرکز آموزشی فنی‌حرفه‌ای برای تربیت کادر لازم تأسیس شده بود که در رشته‌های مختلف فنی افراد را آموزش و تربیت می‌کردند و برای جذب کادر مهندسی، (طرح افسر مهندسی) مجوزهای لازم را گرفت که مهندسین هنگام سربازی دوره اولیه آموزش سربازی خود را در پادگان‌ها سپری و بقیه دوره سربازی را جذب شرکت ذوب‌آهن و در آن‌جا مشغول به فعالیت و پایه حقوق یک مهندس دریافت می‌کردند. تمام قسمت‌های ذوب‌آهن مانند نهالی

که جوانه می‌زند در حال شکل گرفتن بود. کلیه کارها زیر نظر مستقیم مهندسین روسی و با همکاری مهندسین ایرانی اداره و اجرا می‌شد، اما در قسمت نظارت بر طرح ساخت ذوب‌آهن، متأسفانه مهندسین ایرانی اجازه نظارت نداشتند! و اگر مهندسین ما نظارت داشتند قطعاً خیلی از اشتباهاتی که در زمان راه‌اندازی و بهره‌برداری باعث ایجاد خسارت شد بود در زمان ساخت، (اصلاح یا تغییر) می‌کرد. قطعاً اگر از مشاورین بین‌المللی برای نظارت بر طرح‌های ذوب‌آهن کمک می‌گرفتند، شکل ریخته‌گری‌های مداوم نصب شده در فولادسازی (کنورتور) تغییر و ذوب‌آهن هرگز شاهد خسارت‌های پی‌درپی نبود. خوشبختانه با تلاش‌هایی که انجام شد در سال ۱۳۵۷ نظارت بر طرح با همکاری مهندسین ایرانی در کنار روس‌ها تایید طرح‌های توسعه، ادامه یافت. در زمان ساخت ذوب‌آهن جلسات بررسی کلیه کارها در خارج از وقت اداری تشکیل می‌شد تا اگر کمپلکسی در زمان مقرر کار خود را انجام نداده بود در کارخانه بماند و کار را به پایان برساند (نظم و مقررات بسیار جدی برای انجام کارها برقرار شد). کلیه برنامه‌ها اعم از ساخت کارخانه، ایجاد معادن، آموزش کادر فنی در زمان بهره‌برداری چه در داخل چه در خارج، همچنین نظارت بر کلیه طرح‌ها با وسواس تجزیه و تحلیل می‌شد به همین دلیل کارخانه طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده ساخته و معادن و دیگر راه‌های ارتباطی در مسیر اجرا قرار گرفت و به بهره‌برداری رسید.

من در نیمهٔ دوم سال ۱۳۴۷، به عنوان پرسنل فنی، نفر چهارصد و یکمین بودم که استخدام ذوب‌آهن و در قسمت برآورد و تهیه اسناد مناقصه فعالیت خودم را شروع نمودم. پس از مدت زمانی در قسمت آموزشی شرکت در تهران ثبت نام نموده، همان سال برای آموزش دورهٔ تخصصی در روسیه اقدام کردم و در قسمت معاونت تجهیزات مکانیکی کوره بلند و تعمیرات اساسی کارخانه حدود یک سال و نیم در روسیه آموزش دیدم. بعد از پایان دورهٔ آموزشی به اصفهان آمدم و در ذوب‌آهن قسمت پروژهٔ کوره بلند (شماره یک) از کمپلکس ساختمانی تا آماده‌سازی آن برای راه‌اندازی براساس برنامه‌ای که مصوب شده بود فعالیت کردم. در زمان مقطع کاریم یک مهندس روس همکار من بود که سابقه ۲۵ ساله در صنعت ذوب‌آهن داشت، سعی کردم از تجربیات او استفاده کنم و تمام تلاش و هدفم را برای کیفیت و تولید بیشتر جهت ساخت قطعات یدکی زود مصرف در مهندسی کل مکانیک در کارگاه‌های ۴۶، ۴۷، ۴۸ با برنامه‌ریزی و راهنمایی مهندس کل مکانیک کارخانه به نتیجه رساندم. راستش را بخواهید برای من حفظ سلامتی پرسنل و استفاده از جدیدترین روش‌های علمی در کار اهمیت بسزایی داشت به همین دلیل همکاری خوبی با مهندسین تکنولوژی‌های کوره بلند داشتم و با وجود مشکلات در طرح کوره بلند باز رکوردهایی را در تولید با توجه به زمان خود به ثبت رساندیم.

از دی ماه سال ۱۳۵۰ که (کوره بلند شماره یک) راه‌اندازی شد تا پایان سال ۱۳۵۳ با توجه به تعهدم به ذوب‌آهن در کوره بلند خدمت کردم و بعد از آن جهت ادامه تحصیل پذیرش گرفتم که کارخانه پیشنهاد داد، بورسیه ذوب‌آهن شوم. قبول کردم و طبق مقررات (تعهد خدمت) دادم و به دانشگاه میثیگان راه پیدا کرده و نزدیک به ۱۸ ماه ادامه تحصیل، توانستم فوق لیسانس خودم را با درجه (m.s) اخذ و برای انجام تعهد به ایران بازگردم.

وقتی در دانشگاه میثیگان بودم به کارخانه‌های زیادی از جمله، چندین کارخانه ذوب‌آهن جهت بازدید معرفی می‌شدم و حین بازدید و مقایسه نحو ساخت و کار آن با ذوب‌آهن اصفهان تجربیات مفیدی به دست آوردم. خلاصه در بدو ورودم به ذوب‌آهن سرپرستی و به عنوان معاونت تجهیزات مکانیکی بخش فولاد (کنورتور) را عهده‌دار شدم. در این مسیر با همه وجودم عزم خودم را جزم کردم و با تلاش شبانه‌روزی موفق شدم مشکلات موجود را با برنامه‌ریزی‌های مدون رفع کنم.

با توجه به آموزش و گذراندن دوره تخصص در روسیه (دوره تعمیرات اساسی) در سال ۱۳۵۶ به عنوان سرپرست تعمیرات اساسی ذوب‌آهن منصوب شدم و فعالیت‌م را با مدیران متعهد ذوب‌آهن تا انقلاب ۱۳۵۷ ادامه دادم.

ذوب‌آهن پس از یک توقف موقت که در بهمن ۱۳۵۷ برایش ایجاد شده بود مجدد راه‌اندازی و بهره‌برداری از کارخانه آغاز شد. با تغییر مدیر عامل ذوب‌آهن، طی

حکمی سرپرست موقت نوردهای ذوب‌آهن را به عهده گرفتم، پس از انتخاب سرپرست دائم به سراغ دفتر نظارت بر طرح ذوب‌آهن رفتم و همه تلاشم را به کار گرفتم تا مهندسين ایرانی نیز در این قسمت به کار گرفته شوند، در دفتر نظارت بر طرح ذوب‌آهن گروه (گان) مدتی سرپرستی آن را به عهده داشتم تا اینکه یک روز مرحوم مهندس (مانی) که خدایش رحمت کند به دعوت استاندار وقت اصفهان به سیمان سپاهان اعزام شدم و متوجه شدم وزارت صنایع حکم مرا به عنوان مدیر عامل سیمان سپاهان که کاملاً در آن زمان دولتی و زیر نظر مستقیم وزارت صنایع و شرکت (اتکا) ارتش بود صادر کرده است.

■ سیمان سپاهان

ذوب آهن آن زمان مشکلات زیادی داشت و مهندس مانی، مدیر عامل ذوب آهن بود. من با مهندس مانی دوستی قدیمی داشتم. یک روز زنگ زد و گفت مهندس اصلانی، بیا دفترم می خواهم با تو صحبت کنم. استاندار اصفهان (آقای شمس) پیغام داده که سیمان سپاهان خیلی دردسرساز شده، مهندس اصلانی شما برو ببین مشکل از کجاست! رفتم دیدم کارخانه بسیار خوبی است با ظرفیت اسمی ۶۶۰۰ تن. کلیه مهندسين خارجی در سال ۵۷ همه از کشور فرار کرده اما دو نفر مانده بودند که به اصطلاح از انبار و تجهیزات آنها محافظت کنند. یکی از این شرکتها K.H.D که مخفف (کولوگنر همبولت دویتس) بود این شرکت آلمانی و به صورت کلید در دست آن زمان به قیمت ۴۵۰ میلیون مارک کارخانه را که مبلغ قابل توجهی بود با تولید ۶ هزار و ۶۰۰ تن سیمان در اختیار گرفته بود. این شرکت دو کوره داشت، در ضمن متعهد بوده که به جز سیمان، سیمان سرباره‌ای یا سیمان سبک هم تولید کند. در کنار این شرکت، دو شرکت دیگر یکی شرکت ساختمانی به نام (هویرلفسن) از نروژ مربوط به کشور نروژ و شرکت دیگر شرکت (پروگو اینوسمنت) از شرکت (چک) بودند که آسیاب‌های سیمان را در اختیار داشتند. من ضمن بررسی متوجه شدم این یک کارخانه بسیار خوبی است و بهترین مهندسين ایرانی دوره دیده در خارج را در

اختیار دارد. شرکت کاملاً دولتی و متعلق به ارتش بود، بنام سیمان آریا. دیدم این کارخانه مشکل خاصی ندارد اما از سال ۵۷ تا شهریور ۵۹ هیچ‌کسی کار خاصی نکرده و فقط گه‌گداری یک کوره آن (کلینگر یا فندق) تولید و در سیلوها روی هم انباشته کرده‌اند.

احساس کردم با کمک ذوب‌آهن و مهندسين آن، این شرکت را دوباره می‌توانم احیا کنم. در ابتدا یک خط تلفن مستقیم از ذوب‌آهن به سیمان کشیدم که هر چه لازم داشته باشم بدون اتلاف وقت به دستم برسانند. یک مجوز هم از مهندس مانی گرفتم که هر نیرویی را خواستم بتوانم فوری به کارخانه سیمان بیاورم و گفتم صورتحساب شرکت ذوب‌آهن را بعداً پرداخت خواهم کرد.

خلاصه حکم مرا به عنوان مدیرعامل زدند. یادم می‌آید استاندار آنقدر از مشکلات این کارخانه به ستوه آمده بود که می‌گفت ای کاش یک بمب وسط این کارخانه بخورد! (آن موقع زمان جنگ تحمیلی بود) وقتی به استاندارد گفته بودند یک مهندس ذوب‌آهنی می‌گویند راه‌اندازی این کارخانه کار سختی نیست و مشکل خاصی ندارد؛ گفته بود او را فوری بیاورید تا از نزدیک ببینمش؛ استاندار وقتی مرا دید گفت: « شما باید مدیرعامل این کارخانه بشوی و همین امشب به تهران برو تا از وزیر معادن (آقای نعمت‌زاده) حکم خودت را بگیری». خلاصه اینگونه بود که مرا مدیرعامل سیمان کردند. با خود گفتم باید برای ایجاد انگیزه آستین‌ها را بالا بزنم و سیمان تولید کنم،

چون همانطور که قبلاً شرح دادم در این کارخانه فقط (کلینگر) تولید می‌کردند. رفتم آسیاب‌های سیمان و سنگ‌شکن‌ها را بررسی کردم. یک کارشناس خارجی آنجا بود و از تجهیزات نگهداری می‌کرد. وقتی دید من برای تولید دست به کار شدم جلو آمد و به زبان روسی گفت: «تو نمی‌توانی این کارخانه را راه‌اندازی کنی! چون فوندانسیون این آسیاب‌ها ترک خورده و فرونشست می‌کند! باید مهندسین شرکت ساختمانی (هویرفلسن) را از خارج بیاوری و ۲ تا ۳ سال طول می‌کشد تا اینجا را راه‌اندازی بشود! به حرف‌های او توجه نکردم و با رئیس نظارت بر طرح‌های ذوب‌آهن صحبت کردم، ۲ نفر از کارشناسان خارجی شرکت ذوب‌آهن و یک مهندس ایرانی به نام آقای مهندس شکرانی که مهندس قابلی در رشته برق بود را با خودم به شرکت سیمان آوردم. آنها کارخانه را از نزدیک دیدند. بعد از بازدید به آنها گفتم بروید و جلسه بگذارید تا راه حلی پیدا کنیم. آنها چند روز جلسه گرفتند مهندس خارجی که در کارخانه سیمان از تجهیزات مراقبت می‌کرد فکر کرده بود؛ مهندس شکرانی به دلیل تشابه ظاهری، هم روسی تبار است و گفته بود من می‌خواهم این مدیرعامل را کمی اذیت کنم و این کارخانه مشکل خاصی ندارد و دلم نمی‌خواهد کلینگرها را تبدیل به سیمان کند! مهندس شکرانی به دفترم آمد و گفت: «کارخانه مشکلی ندارد و این مهندس خارجی می‌خواهد مانع تراشی کند». من تا این موضوع را فهمیدم مهندس خارجی را صدا کردم و

گفتم ظرف ۲۴ ساعت باید از کشور خارج شوی و برای اینکه دچار مشکل نشویم یک کارشناس دادگستری آوردم و تأمین دلیل نمودم تا کارخانه در اختیار خودمان باشد، کارشناس خارجی که ترسیده بود گفت: «اگر مرا به این صورت بفرستید بیچاره‌ام می‌کنند، پس لطفاً مرا بستری کنید تا به دلیل پزشکی و بیماری از ایران خارج شوم! خلاصه ۱۹ ماه طول کشید تا من با ۱۸ ساعت کار در طول شبانه‌روز بتوانم این کارخانه را بدون دریافت هیچ‌مزدی و صرفاً با همان حقوق دریافتی ذوب‌آهن راه‌اندازی، سازماندهی و تولید را به روی ریل بیاورم.

لازم به یادآوری است؛ پس از اینکه از تولید کوره شماره یک سیمان سپاهان به صورت مداوم آسوده خاطر شدم شروع به برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی کوره دوم کردم و در این میان با نامه‌نگاری و رایزنی از شرکت‌های خارجی خواستم تا به تعهد خود در قرارداد برگردند و اخطار به ضبط ضمانت‌نامه‌شان کردم که خوشبختانه تأثیرگذار بود و آنها به تعهد خود به شرکت سیمان سپاهان اصفهان بازگشتند.

■ صنایع دفاع

صنایع دفاع ۴ طرح داشت که من مسئولیت دو طرح آن را برای راهاندازی قبول کردم یکی از آنها مربوط به فشنگ‌های ضد هوایی بود که نیاز مهم کشور در آن زمان محسوب می‌شد. دوران جنگ بود و هواپیماهای عراقی به شهرهای ما حمله می‌کردند، هیچ کشوری حاضر به فروش فشنگ‌های ضدهوایی به کشور ما نبود. (این فشنگ‌ها ساخت کشور چک بودند). در صنایع دفاعی به من اختیارات تام دادند، وقتی به آنجا رفتم؛ دیدم ساختمان کارخانه آماده است اما تمام ماشین‌آلات در این چند سال در بیرون رها شده و فقط یک تکه پلاستیک روی آنها کشیده‌اند و هنگامی که باران می‌آمده تمام قسمت‌های این تجهیزات به مرور دچار زنگ‌زدگی شده بود، تمام سیم‌ها و کابل‌ها از شدت پوسیدگی پودر شده بودند. ما تمام قسمت‌های دستگاه‌ها را باز کردیم و قطعات را شستشو دادیم. در آنجا ۱۹ افسر داشتیم که همه در دانشگاه‌های آلمان دوره دیده بودند، ابتدا آمدیم دیوارها را خراب کردیم تا بتوانیم ماشین‌آلات را داخل ببریم و نصب کنیم که متوجه شدم یکی از بزرگترین و اصلی‌ترین تابلوها که منبع برق تمام دستگاه‌ها بود تجهیزات آن کاملاً پوسیده و از بین رفته است. یکی از مهندسين خارجی را صدا کردم و پرسیدم می‌توانی این تابلو را درست کنی؟ گفت: حدود یک سال و نیم تعمیر و راهاندازی آن طول

می‌کشد! فهمیدم چانه‌زنی با این مهندس خارجی فایده ندارد. رفتم سراغ مهندسین خودمان که دوره‌های برق را در کشورهای خارجی دیده بودند و گفتم آیا می‌توانید قطعات این تابلو را از هر طریق و با هر ارتباطی که دارید پیدا کنید تا ما سریع‌تر کارخانه را راه‌اندازی کنیم؟ کشور در شرایط جنگ بود و هر دقیقه برای ما ارزش حیاتی داشت. بچه‌های ما انصافاً با تعصب قبول کردند و همه‌ی توان خود را به کار گرفتند چرا از دوهفته با تابلوی آماده به نصب وارد کارخانه شدند. آنها با هر زحمتی چه از طریق دلالان و رابطین خارجی، تجهیزات مورد نیاز این تابلو را جمع‌آوری کردند. من به مهندسین خارجی چیزی نگفتم، خلاصه در سکوت کامل تابلوی اصلی را وصل کردیم و کارخانه استارت خورد. فقط می‌خواهم بگویم که هیچ مهندس خارجی دلش برای کمک به ما در هیچ شرایطی نسوخته و اگر هم می‌توانستند به نوعی از کمک کردن شانه خالی می‌کردند.

یادآوری کنم در این طرح‌ها علاوه بر استفاده از کارشناسان ذوب‌آهن از کارشناسان پالایشگاه اصفهان، پتروشیمی شیراز و کارشناسان صنایع دفاع تهران کماکان استفاده می‌کردم. گرچه آنچه که شما امروز در این کتاب مطالعه می‌کنید موفقیت‌هایی در چند سطر است اما بدانید که در ثبت هر کلمه‌ای که می‌نگارم ساعت‌ها خستگی و بی‌خوابی افراد بسیاری نهفته است. لحظه‌هایی که ما شب و روزمان را فراموش می‌کردیم، گرسنگی، تشنگی معنا

نداشت حتی وقت نگاه کردن به عقب را نداشتیم و همه چیز برای گام برداشتن رو به جلو بود. در همان سال‌ها برای حج واجب مرخصی گرفتم و در مکان مقدس خانه خدا چشمم به مدیرعامل وقت شرکت ملی فولاد ایران افتاد؛ با هم به گپ و گفتگو پرداختیم و در مورد مشکلات موجود صحبت کرد و از من خواست تا با شرکت ملی فولاد ایران همکاری کنم. به ایشان گفتم من با حکم مأموریت همزمان در وزارت صنایع و معادن و فلزات همچنان در کارخانه هفت تیر سپاه کار می‌کنم و وقت آزاد ندارم، خلاصه آن روز برای یکدیگر، آرزوی موفقیت کردیم و از هم جدا شدیم.

■ فولاد ایران

مدتی بعد از سفر حج برای احوالپرسی به دفتر مدیرعامل شرکت ملی فولاد ایران رفتم دفتر فولاد ایران به اصفهان منتقل شده و در هتل پیروزی اصفهان بود. پس از احوالپرسی و صرف چای، نامه‌ای را به دستم داد، نامه را خواندم و دیدم ابلاغ، قائم مقامی شرکت فولاد ایران بود که اعضاء هیأت مدیره آن را تأیید و امضاء کرده بودند. به دلیل مشغله‌ها و مسئولیت‌ها قبول نمی‌کردم اما با اصرار حاضرین و توکل به خداوند متعال پذیرفتم. مجبور بودم برای دقیقه‌هایم هم برنامه‌ریزی کنم؛ دیگر وارد مشکلات شرکت فولاد شده بودم، در همان بدو ورودم، تعاونی‌های فولادشهر ایجاد شده را طبق ضوابط و موافقت وزارتخانه در مسیری که مناسب آن بود جهت دادم، معادن را بازدید و مشکلات را بررسی و در جلسات هیأت مدیره فولاد راه‌حل‌های مناسب را ارائه و مصوبه اجرایی شدنشان را گرفتم. کوره بلند شماره ۲ ذوب‌آهن اصفهان که کار ساختمانی، نصب، مونتاژ و رگلاژ آن تمام شده بود و کارشناسان روسی بیکار شده بودند و این بیکاری یکسری مشکلات برای ما و آنها ایجاد کرده بود. در هیأت مدیره فولاد مشکلات را مطرح و همزمان نامه‌ای از طریق مدیر عامل وقت شرکت فولاد ایران به وزیر نوشتم و درخواست راه‌اندازی کوره بلند شماره ۲ را نمودم که با برگزاری جلسات متعددی در شورای اقتصاد، شورای عالی فولاد، وزارت معادن و فلزات و نخست‌وزیری

تشکیل و موافقت‌های لازم انجام شد و کار با همکاری سازمان برنامه و بودجه استارت خورد. براساس این موافقت می‌بایست روزانه ۲۰۰۰ تن زغال سنگ اضافه بر مازاد به ذوب‌آهن حمل می‌شد که لازمه آن افزایش کشتش راه‌آهن به کارخانه ذوب‌آهن بود. (آن زمان کشتش زیر ۱۴ هزار تن بود) و برای این برنامه‌ریزی‌ها دستوراتی جهت همکاری چه در داخل کارخانه و چه در خارج از کارخانه صادر شد و به این ترتیب در دی ماه ۱۳۶۳ دومین کوره بلند ذوب‌آهن بدون هیچ مشکلی افتتاح و در مدار تولید قرار گرفت و ۲۰۰۰ کارشناسان روس به کشور خود بازگشتند. به همین دلیل ظرفیت ذوب‌آهن اصفهان از ۶۰۰ هزار تن در سال به ظرفیت ۱/۹ میلیون تن افزایش ظرفیت یافت و موجب خرسندی همه مهندسين ذوب‌آهن و مردم ایران گردید. زمانی که در هیئت مدیره فولاد بودم پیشنهاد تغییر ریخته‌گری‌های مداوم عمودی نصب شده در ذوب‌آهن را به ریخته‌گری‌های قوسی دادم ولی به دلیل حضور کارشناسان روسی و ارتباطات موجود این پیشنهاد مورد تصویب قرار نگرفت. زمانی که کارشناسان روسی ذوب‌آهن را ترک کردند مجدداً پیشنهادم را مطرح کردم که به تصویب هیئت مدیره رسید و به شورای عالی فولاد ارائه و مورد موافقت قرار گرفت و توانستیم با اخذ امضاء و مجوزهای لازم طرح تغییر ریخته‌گری را اجرایی کنیم. این حرکت با همت قابل تقدیر جناب مهندس شهیدی مدیر عامل وقت ذوب‌آهن، جناب مهندس آذربایجانی و تمامی متخصصانی که به پایداری و

رشد این شرکت معتقد بودند انجام شد.

به این ترتیب کلیه ریخته‌گری‌های قدیمی تخریب شد و به جای آن ریخته‌گری مداوم قوسی، مدرن اروپایی با نازلترین قیمت اما باکیفیت بالا، نصب و شرکت ذوب‌آهن از مشکلاتی که از زمان بهره‌برداری کوره شماره ۱ تا راه‌اندازی کوره شماره ۲ دست به گریبان بود رها گردید.

یک روز در دفترم مشغول رتق وفتق امور بودم؛ دیدم مهندس شهیدی که آن زمان مدیر عامل ذوب‌آهن بود، همراه با آقای اصغر عرفانیان که آن زمان مدیرعامل فولادشهر بودند وارد دفترم شدند. گفتم چه عجب از این طرف‌ها؟ و شروع به چاق سلامتی کردیم گفتند: «ما آمده بودیم با آقای صالح‌فرروز مدیرعامل شرکت فولاد صحبت کنیم که متأسفانه ایشان نیستند و مشکل بزرگی برای مهندس عرفانیان پیش آمده، اگر شما می‌توانید به ایشان کمک کنید و گروهی دارند برای ایشان مشکلاتی درست می‌کنند و ممکن است کلیه خدماتی که در این سال‌ها انجام داده‌اند را زیر سؤال ببرند و متأسفانه ما هیچ راه‌حلی به ذهنمان نمی‌رسد! گفتم: فکر نمی‌کنم کاری از دست من ساخته باشد! گرد ناامیدی بر چهره مهندس عرفانیان نشست اما چیزی نگفت، یک دفعه موقع خداحافظی گفتم صبر کنید، فکر کنم راه‌حلی داشته باشم. آنها خوشحال دوباره نشستند و مشتاقانه منتظر راه‌حل من شدند. یادم آمد در شرکت فولاد، معدنی به نام معدن سنگ‌آهن تایباد در شهرستان خواف مشهد که به دلیل دور

بودن مسیر تا آن زمان نتوانسته بودیم روی آن کار کنیم و آن را به شرکت باریت سپرده بودیم تا ببینیم می‌توانند روی آن کار کنند یا نه. اما تا آن زمان هیچ فعالیتی در این معدن صورت نگرفته بود. گفتم می‌توانیم جناب اصغر عرفانیان را مجری طرح این معدن بکنیم تا اکتشافات آن را راه‌اندازی کند. همان موقع فوری از اختیارات و مسئولیت خودم یک ابلاغ به عنوان مجری طرح اکتشاف معدن سنگان تایید در خراسان آماده کردم و نامه‌های مختلفی برای استاندار، بخشدار، وزارت معادن شرکت فولاد و ذوب‌آهن نوشتم و تأکید کردم همکاری لازم را با وی داشته باشند. می‌دانستم که اجرای طرح بدون پول ممکن نیست، دست به کار شدم به مدیر حسابداری دستور دادم ۶۰۰ هزار تومان آن زمان را به عنوان تنخواه در اختیار ایشان قرار دهد، حسابداری پول‌ها را در یک گونی آورد و تحویل داد. آن زمان پاترول تازه به بازار آمده بود که یکی در اختیار مدیر عامل شرکت ما بود. کلید را گرفتم و پاترول را هم تحویل ایشان دادم. یادم آمد نقشه‌های معدن در واحد طراحی تهران است. نامه‌ای نوشتم تا نقشه‌هایی که توسط مهندس مانی مدیرعامل ذوب‌آهن کشیده شده و مورد تصویب شرکت فولاد قرار گرفته بود را مهندس عرفانیان بتواند تحویل گرفته و اجرا کند. خلاصه حدود ۲۰ نامه را آماده کردم، کلید پاترول را دستش دادم و گونی تنخواه را هم در ماشینش گذاشتم و از خانه نامه‌ای تنظیم کردم تا از وسایل و تجهیزاتی که قبلاً در اختیار مهندسین روسی

بود به حساب شرکت فولاد به ایشان بدهند. می دانستم که راه طولانی و کار سختی را پیش رو خواهد داشت. مهندس عرفانیان نیاز به یک فرد قابل اعتماد در کنار خود داشت؛ یاد فردی افتادم که در سیستم اداری و مالی مجموعه ما قبلاً کار می کرد. پس یک حکم هم برای او به عنوان مدیر مالی و اداری انبار مهندس عرفانیان زدم تا همراه ایشان راهی شود. اصلیت مهندس عرفانیان خراسانی بود، پدرش یکی از خادمین امام رضا محسوب می شد. او رفت و در طی ۴ الی ۵ سال اکتشافات معدن را راه اندازی کرد و زمانی که من برای مجتمع فولاد اهواز سنگ آهن می خواستم، برایمان تأمین می کرد. سنگ آهن این معدن آن قدر کیفیت داشت که می شد دو تکه سنگ را به هم جوش داد. تقریباً ۶۷ درصد آن آهن بود. شاید آن روز اگر مدیریت بحران نمی کردم؛ سرنوشت این مدیر توانمند شکل دیگری رقم می خورد و به لطف خداوند زحمات ایشان این معدن در سال دهها میلیون تُن سنگ آهن برای کلیه شرکت های فولاد کشور ارسال می کند و یکی از بهترین معادن ایران محسوب می شود. البته نصف معدن این منطقه در خاک افغانستان است و با توجه به آخرین تماسی که چند وقت پیش با ایشان داشتم؛ متأسفانه مطلع شدم با بیماری سختی دست و پنجه نرم می کند و امیدوارم سلامتی و شفای عاجل نصیبشان شود.

■ مجتمع فولاد اهواز

در همان دوران خدمت در فولاد ایران، مجتمع فولاد اهواز را که یکی دیگر از مجتمع‌های فولاد ایران بود مورد مطالعه و تحقیق قرار دادم. این شرکت هر سه روش، احیا مستقیم در آن نصب شده بود. یک آزمایشگاه بزرگ برای تولید به روش احیا مستقیم (میدرکس، پروفِر، اچ، وای، ال) داشت که نصب و آماده بهره‌برداری بود و با برنامه‌ریزی‌های لازم و تصویب هیئت مدیره وقت، همچنین همکاری متخصصین ذوب‌آهن و مجتمع فولاد اهواز، در سال ۱۳۶۹ راه‌اندازی شد و مواد اولیه آن از معدن متعلق به ایران در هندوستان به نام معدن (کودرموخ) و مقداری سنگ‌آهن پُر عیار از معدن سنگان خراسان جهت راه‌اندازی آن شرکت تامین شد.

بعد از مجتمع فولاد اهواز با تصویب هیئت مدیره فولاد، به مشکلات نورد سنگین کاویان ورود کردم و باز با کمک گرفتن از متخصصین شرکت فولاد و ذوب‌آهن مشکلات را شناسایی و آن را راه‌اندازی نمودم.

■ صنایع مس ایران

زمانی که مهندس ناجی مدیرعامل شرکت فولاد بود پیشنهاد دادند که بنده و مهندس برهان عضو هیئت مدیرهٔ ذوب‌آهن اصفهان باشیم، من که همیشه دغدغهٔ مشکلات و موانع صنعت فولاد کشور را داشتم این مسئولیت را قبول کردم. در آن برهه از تاریخ، مهندس محلوجی وزیر معادن و فلزات بود و در مجمع عمومی شرکت مس که وزیر به عنوان (رئیس آن مجمع) حضور داشت، پیشنهاد می‌شود که طی حکمی مرا به عنوان مدیرعامل صنایع مس ایران انتخاب کنند، همه رأی موافق می‌دهند و مصوبه آن به هیئت دولت ارائه تا ابلاغ بنده را معاون اول رئیس جمهور مرحوم دکتر حبیبی صادر کنند.

یک روز در شورآباد تهران بودم که یک نفر مرا دید و گفت: شما مهندس اصلانی هستید؟ گفتم بله؛ گفت: حکم شما را هیأت دولت برای مدیرعاملی مس ایران زده‌اند. من اول قبول نمی‌کردم و با آنکه حکم مرا شهریور زده بودند، دی ماه شروع به کار کردم.

آنجا متوجه شدم شرکت مس باید ۱۴۵ هزار تن مس تولید کند. چراکه هم معدن داشت هم خط تولید. معدن سرچشمه هم می‌بایست ۱۲۰ هزار تن سنگ مس را استخراج و در سنگ‌شکن تا آنها را خرد و خوراک خط تولید را تأمین نماید. آن زمان یک شرکت آمریکایی مسئولیت این کارخانه را برعهده گرفته بود و تا سال ۵۷ هم یک

سری کار انجام می‌داد. اما مابقی به حال خود رها شده بود. از سال ۵۷ دو مدیرعامل دیگر روی کار آمده بودند اما کاری نتوانستند انجام بدهند آنها ۲۰ هزار تن سنگ مس در روز از معدن استخراج می‌کردند که با تولید واقعی آن خیلی فاصله داشت. ماشین‌آلات این کارخانه (دامتکراک) نام داشت که می‌توانست ۱۲۰ تن بار را حمل کند و یکی هم شاول ۲۶ متر مکعبی بود؛ این ماشین‌آلات غول‌پیکر هر لاستیک آن ۴ متر قطر دارد. این لاستیک‌ها آن قدر بزرگ هستند که اگر ماشینی جلوی آن باشد راننده دامتکراک ماشین را نمی‌تواند ببیند. وسیله مورد نیاز دیگر دریل برای حفاری و کارهای انفجاری بود که دریل (اینگرسولند) نام دارد بعد از روزها مطالعه و تحقیق یک روز رئیس معدن را صدا زدم و پرسیدم چرا تولید را بالا نمی‌برید؟ گفت: من چه کاری می‌توانم بکنم؟ چطور از این معدن با این ماشین‌آلات فرسوده که قبلاً توسط مهندسين آمریکایی وارد شده و امروز مستهلک شده‌اند می‌توان تولید را بالا ببریم؟

خوب همانطور که در گفته‌های قبلی هم اشاره کردم شرایط کشور آن روزها برای تولید شرایط خوبی نبود قبل از من دلال‌ها با مدیران قبلی صحبت کرده بودند که ما می‌توانیم تجهیزات را از آمریکا وارد کنیم؛ به هر حال ما در تحریم بودیم و شرایط برای فعالیت دلال‌ها خوب بود چرا که می‌خواستند با ۳ برابر قیمت به ما ماشین‌آلات بفروشند. هر دامتکراک آن زمان یک میلیون دلار و شاول ۶ میلیون

دلار قیمت داشت که مبلغ بسیار قابل توجهی بود. هر شاول اندازه یک اتاق بزرگ حجم دارد، دریل‌ها، دریل‌های خاصی هستند که می‌توانند همزمان به اندازه یک دهانه چاه، زمین را حفر کنند و جلو بروند. این دامتراک‌ها در ایالت پیوریا، ایلینویز آمریکا، شاول‌ها در ایالت میلوآکی و شیکاگو، دریل‌ها در تگزاس و قطعات دیگر در تگزاس ساخته می‌شد. دلال‌ها چون نیاز را می‌دانستند هر روز پیغام و کاتالوگ می‌فرستادند تا مرا ترغیب به همکاری کنند. دیدم نمی‌شود با دلال‌ها کار کرد چون من اهل دلال بازی نبودم؛ برای همین عزم خود را جزم کردم تا به صورت مستقیم ماشین‌آلات را خریداری کنم، از همان اول می‌دانستم این کار آسانی نیست. برای همین مجبور بودم تحریم‌ها را با مدیریت خودم دور بزنم. با یک نفر از تولیدکنندگان این تجهیزات در آمریکا تماس برقرار کردم و گفتم من مدیرعامل معدن مس سرچشمه هستم و می‌خواهم به صورت مستقیم خرید کنم و هیچ دلالی و واسطه‌ای را قبول ندارم. به رئیس معدن گفتم هرچه لازم داری برایم لیست کن، از جمله بلدوزرهای کاترپیلار، لودر، لیفتراک و.....

به کارخانه سازنده شخصاً (تلکس) زدم. آن زمان (فاکس) وجود نداشت و درخواستم را ارسال کردم، اتفاقاً آنها گفتند ماه هم خیلی راضی هستیم که فروش مستقیم داشته باشیم. خلاصه بگذریم که مجبور شدم با یک استراتژیک خاص تحریم‌ها را به خاطر حفظ تولید کشورم

دور بزنم. چاره‌ای نداشتم چون تنها کارخانه‌هایی که این تجهیزات را در دنیا می‌ساختند در آن ایالت ایلی نویز بودند. سال ۱۳۶۸ بود یک گروه ۵ نفره انتخاب کردم که یکی از آنها مدیر بازرگانی شرکت فولاد ایران بود. کارخانه تولید کننده گفت: «بیایید در اروپا قرار جلسه‌مان را بگذاریم تا آنجا مذاکره کنیم». وقتی می‌خواستم بلیط بگیرم متأسفانه دلال‌ها فهمیده بودند و برای من مانع‌تراشی کردند و در فرودگاه گفتند پاسپورت شما ایراد دارد! من به چهار نفر همراه خود گفتم به سر کارهای خود برگردند و منتظر تماس من بمانند. بعد از ۴۵ روز ویزای تیم همراهم را برای آلمان (هامبورگ) گرفتم و یک شب پیغام دادم که همه ۹ شب برای یک جلسه فوری در دفتر من در شرکت مس تهران حاضر شوند. آنها آمدند. شام را خوردیم و ساعت ۱۲ شب به فرودگاه رفتیم. با تعجب پرسیدند چه شده؟ گفتم: این یک مأموریت است و حتی با خانواده‌هایتان هم نباید تماس بگیرید. لذا بی سر و صدا و فارغ از چشم دلال‌ها سوار هواپیما شدیم. پای بیش از ۸۰ میلیون دلار خرید تجهیزات وسط بود. خلاصه با کارخانه سازنده تماس گرفتم که ما در هامبورگ هستیم و شما کجائید؟ گفتند: ما در هتل هامبورگ هستیم. آنها ۲ نفر نماینده یکی از کارخانه و دیگری نماینده اتریشی توزیع در اروپا را برای مذاکره پیش ما فرستادند. من بچه‌ها را در یک هتل مناسب مستقر کردم و برای مذاکره آماده شدیم. شاید مذاکرات ما بیش از یک هفته طول کشید و آنها هر روز

می‌پرسیدند آیا واقعاً قصد خرید دارید یا نه؟ بچه‌های من می‌گفتند مهندس اصلانی باید تصمیم بگیرند. نکته قابل ذکر اینکه من اصلاً در جلسات به صورت حضوری شرکت نمی‌کردم و تمام صحبت‌ها را تلفنی به من انتقال می‌دادند، من در آخر کار وارد جلسه می‌شدم و به گونه‌ای با تیم همراهم صحبت کرده بودم که آنها اجازه حتی یک نخ سیگار را از طرف تیم خارجی نداشتند چه برسد به یک ریال پورسانت! بعد از توافق نسبی با شرکت تماس گرفتم و گفتم باید شخصاً کارخانه‌ای که تجهیزات را می‌سازد را از نزدیک رؤیت کنم و تأیید ۲ نفر نماینده کارخانه را پیگیری کردم که مبدا جزء دلال‌ها باشند. برای همین عکس و پاسپورتشان را به شرکت سازنده ارسال کردم و گفتم مشخصات آنها را برایم توضیح دهند. آنها گفتند یکی نماینده ما در اتریش و دیگری نماینده ما در کارخانه در امریکا هستند. وقتی مطمئن شدم، همراه تیم خودم بدون سر و صدا وارد پی‌بی‌ویا شهر تولید کننده تجهیزات شدیم و حتی معاون وزیر هم از این موضوع خبر نداشت، خلاصه رفتیم ایالت (پیوریا) و آنجا نمایندگان کارخانه را دیدیم. آنها می‌خواستند برای ما هتل بگیرند. گفتم خیلی ممنون ما به محبت شما نیاز نداریم و برای خرید آمده‌ایم. اول قرار بود ۸ دستگاه بخرم اما ۸ دستگاه را به ۱۶ دستگاه و بعد به ۲۰ دستگاه رساندم. چرا که مطمئن بود، دیگر با این تحریم‌های موجود در کشور چنین فرصتی را برای خرید پیدا نمی‌کنیم.

علاوه بر آنها ۲ عدد شاول و ۴ عدد دریل خریداری و قرارداد را امضا کردم. بعد گفتم من از طریق حساب (ال سی) به شما پول می‌دهم. خلاصه رفتم ایالت میلوکی شیکاگو و سفارش را دادم، البته تنخواه به صورت دلار با خودم برده بودم. بعد از چند ماه آنها تمام تجهیزات را درون یک کشتی بزرگ گذاشتند و آن کشتی را در یک کشتی اقیانوس پیما قرار دادند و بار ما در بندر چابهار تخلیه و از طریق کشتی به بندرعباس وارد شد. من قبل از رفتنم با مدیر بانک مرکزی (ال سی) آقای مرحوم مهندس نوربخش صحبت، حساب (ال سی) باز کرده بودم و در تفاهم‌نامه نوشتم هیچ کس حق یک ریال گرفتن دلالی ندارد و ما تنها هزینه رفت و آمد خود و خورد و خوراکمان را برداشتیم.

(ال سی) حسابی است که ما می‌توانیم ۱۰ درصد از کل قرارداد را واریز کنیم و مابقی را بعد از ساخت تجهیزات که از طرف کارخانه سازنده اعلام شد به بانک پرداخت نموده و بانک‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کنند، آن زمان بانک اجازه می‌دهد که تجهیزات ارسال شود و معامله را تضمین می‌کند. بعد از آوردن تجهیزات مونتاژ کردن هر دستگاه ۳۰۰ متر جوشکاری داشت تا بتوانیم اتاق‌ها را به هم نصب کنیم. به هر حال این یک کار تخصصی بود و به دلیل اینکه یک آمریکایی نمی‌توانست وارد ایران بشود، کارخانه سازنده گفت: ما یک مهندس هندی داریم و او را فرستادند و کلیه خط را مونتاژ نمود. به این ترتیب مس سرچشمه به ظرفیت ۱۲۰ هزار تن در روز رسید و همه این کارها

به صورت کاملاً محرمانه انجام شد. چرا که اگر ذی‌نفعان متوجه این کارها می‌شدند، این خرید هرگز به سرانجام نمی‌رسید و تولید ما هرگز ظرفیت ۱۲۰ هزار تن را تجربه نمی‌کرد!

(من در ۷۱۶ روز کار مداوم اقدامات ماندگاری را انجام دادم که این برنامه‌ها به پیوست در آخر کتاب جهت مطالعه شما خواننده عزیز اضافه خواهد شد. چون وزیر نمی‌خواست که من طبق مقررات شرکت ۵ سال مدیر عامل باشم و کلیه مسائل مس هم حل شده بود و فکر می‌کردند به من احتیاج ندارند و عوامل خودشان را گذاردند من آنها را به خدا واگذار کردم و خارج شدم)!

هر هفته همانند سایر مجتمع‌هایی که زیر نظر وزارت معادن و فلزات بود با جناب مهندس محلوجی جلسه یک ساعته داشتم تا ایشان را در جریان فعالیت‌هایم قرار دهم. گاه می‌دیدم بعضی‌ها با دادن اطلاعات اشتباه، فکر ایشان را مکدر ساخته‌اند. من اطلاعات صحیح را با مدرک به حضورشان می‌رساندم. در هفته‌های آخر روزهای خدمتم که مسئولیت مدیر عاملی مس ایران را داشتم، روزی مدیر دفتر وزیر تماس گرفت تا به جای ۱۰ صبح، ساعت جلسه را زودتر برگزار کنیم. من ساعت ۹ صبح به دفتر وزیر رفتم، دیدم قائم مقام من و معاونت فلزات غیرآهنی در اتاق وزیر نشسته‌اند، بعد از سلام و احوالپرسی جلسه شروع شد و وزیر گفت: (شما در مدت ۷۱۶ روز فعالیت و در مقام مدیر عاملی شرکت ملی صنایع مس ایران خیلی

خوب کار کردید و کلیه مشکلات مس سرچشمه را در تمام ابعاد برطرف و توانستید آن را به ظرفیت اسمی برسانید به لطف فعالیت شما درآمد خوبی برای مس ایجاد شده و سال ۱۳۶۹ یکصد میلیون صادرات داشته‌اید و از ردیف یازدهمین صادرکننده به ردیف سومین صادرکننده در کشور رسیده‌اید! در ضمن علاوه بر معدن سرچشمه شرکت مس را توسعه و دو مجتمع دیگر ایجاد کرده‌اید. منظور آنها معدن مس میدوک در شهر بابک و مس سونگون آهر در تبریز و مجتمع مس آذربایجان بود. شما طبق مقررات، درآمد شرکت مس را به خزانه دولت واریز می‌کنید اما ما از شما انتظار دیگری داشتیم! روز اول، از شما خواستیم که از ما حرف‌شنوی داشته باشید! قائم مقام من که از اقوام رئیس جمهور وقت بود در جلسه نشسته و حرفی نمی‌زد. وزیر گفت: من تصمیم گرفتم که از امروز سرپرستی شرکت ملی صنایع مس ایران را به معاون خودم بدهم، شما می‌توانید استعفا بدهید یا عملاً عضو هیئت مدیره مس و مدیرعامل باقی بمانید ولی در حقیقت کاره‌ای نباشید! چراکه با تفویض امضاءهایی که داده‌اید کارهای شرکت را معاون من انجام می‌دهد و ما در عوض مجمع عمومی شرکت را برای خلع شما تشکیل نمی‌دهیم! ولی شما عملاً در شرکت مسئولیتی ندارید!

من متوجه شدم این تصمیم از قبل و با هماهنگی اتخاذ شده، پیشنهادشان را قبول نکردم و با قلبی شکسته خداحافظی کردم (هرگز یادم نمی‌رود، آن موقع ماه مبارک

رمضان بود). به خدا پناه بردم و آنها را با اعمالشان به پروردگارم واگذار کردم. از آن اتفاق تا به امروز بیش از ۳۰ سال می‌گذرد و خدا را شاکرم که کارنامه اقدامات ماندگار من به عنوان یک ذوب‌آهنی در مدت زمان ۷۱۶ روز در شرکت ملی مس ایران هیچ نقطه تاریکی ندارد و گویای صداقت، پاکی و امانت‌داری یک نیروی ذوب‌آهنی است.

■ سیمان اصفهان

در مدت زمانی که به عنوان مشاور وزیر معادن و فلزات بودم در امور نسوز از طریق استاندار وقت اصفهان دعوت شدم تا به کارخانه سیمان اصفهان که متعلق به خیریه علی و حسین همدانیان کمک کنم و با حفظ سمت در وزارتخانه به عنوان مدیرعامل سیمان اصفهان کارم را آغاز کردم. در مدت ۳ سال ونیم آن کارخانه را که در سال ۱۳۳۴ تأسیس شده بود، مدرنیزه و کوره ۹۰۰ تنی این کارخانه را به ۲۱۰۰ تن آپ‌گرید نمودم و کوره ۲۰۰ تنی کارخانه را با ابتکاراتی که داشتم و با کمک مرکز تحقیقات نسوز و کارشناسانی که از روسیه به عنوان همکار دعوت نمودم تبدیل به سیمان نسوز کردم. کلیه اقدامات و برنامه‌های انجام شده در شرکت سیمان اصفهان در پایان کتاب ضمیمه شده است.

همانطور که می‌دانید همدانیان فرزندی نداشتند و من به جای فرزند آنها در کارخانه با خلوص نیت خدمت و آن را به روح پاک‌شان هدیه نمودم. چون ستاد نسوز بود فکر کردم از این فرصت استفاده کنم چرا که آن روزها به دلیل ۳ میلیارد بدهی کارخانه، سازمان حمایت از مصرف‌کننده همه چیز را پلمپ کرده بود، اما من پیگیری کردم و قول دادم آن راه‌اندازی کنم. دیدم این کارخانه یک کوره ۲۰۰ تنی، یک کوره ۳۰۰ تنی، یک کوره ۵۰۰ تنی و یک کوره ۹۰۰ تنی دارد. آمدم و با وزارتخانه برای تبدیل کوره ۹۰۰

تن به ۲۱۰۰ تن طرح و برنامه داده و خلاصه کارخانه را از ظرفیت ۲۱۰۰ تن به ۳۵۰۰ تن رساندم. همچنین در کارخانه سیمان اصفهان برای اولین بار در کشور توانستم سیمان نسوز تولید کنم و با اصلاح الکتروفیلتر کوره ۲۰۰ تنی آن را تبدیل به سیمان نسوز کردم، با بازدیدهایی که در خارج از شرکت‌های مختلف داشتم توانستم با تکنولوژی بسیار پیچیده‌ای برای تولید سیمان نسوز اقدام کنم. کارشناسان ایرانی رغبتی برای همکاری نشان ندادند. برای همین مجبور شدم با مرکز سیمان روسیه و دانشگاه (مندلیف) که از قبل با آنها آشنایی داشتم بتوانم از چند کارشناس که دکترای (منیرالوژی) را دارا بودند به همکاری دعوت و حدود ۳۰۰۰ تن سیمان نسوز در انواع (فوندو، سکار ۵۱، سکار ۷۰، سکار ۸۰ به روش تر) تولید و استاندارد تمام به صنایع ارائه و به کمک مرکز تحقیقات نسوز، تولید آن را در ایران ثبت و کاربرد آن را در صنایع مختلف آزمایش و بومی‌سازی نماییم.

لازم به ذکر است؛ سیمان اصفهان که زیر نظر خیریه علی و حسن همدانیان اداره می‌شد، به دلیل مشکلات مالی و عدم شناخت از پروژه، هیچ‌گونه کمکی برای مدرنیزه کردن کارخانه (آپ‌گرید) و ساخت سیمان نسوز ننمود. به خاطر دارم برای اینکه بتوانم کوره ۹۰۰ تنی را به ۲۱۰۰ تن برسانم مجبور شدم به آلمان بروم و چند نفر هم را برای مذاکره با خود بردم. با خودم می‌گفتم حال که تا اینجا آمدم با شرکت (لافار فرانسه) ارتباط برقرار

کنم تا ببینم سیمان نسوز را چگونه تولید می‌کنند، چراکه در دنیا فقط دو شرکت انحصار تولید سیمان نسوز را در اختیار داشتند. با همه مشکلات رفتیم؛ اما به دلیل اعتصاب نتوانستیم بازدید کنیم. خلاصه با توضیحات سعی کردم بفهمم چگونه سیمان نسوز تولید می‌کنند و به این ترتیب سیمان (فوندو و سکار) را تولید شد. روزی نماینده شرکت لافار فرانسه به ایران آمد و تا مرا دید گفت: «شنیدم آمدی و از فرمول ما سیمان نسوز ساخته‌ای؟ ما به ایران کلی سیمان می‌فروختیم، شما دکان ما را تخته کرده‌اید! به هر حال در کار خودت موفق بوده‌ای و به تو تبریک می‌گوییم؛ اما امیدوارم این کار تو تداوم داشته باشد». راستش آن روز معنی سخنان نماینده کارخانه لافار را متوجه نشدم! تا روزی که مرا از کارخانه سیمان با مشکلاتی که ایجاد کردند فراری دادند! و اجازه ندادند کارم را تمام و سیمان نسوز تولید کنم. آنها می‌دانستند چه می‌گویند چراکه دلال‌هایشان را در ایران می‌شناختند.

من همه بودجه مورد نیاز این کارخانه را چه ارزی و چه ریالی با وام و اعتبارات خودم از محل تولید با ارزش افزوده بالاتر (تولید سیمان میکروسیلیس و سیمان‌های خاص و سیمان‌های تیپ ۵ و تیپ ۲) که در آن زمان در کارخانه تولید نمی‌شد تأمین و کارخانه را به روزرسانی کردم. خوشبختانه، این کارخانه تا به امروز سرپا و سودرسان است و امورات خیریه علی و حسن همدانیان را تأمین می‌نماید. ثبت اختراع سیمان نسوز را به روش تر به نام خودم و سیمان

میکروسلیس را به نام خودم و دکتر رضانیانپور رئیس مرکز مطالعات ساختمان ثبت کردم که کارخانه سیمان اصفهان بعد از فراری دادنم شکایت کرد و باعث مشکلاتی برای من شد که آن را هم به خداوند متعال واگذار کردم که قاسم الجبارین و احکم الحاکمین است.

■ طرح‌های اجراء شده در شرکت سهامی سیمان اصفهان

۱. راه‌اندازی کوره صفر (۲۰۰ تنی)..... انجام شده
۲. طرح جدید جلوگیری از نشر آلودگی به اطراف
۳. طرح افزایش ظرفیت کوره ۹۰۰ تن به ۲۰۰۰ تن
۴. طرح افزایش ظرفیت کوره ۷۰۰ تن به ۱۰۰۰ تن
۵. طرح نصب و راه‌اندازی سالن اختلاط مواد و سرنده و سنگ‌شکن در معدن
۶. طرح الکتروفیلتر کوره ۷۰۰ تنی
۷. تعمیر و بازسازی سیلورهای کلینگر
۸. طرح و راه‌اندازی سیستم PLC و اسکندر
۹. طرح ساخت سیمان نسوز
۱۰. طرح سطح سنجی سیلورهای مواد خام و کلینگر (مکانیزه)
۱۱. طرح تعویض مشعل‌های کوره‌ها
۱۲. طرح تغییر پیش گرمکن مازوت کوره‌ها
۱۳. طرح بازسازی سیکلون‌های کوره‌ها
۱۴. طرح تغذیه و تخلیه سیلورهای کلینکر
۱۵. طرح احداث واحد آسیاب و بسته‌بندی در قشم
۱۶. طرح راه آهن
۱۷. طرح بازسازی شبکه و پست‌های برق کارخانه
۱۸. تحقیقات در مورد کم کردن انرژی و یوتیلیتی کارخانه
۱۹. طرح تهیه و نصب راه‌اندازی سپراتور برای آسیاب‌های گلوله مواد و سیمان

- ۲۰. طرح توزین کلینگر خروجی کوره ۴
- ۲۱. ایستگاه اندازه گیری گاز و سیستم حفاظت کاتدویک
- ۲۲. طرح اکتشاف معادن و طرح سازماندهی آزمایشگاه

مواد

- ۲۳. طرح استخراج معادن
- ۲۴. طرح ساخت سیمان تیپ ۲ و ۴ و ۵ و روباره
- ۲۵. طرح MIS کارخانه
- ۲۶. طرح ISO ۹۰۰۰

■ پالایشگاه قطران

پس از سی‌مان اصفهان در سال ۱۳۷۸ به پالایشگاه قطران دعوت شدم که از قبل نیز عضو هیئت مدیر آن بودم و با جناب مهندس (ادیب) که احداث کننده این پالایشگاه بود همکاری کردم و مدت زمان کوتاهی به عنوان مدیر عامل مشغول ادامه خدمت شدم و برای رسیدن به ظرفیت اسمی آن تلاش کردم. (لیست تولیدات آن ضمیمه است). لازم به توضیح است، قطران تولید شده از زغال سنگ، در واحد کک‌سازی بایستی در کارخانه ابتدا فرآوری می‌شد تا در قالب محصولات برای فروش به بازار آماده و ارائه گردد. آن زمان در خارج از محوطه ذوب‌آهن در شمال کارخانه، حوضچه‌هایی برای انبار کردن قطران، ایجاد شده بود و به وسیله تانکر تخلیه می‌گردید که بحث آلودگی محیط‌زیست و آب‌های زیرزمینی را به دنبال داشت.

با سرمایه‌گذاری بنیاد مستضعفان و شرکت ذوب‌آهن شرکت پالایشگاه قطران تأسیس و روزانه قطران تولیدی به وسیله لوله‌گذاری که انجام شد به پالایشگاه ارسال گردید. همچنین قطران انبار شده در حوضچه‌ها به وسیله تانکر تخلیه و به پالایشگاه ارسال می‌گردید و مطابق با لیست پیوست، محصولات تولید شده به بازار ارسال می‌شد. در ضمن شرکت ذوب‌آهن اصفهان شبکه‌های آب، برق، گاز، فاضلاب و... را بدون سرمایه‌گذاری مجدد به پالایشگاه ارائه نمود و با سهامداران پالایشگاه اصفهان تا به امروز همکاری نزدیک و صمیمانه‌ای دارد.

فهرست فرآورده‌های پالایشگاه قطران زغال سنگ

فهرست فرآورده‌های پالایشگاه قطران زغال سنگ

ردیف	نام محصول	موارد استفاده
۱	نفتالین صنعتی Technical Naphthalene	صنایع مواد اولیه رنگسازی و تولید نرم‌کننده‌ها
۲	نفتالین خالص ۹۹/۶٪ Pure Naphthalenc	صنایع دارویی، حشره‌کشها، تولید انیدریدنتالیک
۳	قبر مخصوص آند آلومینیم Anode pitch	صنایع آلومینیوم سازی
۴	قبر الکتروگرافیتی Graphite pitch	صنایع ساخت الکتروگرافیتی
۵	قبر تلقیح Impregnation pitch	صنایع ساخت الکتروگرافیتی و صنایع تولید عایق‌ها و مواد نسوز
۶	قبر سخت Hard pitch	جهت تولید گل مجرا برای کوره‌های بلند ذوب‌آهن
۷	قبر جهت تولید فرآورده‌های نسوز Pitch for Refractory material	صنایع ساخت فرآورده‌های نسوز
۸	قبر (بنا به درخواست مشتری) Customized pitch	صنایع تولید پوشش‌های قطرانی، صنایع باطری‌سازی، صنایع رنگسازی و ...
۹	لعاب پوشش لوله‌های فلزی Coal tar Enamel	حفاظت لوله‌های زیرزمینی در مقابل اثرات خاک و خوردگی
۱۰	روغن‌های سنگین Heavy oils	صنایع تولید دوده صنعتی (کربن بلاک)
۱۱	روغن کروزوت Creosot oil	حفاظت چوب و الوار از موربانه، حشره‌کشها، ضدعفونی‌کننده‌ها
۱۲	روغن کربولیک Solvent Naphtha	صنایع تولید رزین، صنایع مواد اولیه رنگسازی
۱۳	روغن جذب بنزول Wash oil	جذب بنزول و گازهای آلی در صنایع مختلف
۱۴	روغن اسفتن Acenaphthene oil	صنایع تولید مواد اولیه برای واحدهای نساجی، دارویی، حشره‌کشها، پلاستیک
۱۵	روغن کربازولیک Carbazolic oil	صنایع تولید پوشش‌های قطرانی
۱۶	روغن سبک Light oil	صنایع پالایش بنزن، تولوئن، زایلن

■ کارهای انجام گرفته در مدت ۷۱۶ روز به عنوان سومین مدیرعامل بعد از انقلاب اسلامی شرکت ملی صنایع مس ایران (۱۳۷۰-۱۳۶۸)

- ۱- به ظرفیت رساندن مس سرچشمه از ۴۰۰۰۰ تن به ۱۴۵۰۰۰ تن در سال.
- ۲- خرید ۲۰ دستگاه دامتراک ۱۲۰ تنی مکانیکال (وابکو) دو دستپگاه شاول ۲۶ مترمکعب P&H و دو دستگاه دریل اینگر و سولاند تماماً از آمریکا در شرایط تحریم سال ۱۳۶۹.
- ۳- خرید کارخانه اسلاری (مواد منفجره آبی) از نیترونوبل سوئد مونتاژ و نصب و راه‌اندازی و بهره‌برداری در معدن مس سرچشمه و حل کردن مشکلات جنوب کشور نسبت به تامین مواد منفجره.
- ۴- اصلاح معدن سرچشمه و خارج کردن آن از کور شدن و رساندن بظرفیت اسمی روزانه ۱۲۰,۰۰۰ تن.
- ۵- اورهال سنگ‌شکن تا انتهای ذوب در مدت ده شبانه روز و تعویض منتل با وزن ۶۰ تن و رگلاژ آن.
- ۶- اصلاح آبرسانی به تغلیظ و راه‌اندازی چهار آسیب دیگر آن.
- ۷- سفارش ساخت داخل ۳۰۰۰۰ قطعه یدکی مجتمع سرچشمه برای ساخت داخل (تهیه نقشه و راهنمایی تکنولوژی و ...) در یزد- اصفهان- تهران- آمل و ...
- ۸- نصب و راه‌اندازی چرخ ریخته‌گری شماره ۲ ذوب مس.
- ۹- برنامه‌ریزی برای راه‌اندازی معادن ذخیره کم و گرفتن کنسانتره از آن و تعیین مجری طرح معدن دره‌زار (آقای

مهندس جمشیدی).

۱۰- زه‌کشی ساختمان‌های صنعتی و غیره با طرح قنات و کشیدن آب‌های زیرزمینی از زیر کارخانه مس سرچشمه و بخش‌های آن.

۱۱- اصلاح طرح تانگ فارم پالایشگاه تهیه کاتد از آند و رفع نشتی از هر تانک.

۱۲- اصلاح تعمیرگاه‌های داخل مجتمع برای رفع نیاز ساخت اضطراری قطعات میکانیکال-الکتریکال و تاسیسات و

۱۳- خرید ۶ دستگاه ژنراتورگازی شرکت توانیر با ظرفیت ۴۰ مگاوات برای مجتمع در مواقع قطعی برق و زمستان‌های سخت مجتمع.

۱۴- ایجاد شبکه برق‌رسانی ۲۰ کیلو ولت توسط شرکت توانیر از کرمان به مجتمع.

۱۵- ایجاد فرودگاه رفسنجان با هزینه کردن تعاونی پسته رفسنجان و ایجاد راه‌آهن مجتمع با هزینه کردن راه‌آهن کرمان (مهندسی کارها با مس سرچشمه بوده است).

۱۶- خرید ساختمان اصلی شرکت مس از تبصره ۴ مقام محترم رهبری و خرید ساختمان بخارست ۱۱ آپارتمان در یک مجموعه و خرید ده آپارتمان در شهرک غرب و خرید ساختمان شمس‌آبادی در اصفهان و تعویض ساختمان ۳ راه سرچشمه با ۲۰ دستگاه خانه ویلایی در شاهین‌شهر و خرید ساختمان‌های مسکونی وزارت مسکن در اول شهر بابک برای مجتمع مس میدوک. گرفتن ۵۰ هکتار در اسکله

شهید رجایی بندرعباس برای مجتمع و احیای موزستان در بندرعباس و خرید ۲۰۰۰۰ گمتر زمین مرحوم شیخ محمد در وسط شهر رفسنجان و خرید زمین و ساختمان برای مجتمع مس سونگون اهر.

۱۷- مدرنیزه کردن حمل و نقل داخل کارخانه و خارج آن برای و ایاب ذهاب خوب کارکنان.

۱۸- مدرنیزه کردن رستوران‌های مجتمع.

۱۹- خرید زائرسرای مشهد از طرق تعاونی کارکنان و اعزام زائران مجتمع از طریق انجمن اسلامی و هیئت ابوالفضل و پیشنماز مسجد شهرک.

۲۰- ایجاد مشابه سوپر مارکت بزرگ اتکاء در شهر رفسنجان در مجتمع مس سرچشمه برای رفاه کارکنان.

۲۱- احیاء ورزش در مجتمع در روزهای تعطیل.

۲۲- اصلاح بیمارستان موجود سرچشمه و مدرن کردن آن در حد احتیاجات و ایجاد ساختمان جدید با هزینه‌گر تامین اجتماعی در شهرک.

۲۳- اصلاح و مدرنیزه کردن مخابرات و IT شهرک و مجتمع میدوک و سونگون توسط آقای مهندس غرضی‌ور مخابرات و به هزینه مخابرات.

۲۴- راه‌اندازی درت پلانت و استحصال فلزات گرانبها (طلا و نقره و سلنیوم و...) در مجتمع مس سرچشمه.

۲۵- اصلاح کشاورزی و فضای سبز مجتمع و شهرک و آبیاری آن توسط پساب‌های مجتمع مس سرچشمه.

۲۶- ایجاد و احیاء شرکت سرمایه‌گذاری مس سرچشمه و

- انتخاب آقای جلالی بعنوان اولین مدیرعامل آن.
- ۲۷- اصلاح و احیاء سیستم فروش محصول و محصولات فرعی مجتمع سرچشمه و ایجاد روش فروش مدرن.
- ۲۸- اصلاح خط تولید سرباره دانه‌بندی بندی شده از بالای کوه به پایین و دانه‌بندی ریز آن
- ۲۹- اصلاح بهره‌برداری از آب خاتون‌آباد و آوردن طراح اصلی آن از انگلیس (شرکت بینیون پارت نر)
- ۳۰- صادر کردن ۴۰۰۰۰ تن مس‌آند و کاتد به خارج با بالاترین قیمت ممکن آن روز (LME) به ارزش یکصد میلیون دلار در سال ۶۹ و ارتقاء از ردیف ۱۱ به ۳ در صادرات کشور.
- ۳۱- پیگیری‌های لازم برای ایجاد کارخانه اسیدسولفوریک
- ۳۲- خرید ساختمان فروش شرکت جنب ساختمان اصلی مس در خیابان ولیعصر تهران
- ۳۳- اصلاح و اجرای طبقه‌بندی مشاغل شغل‌های مجتمع و سازمان دادن پرسنل شرکت
- ۳۴- اقدامات لازم برای ایجاد مجتمع مس میدوک و اکتشافات آن و ساختن جاده به مجتمع مس میدوک و اقدامات برای خرید ماشین‌آلات پروسس و ... و باطله‌برداری آن و ...
- ۳۵- خرید کامپیوترهای مخصوص تهیه نقشه‌های زمین شناسی معدن برای مس سرچشمه.
- ۳۶- گرفتن ۵۰ هکتار زمین جنب فرودگاه برای مسکن کارکنان مس سرچشمه.

۳۷- طرح اصلاح جاده رفسنجان به مجتمع از طریق وزارت راه

۳۸- ایجاد خط مونتاز ۲۰ دستگاه واکو و ۲ دستگاه شاول و ۲ دستگاه دریل در تعمیرگاه معدن توسط پرسنل مجتمع و کمک از واحدهای دیگر

۳۹- اقدامات برای عضویت در LME و شفاف کردن قیمت مس و حذف رانت از فروش مس

۴۰- بنیان‌گذار و ایجاد مجتمع مس سونگون اهر و ثبت شرکت در اهر و ثبت اکتشافات و بردن رئیس جمهور وقت به سونگون و مزرعه در اهر و

۴۱- بوجود آوردن فرهنگ کاری در سراسر شرکت مس و ارزش دادن به کار کردن و ارزش دادن به داشتن سیستم و (اینکه در نهایت بایستی کار بکنند که بماند نه اینکه کاری نکنید که بمانید).

۴۲- انجام حسابرسی کل شرکت مس از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۸ توسط سازمان حسابرسی کشور (آقای مستاجران).

همه این برنامه‌ها در مدت ۷۱۶ روز (در سالی ۱۳۷۰- ۱۳۶۸ دی‌ماه) انجام که مجتمع مس سرچشمه تکمیل شد و به ظرفیت رسید مجتمع مس میدوک ایجاد شد و مجتمع مس سونگون اهر ایجاد گردید و برنامه ژئوفیزیک برای اکتشافات کل مس ایران ریخته و برنامه‌ریزی آغاز اکتشافات معادن کوچک آغاز گردید و کلیه این کارها با پرسنل شرکت صنایع مس که در آن زمان ۵۵۰۰ نفر

بودند انجام گرفت. (نه پیمانکاری بود نه شرکت‌های وابسته ایجاد شده بود و ...).

مدتی در خانه بودم. دوباره با مکاتبات و تماس‌های مکرر از وزارت معادن و فلزات به تهران خوانده شدم. وزیر در آن جلسه گفت: آبروی من در خطر است قبول کنید و مشاوره من بشوید! ما کیسه‌ای داریم که زیر آن سوراخ است (مقصود واردات مواد و آجرنسوز از خارج به ایران بود). بیایید و کارخانجات نسوز را سروسامان بدهید. من قبول نمی‌کردم ولی با اصرار و پادرمیانی چند نفر قبول کردم و کار را در وزارت معادن و فلزات شروع و ستاد نسوز کشور را تشکیل دادم، ضمن بازدید از کارخانجات نسوز برای مدرنیزه کردن آن کارخانه‌ها اقدام و هر ماه به صورت مرتب با مدیرعامل کارخانه‌ها جلسه و صحبت می‌کردم و در جلسات مشکلات را بررسی و راهکارهای آن را مصوب می‌نمودم. همچنین در مورد کیفیت نسوز و کم کردن مصرف آجر و جرم نسوز مطالعه بسیار و برنامه‌ریزی می‌کردم. من تحقیق کردم و دیدم در خارج از کشور، مراکز تحقیقات نسوز دارند که مصرف کارخانه‌هایی مانند مس، آلومینیوم، فولاد و ... را تامین می‌کنند که چه نسوزی استفاده کنند. گفتم پس ما هم با توجه به کارخانه‌های متعددی که داریم می‌بایست یک مرکز تحقیقات نسوز ایجاد کنیم. بی‌سروصدا به کمک سازمان، توجیه فنی و اقتصادی آن را نوشتیم. برای ساخت این مرکز نیاز به یک زمین بزرگ داشتیم؛ بعد از تحقیق و بررسی زمینی را با مساحت ۶ یا ۷ هکتار در ابتدای جاده

ذوب آهن (بلوار شفق) خریداری و ساختمان این مرکز را بنا نهادیم که اکنون ساختمان بورس در آن ایجاد شده است. حدود چهارصد و پنجاه میلیون مارک یا دلار بودجه برای ساخت و تجهیزات آن از دولت گرفتیم و سال اول که خدمت جناب دُرّی نجف‌آبادی رفتم رئیس کمیسیون بواجه مجلس گفتم می‌خواهم یک مرکز تحقیقات نسوز ایجاد کنم. گفت: «چقدر بودجه می‌خواهی؟» گفتم: «یک ریال!» او هم امضاء کرد «بودجه یک ریال» و گفت برو اینقدر وقت من را نگیر!

من در واقع می‌خواستم اسمم و طرحم وارد برنامه بودجه کشور بشود، سال بعد رفتم تمام تجهیزات را انتخاب و در کمیسیون بودجه از طرحم دفاع کردم و گفتم با ایجاد این مرکز، مصرف نسوز وارداتی کاهش پیدا می‌کند و کلیه ماشین‌آلات را بدون پرداخت یک ریال دلالی از کارخانه‌های مختلف تهیه و بهترین کادر را برای فعالیت در این مرکز انتخاب کردم. این مرکز تحقیقات نسوز بیشتر مسائل نسوز کشور را حل می‌کرد و هر که مشکل نسوز داشت به آنها رسیدگی می‌نمود. مدیریت این مرکز برعهده شرکت فولاد بود و اداره کردن آن برعهده ذوب آهن اصفهان، من بعدها که به فعالیت‌های دیگری مشغول به خدمت شدم فهمیدم این محل در اختیار بورس قرار گرفته و کلیه ماشین‌آلاتی که ما با این همه سختی و مشکلات تهیه کرده بودیم با لیفتراک به روی تریلرها انداخته و به محل بابا شیخ‌علی مانند قرصه‌های آهن، روی هم انبار کرده‌اند.

به خاطر دارم ما مهندسی داشتیم به نام مهندس تگریان، روزی او به من گفت: یکی از اعضای هیأت مدیره نسوز شرکت (دیدیر آلمان) ایرانی است و هر موقع به ایران می‌آید سری هم به مرکز تحقیقات نسوز ما می‌زند. نامش دکتر مضطرزاده بود. ما باهم رفیق شدیم. او می‌گفت در جلسات نسوز آلمان، همیشه (نگران مرکز تحقیقات نسوز ایران) هستند و می‌گویند ای کاش به صورتی این مرکز تعطیل بشود که ما راحت بتوانیم نسوز، آجر و تکنولوژی خود را به ایران بفروشیم! و این حرف تمام شرکت‌هایی است که به نوعی به ایران نسوز می‌فروشدند و چون من تنها ایرانی در جمع آنها هستم؛ ناراحت می‌شوم که راحت برای کشورمان نقشه می‌کشند. همانطور که در بالا گفتم این تجهیزات به محل بابا شیخ‌علی رفت و درب مرکز تحقیقات نسوز برای همیشه بسته شد و این نشان می‌دهد که در کشور چه ایرانی و چه خارجی زمانی که ذی‌نفع باشند اجازه نمی‌دهند متخصصان ما کارشان را به درستی پیش ببرند.

■ خدمت‌م در نفت و گاز پارس جنوبی (عسلویه)

در سال ۱۳۷۹ به دعوت شرکت نفت و گاز پارس جنوبی (عسلویه) و با موافقت وزارت معادن و فلزات و شرکت ملی فولاد ایران با اختیارات کامل در سایت عسلویه شروع به کار کردم. فاز ۲ و ۳ مربوط به شرکت توتال فرانسه بود. شرکت توتال در آن زمان ۸۰۰ نفر کارشناس در عسلویه و

۴ نفر هم در تهران داشت، کارهای اجرایی سایت به صورت کلی در دست پیمانکاران توتال بود و تقریباً کارهای اجرایی به خط پایانی رسیده بود. یکی از بزرگترین چالش‌های پیش روی شرکت، مشکلات تحویل ماشین‌آلات نصب شده توسط سازندگان از کشورهای مختلف بود و آن دوره حضور و رفت و آمد کارشناسان خارجی در شرایط خاص کشور مقدور نبود. می‌بایست حداقل ۳۰۰ کارشناس خارجی اعم از سازندگان ماشین‌آلات برای بازرسی، تحویل نصب دستگاه‌های فروخته شده بر اساس دستورالعمل‌های مربوطه و قراردادهای شرکت توتال تحویل می‌گردید که من با کلی برنامه‌ریزی، نامه‌نگاری توانستم با هماهنگی انجام شده با ارگان‌های مختلف، مسئله ویزای آنها را حل کنم. لازم به ذکر است این تعداد ویزا بایستی برای افرادی که طی یک سال و نیم در زمان‌های مختلف حضور پیدا می‌کردند آماده می‌شد و به این ترتیب فعالیت شرکت توتال که به دلیل مشکلات ویزا متوقف شده بود به روال عادی خود برگشت. در این پروژه و در فاز ۲ و ۳ شرکت، نزدیک به ۳۰ هزار نفر پرسنل مشغول ساخت و ساز بودند و همه آنها باید سازماندهی می‌شدند تا با هماهنگی بتوانیم افتتاحیه و راه‌اندازی کار را به موقع انجام دهیم. در این گونه پروژه‌ها مهم‌ترین اقدام سازمانی، طراحی و برنامه‌ریزی کوتاه مدت و قابل اجرا شدن طرح‌ها به صورت علمی و تخصصی بسیار حائز اهمیت است و بنده به عنوان یک نیروی ذوب‌آهنی با پشتوانه به تجربه‌ای که داشتم

همهٔ توان خود را به کار بستم تا پروژه‌ها به موقع و سر زمان موعده به اتمام و راه‌اندازی شود. لازم بذکر است، فاز ۲ و ۳ اولین پروژهٔ پارس جنوبی عسلویه بود که توسط رئیس جمهور وقت افتتاح گردید.

■ حضور در ساخت فولاد مبارکه

در زمان مهندس ناجی مدیر عامل وقت شرکت ملی فولاد ایران و به دستور وزیر معادن و فلزات وقت، مرحوم مهندس نیلی نماینده تام‌الاختیار وزارتخانه برای هماهنگ کردن شرکت فولاد مبارکه (پیمان نورد گرم و نورد سرد) که شرکت ذوب‌آهن پیمان را انجام می‌داد، مسئول به خدمت شدم و بین ذوب‌آهن و مجتمع فولاد مبارکه هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دادم تا به موقع نورد گرم و سرد فولاد مبارکه، آمادهٔ تحویل و راه‌اندازی گردد. همان زمان به مدت کمی با شرکت قائم‌الرضا همکاری داشتم که پیشنهادات مؤثری را در خصوص پیشرفت فعالیت‌هایشان ارائه کردم. (از جمله گرفتن کارهای پیمانی). پس از آن، فعالیت‌های مطالعهٔ خودم را برای ساخت یک کارخانهٔ سیمانی تازه نفس شروع کردم که منجر به برنامه‌ریزی برای ساخت سیمان اردستان شد.

■ سیمان اردستان

در اوایل سال ۱۳۸۰ موافقت اصولی یک کارخانه سیمان

را از صنایع و معادن اصفهان گرفتیم و برای ایجاد یک کارخانه شمال، جنوب، شرق و غرب اصفهان را مورد مطالعه قرار دادیم و معیار انتخابیم نزدیک بودن به شبکه برق، شبکه آب یا امکان تأمین آب از طریق چاه‌های مجاز، شبکه گاز، راه‌های دسترسی برای حمل روزانه حداقل (۴۰۰۰ تن) سیمن به اقصی نقاط کشور، راه‌آهن، نزدیک بودن و همجوار بودن به معدن مواد اولیه (خاک مارل، سنگ آهک، سنگ گچ و...) بود. با مرحوم دکتر احمد خاکزاد رئیس دپارتمان زمین‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و مرحوم مهندس زرشکی یکی از بهترین متخصصان پی جوی معدن در ایران حدود ۱۸۰۰ کیلومترمربع را مورد مطالعه قرار دادیم از انارک، شهراب، گل اشکنان، مهرآباد، کچوسنگ، مزدآباد، زواره و اطراف آن، خارزن، عباس‌آباد، لرت، لرت پقری و پیناوند و امامزاده که متوجه شدیم (اردستان و زواره) پارامترهای بالاتری دارند، ما چهار نقطه را شناسایی و آن را به مهندس نبیان که مهندس مشاور تجربه‌دار بود ارائه کردیم تا یک محل را انتخاب کند. وی محلی را مشخص نمود که هم اکنون نیز کارخانه و معدن در جوار یکدیگر قرار دارند. من دو جلد کتاب که هر کدام مشخصات فنی تجهیزات مکانیکال کارخانه، مشخصات فنی، تجهیزات برق و ابزار دقیق و کنترل در آن نوشته شده بودم را به شرکت‌های (آلمانی، ژاپنی، دانمارکی و فرانسوی) برای شرکت در مناقصه ارائه کردم (که شرکت پلی زیوس) از آلمان برنده مناقصه و قرارداد منعقد شد.

وام ریالی آن را از بانک مرکزی و وام ارزی آن را از صندوق ذخیره باارائه مدارکی که لازم داشتند تهیه نمودم. شرکت به عنوان سهامی خاص ثبت شد و حدود ۲۰۰ نفر از افراد علاقه‌مند که بیشتر آنها بورسی بودند در خرید سهام زیر ۱۰ درصد، شرکت کردند و اعتبارات ساخت خارج، باز شد که ۱۸ درصد ساخت خارج و ۸۲ درصد ساخت داخل و به همین ترتیب اولین بتن‌ریزی آن در بهمن ماه ۱۳۸۳ آغاز و راه‌اندازی شد. کارخانه در سال ۱۳۸۶ به صورت رسمی افتتاح گردید. مدت زمان ساخت این کارخانه دو سال طول کشید، برای ساخت آن در بهمن ۱۳۸۳، ۸۵ هزار متر مکعب بتن‌ریزی شروع شد و در بهمن ۸۵ کارخانه راه‌اندازی سرد شد. ۲۲ مگاوات برق و ۱۷ هزار مترمکعب گاز، ۲۰۰۰ هکتار زمین برای معدن و ۱۵۰ هکتار زمین سنددار برای کارخانه و ۱۶ هزار تن تجهیزات و اسکلت فلزی، همچنین ماشین‌آلات کارخانه که ۴ هزار تن از خارج و ۱۲ هزار تن ساخت داخل بود استفاده گردید. سهامداران کارخانه که ۱۲۰ میلیارد ساخت این کارخانه برایشان تمام شده بود فقط در ۸ مرحله با افزایش سرمایه ۴۰ میلیارد آورده بودند، ۸۰ میلیارد دیگر را از سال سوم خود کارخانه کار کرد و مدت ۱۳ سال پول سهامداران از سود حاصل شده داده شد و توانستیم وام ارزی و ریالی گرفته شده از صندوق ارزی و هم افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به نام سیمان اردستان پرداخت شود. من نیز مانند بقیه سهامداران مقداری سهام (زیر ۱۰ درصد)

خریداری کردم و من ۱٪ خریدم و ۴۰ میلیون تومان پول آن را دادم با حقوق ماهیانه یک میلیون و ۵۰ هزار تومان کارخانه را ساختم و در حقیقت کل سهامداران پولی برای ایجاد کارخانه از خود، ندادند (دفاتر مالی این شرکت گویای این مطلب بنده است) و در مدت ۱۴ سال سهامداران بدون اینکه پولی داده باشند صاحب کارخانه‌ای (با تجدید ارزیابی جدید) به قیمت حدودی ۲۰۰۰ میلیارد تومان شدند.

ساخت کارخانهٔ سیمان اردستان برای من به عنوان یک مدیر ذوب‌آهنی به عنوان چهارصد و یکمین نفری که به استخدام و خدمت این شرکت در آمدم و امروز بهترین سیمان تیپ ۲ با تولید روزانه حدود ۴۰۰۰ تن سیمان را تولید می‌کند، مایهٔ مباهات است. من این خدمت صادقانه را به مردم کشورم هدیه می‌دهم و تمامی بی‌انصافی‌هایی را که بعضی عزیزان در حق من روا داشتند را به خداوند متعال می‌سپارم. شخصاً در تمام مراحل خدمتم سعی کردم استفاده از افراد را بر اساس شایسته‌سالاری انجام دهم چرا که می‌دانستم به جز یک مدیر شایسته هیچ فرد دیگری نمی‌تواند انتظارات یک مجموعه را برآورده سازد. برای هر گامی که بر می‌داشتم ضابطه و هدف داشتم، به آموزش توجه ویژه می‌کردم و هیچگاه به صورت مقطعی و جزیره‌ای تصمیم‌گیری نمی‌نمودم، هرگز از بحران‌ها نترسیدم و برعکس، با جسارت دل به بحران زدم. هیچگاه به دنبال مقصر نبودم بلکه راه‌حل‌ها را دنبال می‌کردم. تکنیک‌هایی را قدم به

قدم و با مطالعه جلو می‌بردم. همیشه در بیش از ۵۰ سال خدمتم با بحران‌های مختلف دست و پنجه نرم کردم اما ایمان داشتم نه‌راسیدن از بحران‌ها ضامن بقا و شکوفایی بلند مدت مجموعه‌ام خواهد بود. (مسئولیت‌هایم را می‌پذیرفتم و قبل از مشخص کردن قوانین برای دیگران خود از قوانین پیروی می‌کردم). نگاهم به آینده بود و پُل‌ها را می‌ساختم و می‌گذشتم، (تا دیگران سختی‌هایی را که من تجربه کردم تجربه نکنند، هرگز پلی را برای شخص خودم حفظ نکردم و برای منافع شخصی دست به تخریب آن نزدم). مفاهیم مالی پایه را به درستی درک می‌کردم و می‌دانستم چنانچه منابع مالی پروژه‌ام را مدیریت نکنم ممکن است با شکست غیرمنتظره‌ای روبرو شوم. ارتباط برقرار می‌کردم، از شرق کشور به غرب کشور و از غرب کشور به جنوب و گاه برای کمک گرفتن مرزها را در می‌نوردیدم. سعی می‌کردم به صورت تیمی کار کنم. پیشنهادهای را می‌گرفتم و آن‌ها را با هم ادغام می‌کردم. صداقت و پاک‌دستی را سرلوحه زندگی‌م قرار دادم و نگرانیم برای منافع ملی بیش از منافع شخصی‌ام بود.

امیدوارم در پیشگاه پروردگار مهربان همه کارها و رسالتی که برای خدمت به مردم و جامعه‌ام برعهده داشتم مورد قبول حق واقع گردد. آمین.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست...

روایت

مهندس ایرج اصلانی به
روایت قلم تعدادی از
مدیران پیشکسوت صنعت کشور

زحمات مهندس ایرج اصلانی در راه‌اندازی کوره بلند دوم و... در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۲ که اینجانب ناظر آن بوده‌ام همواره مورد تقدیر است.

ارادتمند: سیدحسین موسویانی
اولین وزیر معادن و فلزات

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد
آقای مهندس ایرج اصلانی، بزرگ مرد صنعت و یکی از پایه‌گذاران صنعت فولاد در کشور هستند. ایشان همواره مشاوری امین برای مدیران ذوب‌آهن و دیگر مقامات کشور بودند. انسانی خستگی‌ناپذیر که از اعتماد و عزت‌نفس بسیار بالا برخوردار هستند و ویژگی‌های مدیریتی‌شان منحصر بفرد است. مدیری موفق به ویژه برای رفع بحران‌های صنعتی با احساس مسئولیت‌پذیری بالا. ایشان تمام مراتب مدیریت صنعتی را طی نموده و امروز جایگاه ویژه صنعت فولاد کشور مرهون خدمات و خدمات این چنین مردان بزرگ است. امید است قدردان زحمات این مرد بزرگ صنعت باشیم. برای ایشان آرزوی سلامتی و موفقیت در تمام مراحل زندگی را دارم.

مهندس حسین آذربایجانی
مدیر بهره‌برداری ذوب‌آهن و جزء مؤسسين شرکت

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم

موجیم که آسودگی ما عدم ماست

جناب مهندس اصلانی از جمله دوستان با صداقت، کَرنگ و پُرتلاش بنده و یکی از مدیران موفق شرکت ذوب‌آهن اصفهان هستند که توفیق انجام خدمات برجسته‌ای را در عرصه‌های مختلف صنعت به میهن اسلامی‌مان داشته‌اند. زندگی کاری ایشان مصداق این شعر است.

مهندس داریوش شهیدی

مدیرعامل اسبق شرکت ذوب‌آهن استان اصفهان

مهندس ایرج اصلانی یکی از مدیران با سابقه و با تجربه صنعت فولاد کشورمان است که پروژه‌های بسیار زیادی را با موفقیت در کشور به ثمر رساندند. یکی از خاطرات بنده در خصوص ایشان به راه‌اندازی کوره بلند شماره ۲ ذوب‌آهن بر می‌گردد. زمانی که جناب مهندس ایرج اصلانی قائم مقام شرکت فولاد ایران بودند و بنده نیز آنجا همکار ایشان بودم. طی نامه‌ای به وزیر معادن و فلزات درخواست راه‌اندازی کوره بلند شماره ۲ ذوب‌آهن را نمودند. این کوره بلند به مدت ۱۰ سال بود که کار ساخت آن تمام شده اما به علت کمبود زغال‌سنگ به بهره‌برداری نرسیده بود. با پیگیری‌های شبانه‌روزی ایشان و بعد از دستور وزیر برای موافقت این کار، حرکت عظیمی در صنعت فولاد کشور به

راه افتاد و همه مجبور شدند در شرکت فولاد ایران و هیئت وزیران در صنایع و معادن درگیر این کار بشوند. آن زمان برای راه‌اندازی کوره بلند دوم روزی ۱۲ هزار تن مواد اولیه زغال‌سنگ و سنگ‌آهن نیاز داشتیم که کشتش راه‌آهن در آن زمان نزدیک ۴۰۰۰ تن بود و این این پروژه نیاز به حمل ۱۲ هزار تن مواد اولیه داشت. برنامه‌ریزی تهیه مواد اولیه و حمل این مقدار زغال‌سنگ مقداری از معدن کرمان برنامه‌ریزی شده بود و مقدار دیگر برای مدت کوتاه از خارج ایران باید وارد می‌شد.

وقتی کشتی‌های مواد اولیه از خارج در بندرعباس پهلو گرفتند حمل و نقل مواد اولیه تا کرمان مطرح گردید. که در این رابطه با همکاری معاونت بازرگانی وزارت معادن و فلزات، ۱۰۰۰ دستگاه کامیون از آلمان خریداری تا جهت انتقال مواد اولیه از بندرعباس به کرمان تجهیز شوند. در کرمان سکوی تخلیه زغال‌سنگ ساخته شد و برای تخلیه از کشتی به کامیون‌ها تأسیساتی آماده گردید تا کامیون‌ها بتوانند زیر تأسیسات بروند و زغال‌سنگ از طریق تأسیسات از کشتی به تأسیسات و از تأسیسات به کامیون و نهایتاً به کرمان و در آخر از طریق راه‌آهن به اصفهان برسد.

همه این فعالیت‌ها، توسط کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، مورد تردید قرار گرفته بود بخصوص خرید ۱۰۰۰ دستگاه کامیون! که دوستان با پیگیری‌های لازم و جلسات متعدد با امام جمعه وقت اصفهان بالاخره موفق شدند. یکی از دلایل مخالفت‌ها این بود که می‌گفتند جاده کشتش رفت

آمد این همه کامیون را ندارد.

شاید بیشتر مهندسين و مسئولين در سال ۱۳۶۲ باور نداشتند اين كار انجام شود. يك كميته مخصوص شكل گرفت و براي حمل اين مقدار زغال سنگ مجبور شدیم از محل انتقال (جلفا مرز شوروی) جهت انتقال زغال سنگ تا ذوب‌آهن مورد ارزیابی قرار بگیرد و با اینکه دولت تصویب کرد که برای حمل زغال سنگ کرمان اصفهان ۲۰ دستگاه لوکوموتیو هم خریداری بشود اما دیگر لوکوموتیو نیاز نشد و در ۱۲ فروردین ۱۳۶۲ کوره بلند شماره ۲ ذوب‌آهن به دست رئیس‌جمهور وقت آیت‌الله خامنه‌ای افتتاح شد.

با توجه به اشکالات موجود در کوره بلند شماره ۱ که آن زمان نیاز به تعمیرات اساسی داشت، اگر کوره بلند شماره ۲ افتتاح نمی‌گردید حدود ۴۰ هزار پرسنل مشغول در کار شرکت ذوب‌آهن و حدود ۳۰ هزار کارگر در معادن بافق یزد، کرمان، معادن خاک‌نسوز بیکار می‌شدند و این کار مهمی بود که با نامه و پیگیری جناب مهندس ایرج اصلاحی به نتیجه رسید و برای ایشان آرزوی سلامتی و بهروزی دارم.

مهندس اسدالله صالحی‌فروز
قائم‌مقام وزیر و مدیرعامل شرکت فولاد ایران

جناب آقای مهندس ایرج اصلانی یکی از بندگان متدین، مخلص، نخبه، پرتلاش، مبتکر، صنعتگر، صنعت‌شناس، پرتحرک، صادق، باسواد و دلسوز مملکت هستند. خداوند حفظشان کند و عاقبت بخیر باشند. همراهی و پشتیبانی همسر ایشان که بانویی فرهنگ دوست، فرهیخته و نویسنده است در موفقیت این مدیر فنی که یادگاری‌های زیادی از خود باقی گذاشته و اشتغال فراوان ایجاد نمودند بسیار قابل تقدیر است و قطعاً شریک زندگی ایشان در موفقیت‌های وی سهم بسزایی داشتند. امیدارم همیشه سلامت و موفق باشند.

مهندس حبیب‌الله خراسانی
معاون اسبق شهردار اصفهان
و مدیر راه‌اندازی صنایع دفاع اصفهان

من سالیان طولانی توفیق همکاری با جناب آقای مهندس ایرج اصلانی را داشتم. در این مدت شاهد خدمات و زحمات شبانه‌روزی ایشان در جهت اجرای پروژه‌های متعدد، همچنين راه‌اندازی و سامان‌دهی بسیاری از صنایع حائز اهمیت، در جای، جای کشور پهناورمان ایران و شاهد پشتکار و تلاش شبانه‌روزی و دلسوزانه ایشان بودیم. اکنون در این فرصت کوتاه (دقیقه نود) صرفاً بصورت کلیات به مطالب مختصری اشاره می‌کنم.

جناب آقای ایرج اصلانی از مهندسين باتجربه و باسوادی هستند که همیشه در مواجهه با کارهای سخت و سنگین هیچگاه یأس و ناامیدی را به دل راه ندادند. با صبوری و تفکر برای هر مشکلی راه‌حل مناسب خودش را پیدا می‌کردند. ریسک‌پذیری و جرأت برخورد با مشکلات در ایشان بسیار بالا بود و با شجاعت و کاردانی در مسائل ورود می‌کردند.

در سال‌های اول انقلاب و در دوران دفاع مقدس چندین پروژه صنعت نظامی رها شده با پشتکار و جدیت قابل تقدیر ایشان و در عین ناباوری بعضی از مسئولین دست‌اندرکار به نحو مطلوب راه‌اندازی گردید که نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلاح و پشتیبانی از نیروهای درگیر در جنگ را به همراه داشت. خلاصه اینکه آنچه در مورد یک ایرانی مسلمان متدین، دلسوز و با ادب و بسیار با اخلاق دارای تحصیلات عالی می‌توان توصیف کرد، مصداق واقعیش آقای مهندس ایرج اصلانی می‌باشد.

ایشان در زمان‌هایی که در سمت‌ها و مسئولیت بسیار بالا و دارای موقعیت‌های ویژه هم حضور داشتند، مانند یک مدیر معمولی با تواضع بسیار با همکاران خود رفتار می‌کردند و از این جهت همیشه در جذب و رشد نیروهای جوان تحصیل کرده بسیار موفق بودند.

از خصوصیت‌های بارز ایشان تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیری در جهت حل مسائل بخصوص توانایی‌شان به عنوان مدیریت بحران بود و موانع متعددی که معمولاً در مسیر اجرای پروژه‌ها ایجاد می‌شود را حل می‌کردند تا به نتایج مطلوب‌تری برسد. حسن اخلاق و رفتار دلسوزانه توأم با محبت‌شان نسبت به همکاران هرگز فراموش نمی‌شود. همیشه سعی در نشان دادن اهمیت و ضرورت تسریع در به نتیجه رسیدن کارها داشتند و از مطرح شدن خود پرهیز می‌نمودند، خلاصه اینکه بنده آقای مهندس ایرج اصلانی را بعنوان یک خادم واقعی در بخش صنعت که سال‌ها بی‌ریا و بی‌توقع کار کردند و هر کاری به ایشان سپرده شد با شجاعت و درایت به خوبی آن را به اتمام می‌رسانند می‌شناسم و هر جا نام این بزرگ مرد باشد، ایشان را اینگونه معرفی می‌کنم؛ (مهندسی که یک خادم دلسوز واقعی کشور بود).

مهندس احمد ادیب

مؤسس شرکت پالایش قطران و صنایع سپاه

نزدیک به چهل سال است که مهندس ایرج اصلانی را می‌شناسم. ایشان در تمام دوران مدیریتی خود و در حیطه‌های مختلف صنعت کشور که مسئولیتی‌های سنگینی را بر عهده داشتند بسیار خوش درخشیدند، مانند صنایع دفاع، فولاد، مس و.....

مهندس ایرج اصلانی را هیچ‌گاه خسته و ناامید ندیدم. همواره پر از انرژی و اراده‌ای پولادین، امور کار را مدیریت می‌کردند. مهندس ایرج اصلانی حتی در زمانی که در جایی دیگر مسئولیتش به پایان رسیده بود باز هم با علاقه و دلسوزی مشکلات را پیگیری و در رفع آن مهندسين و مدیران را کمک می‌کرد. در یک کلام ایشان تمام مشخصات یک انسان متعهد و متخصص را در وجودشان دارد و امیدوارم در همهٔ مراحل زندگی سلامت، موفق و سربلند باشند.

مهندس علی شکرریز
معاون وزیر معادن فلزات

جناب آقای مهندس ایرج اصلانی از پیشکسوتان صنعت فولاد و از مدیران موفق در توسعهٔ صنعتی کشور هستند که الحق سهم بسزائی در پیشبرد و تکمیل حلقه‌های تولیدات کشور داشته‌اند و بنده افتخار شاگردی ایشان را در سال‌های سخت جنگ در صنایع دفاع دارم و

خود را مدیون الطاف و کمک‌های ایشان می‌دانم. مسئولین وزارت دفاع و وزرای سایر بخش‌ها باید قدردان زحمات و ایثارگری‌های جناب مهندس ایرج اصلانی باشند. آرزوی سلامتی و بهروزی این مدیر فداکار را از پرودگار متعال خواهانم.

مهندس نوری‌زاده

مدیر گروه چهار شیمیایی اصفهان (تی ان تی)

اگر بخواهم آقای مهندس ایرج اصلانی را در حد شناخت خود در چند جمله تعریف کنم، در متون زیر خلاصه می‌شود.

ایشان در کل یک شهروند فرهیخته بسیار مثبتی است. یک مدیر صنعتی قوی و وسعت دید نسبتاً بلندی در صنعت دارند. مسئولیت‌پذیر و پشتکارشان کم‌نظیر است و اگر مسئولیتی را بپذیرند و سیاست‌بازان صنعت بگذارند، می‌توان یک بنگاه صنعتی-اقتصادی بزرگ را با خیال راحت بدست ایشان سپرد. انسان پاکدستی هستند و به هیچ عنوان، اهل زدوبند در حوزه مأموریت خود نیستند. وی ضمن اینکه یک فرد متشرعی است ولی یک تکنوکرات قوی است و لذا سعی می‌کند حتی‌المقدور از همه نیروهای موجود استفاده کند. از بس برای استفاده از وقت، با عجله می‌نویسند، گاهاً خودشان هم در خواندن

دستوری که با دست خط خودش نوشته، کم می‌آورند و خنده‌شان می‌گیرد. انسان در کارکردن با ایشان خسته نمی‌شود، چون فرصت نمی‌دهند که کسی به خستگی فکر کند. در انتقال اطلاعات کار به همکاران، هیچ خستی بخرج نمی‌دهند. ضعف او این بود که با اینکه پُست سازمانی وی در حد یک پُست سیاسی منطقه‌ای محسوب می‌شد و سیاستمداران به آن پُست چشم داشتند، توجهی نمی‌کرد و اصولاً از همین زاویه به او ضربه وارد می‌شد.

میهن‌پرست است و از اینکه چرا از دارایی‌های این مملکت اعم از نیروی انسانی و منابع موجود به درستی بهره‌برداری نمی‌شود، شاکی و ناراضی می‌نماید و معمولاً هم برای استفاده بهینه راه‌حل نشان می‌دهد.

بنده از اینکه همکاری‌ام با ایشان بیش از حدود دو سال طول نکشید، غبطه می‌خورم و اگر فرصت می‌شد که نحوه چگونگی آشنایی با ایشان و کارهایی را که در عرض قریب به دو سال همفکری و همکاری با ایشان برای راه‌اندازی و به ظرفیت رساندن سیمان سپاهان در سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب انجام دادیم را بنویسم، می‌توانست درس خوبی برای نسل‌های بعدی باشد.

مهندس رضا یاران
مدیرعامل شرکت توکای فولاد مبارکه
قائم مقام اسبق سیمان سپاهان

وقتی بحث از مهندس ایرج اصلانی می‌شود واقعیتش را بخواهید نمیتوان توانمندی این مرد بزرگ را در چند جمله خلاصه و باعنوان کردن یک خاطره توصیف کرد. خصوصیات مدیریت ایشان آن قدر زیاد و خاص هستند که تا کنارشان نباشی نمی‌توانی آن را به خوبی احساس کنی. ایشان یک مدیر توانمند، مدیر بحران و یک متخصص فنی بودند که گاه برای دستورات خودشان چند قدم جلوتر از قلم‌شان فعالیت می‌کردند. وقتی نامه‌ای برای رفع یک مشکل می‌نوشتند آنقدر با سرعت و دقت می‌گفتند که مدیران دفترشان وقتی نامه را تایپ می‌کردند بسیاری از جملات جا افتاده بود. ایشان در بیشتر طول یک شبانه روز جای ثابتی نبودند، برای مثال اگر صبح او را در اصفهان می‌دیدید فردا شب او را در صنعت دیگری در حال رفع مشکل و خدمتی متفاوت مشاهده می‌کردی به نظر من نمی‌توان ایشان را در چند جمله و یک کتاب خلاصه کرد و به همین دلیل امیدوارم این کتابی که برای ایشان چاپ می‌شود بتواند گوشه‌ای از زحماتشان را برای آیندگان به تصویر بکشد.

روزی که مهندس اصلانی به عنوان مدیرعامل سیمان اصفهان به آن شرکت پا گذاشتند ما درصد افزایش ظرفیت کوره آن بودیم. جناب جهانگیری آن موقع استاندار وقت بود و مهندس اصلانی را از قبل و در زمان خدمتشان در معادن مس کشور می‌شناخت، وقتی بحث افزایش به میان آمد بنده گفتم تنها کسی که می‌تواند راه‌گشا باشد

جناب مهندس ایرج اصلانی هستند و در نهایت همین هم شد. ما به وزارتخانه تعهد داده و گفته بودیم برای افزایش ظرفیت فقط ارز نیاز داریم و ریال آن را خودمان تامین می‌کنیم. ارز را گرفتیم و با آن ماشین‌آلات خریدیم، برای تأمین ریالی مهندس اصلانی نامه‌ای خطاب به وزارتخانه نوشتند آن زمان آقای ناجی معاون آقای نعمت‌زاده در وزارت بودند. متأسفانه آنها نامه را نگاه داشته و بر روی آن اقدامی نکرده بودند. یک روز به اتفاق مهندس اصلانی به دفتر آقای ناجی رفتیم، وقتی وارد دفتر آقای ناجی شدیم مسئول دفتر ایشان به ما گفتند آقای ناجی قبل از ما به پارکینگ رفته و اگر سریع حرکت کنیم شاید بتوانیم خودمان را به او برسانیم. آقای ناجی در آسانسور بود ما از پله‌ها چنان دویدیم که ایشان را در پارکینگ توانستیم قبل از سوار شدن ماشین ببینیم. مهندس اصلانی از ایشان سؤال کردند چرا جواب نامه من را نداده‌اید؟ مهندس ناجی گفتند: «من با توجه به تعهدی که داده بودید لزومی به پاسخ ندیدم».

مهندس اصلانی در حالی که به سمت موهای جوگندمی خود اشاره می‌کرد گفتند: من با این موی سپید نامه‌ای به شما نوشتم و چه خوب بود شما حداقل به رسم احترام برای موی سپید من به روی نامه نقطه‌ای می‌گذاشتی و آن را بر می‌گرداندی تا بدانم به آن نگاه کردید! و همین صحبت ایشان باعث شد مهندس ناجی روی نامه دستور دادند و ما توانستیم علاوه بر ارز، مجوز وام بگیریم و پروژه

سیمان اصفهان را راهاندازی و افزایش ظرفیت بدهیم. به نظر بنده اقدامات ایشان در سیمان اصفهان و دیگر صنایعی که ایشان در آن خدمتی کردند مدیون زحمات شبانه‌روزی و قابل تقدیر این مرد خستگی ناپذیر صنعت فولاد کشور است و امیدوارم هر کجا هستند در سایه لطف پروردگار سلامت و سربلند باشند.

مهندس مجید پور

عضو هیئت مدیره خیریه علی و حسین همدانیان
و قائم مقام سیمان اصفهان

اینجناب محمدتقی نائینی آنچه که از مهندس ایرج اصلانی به‌خاطر دارم تلاش و کوشش ستودنی، همتی والا و دلسوزی وافر نسبت به مسئولیتی که به عهده داشتند خلاصه می‌شود.

جناب مهندس ایرج اصلانی زمانی که از طرف وزارتخانه مسئولیت خدمت در شرکت ملی مس ایران را عهده‌دار شدند به‌خاطر دارم که وقتی برای اولین جهت بازدید از حوزه معدن مس سرچشمه تشریف آوردند، فصل زمستان بود به دلیل واسطه شرایط پس از جنگ کشور با مشکلات اقتصادی زیادی دست و پنجه نرم می‌کرد. سال ۱۳۶۷ بود و بنده را با سیستم رادیویی که آن زمان مدیر معدن سرچشمه بودم از حضور ایشان مطلع کردند. با توجه به شرایط بارندگی شدید و آبرفتگی در چاله‌های معدن هیچ

خودروی شخصی حتی لندور کمک‌دار هم قادر نبود در جاده تردد کند. بنده یک کامیون بنز ۹۱۱ را که با مشکلات زیادی آقای مهندس شیری مدیرعامل اسبق معدن مس با توجه به خدماتی که قبلاً در وزارت دفاع انجام داده بود جهت کارهای اضطراری به معدن آورده بودند را سوار شدم و به سمت ایشان رفتم مهندس اصلانی با دیدن من در کامیون بنز شروع به خندیدن نمودند. گفتم ببینید چه شرایط سختی داریم و دلیل آن نداشتن وسایل و تجهیزات راه‌سازی نظیر بلدوزر و گریدر و لودر است که به علت نبود قطعات همان تعداد معدود ماشین آلات همگی زمین‌گیر شده و امکان بهره‌گیری از آنها را نداریم. همانجا بود که آقای مهندس اصلانی که اولین روزهای حضورشان در مسئولیت جدید را می‌گذراندند تصمیم به خرید تجهیزات لازم را گرفتند که در نتیجه نزدیک به یک سال پس از اخذ تصمیمات و با انجام دو سفر به آمریکا موفق شدیم حدود ۸۰ میلیون دلار از آمریکا خرید وسایل ضروری را به انجام برسانیم و اولین بلدوزر خریداری شده را وارد کنیم. ما در اولین روز مذاکره با شرکت سازنده کامیون‌های ۱۲۰ تنی جهت حمل مواد معدنی و باطله قصد خرید ۱۲ عدد کامیون را داشتیم که با یک جلسه سخت و چالشی در این میز مذاکره و قهر و دعواهای فراوان موفق شدیم با حداقل قیمت در آن زمان بهترین کامیون‌ها را با بهترین موتور در بیشتر از یکسال وارد کنیم. آن زمان به دلیل شرایط جنگ امریکایی‌ها نگران بهره‌گیری موتور این ماشین‌آلات به

روی تانک‌های جنگی بودند و برای همین از فروش طفره می‌رفتند اما مهندس ایرج اصلانی در یک تصمیم انقلابی که اتخاذ کردند تعداد ۱۲ کامیون را به ۲۰ عدد رساندند و همین کار موجب افزایش غیر قابل انتظار در امر تولید در معدن سرچشمه گردید. همچنین به خاطر دارم شبی را که ایشان بعد از چند روز حضور در معدن سرچشمه قصد سفر به اصفهان و دیدار خانواده کردند. در آن زمان تلفن موبایل هنوز در کشور وجود نداشت و افراد کارخانه خبر خرابی نوار (سنگ شکن اول) را از طریق تماس با منزل به خانواده‌ای دادند. مهندس اصلانی به محض رسیدن به منزل از سفر طولانی سرچشمه به اصفهان، توسط همان خودرو بدون لحظه‌ای اتلاف زمان به سرچشمه بازگشتند و دستور دادند تا رفع مشکلات فنی هم، حضور داشته باشند. هوای بسیار سردی بود و خودشان در کنار بچه‌ها به کار و تعمیرات ادامه دادند. پس از تعمیرات، مهندس اصلانی بابت همت و تلاش قابل قبول پرسنل معدن که سه شیفت پشت سر هم برای رفع اشکال بدون استراحت کار کردند تصمیم به تقدیرشان گرفت و به همه آنها دو عدد کیسه برنج ۱۰ کیلویی و ۵ عدد روغن هدیه دادند که بعداً این امر به دیگر بخش‌ها غیر از معدن هم تسری داده شد و همگی واحدها از این امر بهره‌مند گردیدند به طوری که این روش حسنه امروز در کل مجموعه شرکت اعم از معدن میدوک و سونگون اهر، توسط پیمانکاران و مشاورانی که با این شرکت همکاری دارند پا برجاست.

و این همکاری با ایشان برای بنده باعث افتخار است که تقدیر اجازه داد چند صباحی را از لطف و مدیریت پر تلاش و سراسر آموزنده ایشان بهره مند گردم و از توانایی و فرد خبره فنی که در کشورمان از نظر سخت کوشی و استمرار جهت رسیدن به اهداف به عنوان یک پدیده از وی نام می بردند استفاده نمائیم.

از خداوند مهربان آرزوی سلامت و سعادت و شادکامی مستمر ایشان را در تمامی مراحل زندگی مسئلت دارم.

مهندس محمد تقی نائینی
مجری طرح مجتمع معدن مس میدوک
و رئیس اسبق معادن مس سرچشمه

مهندس ایرج اصلانی در یک نگاه باید گفت انصافاً نقش بزرگی را در انقلاب صنعتی ایران برعهده داشتند. زمانی که انقلاب شد بسیاری از مدیران انقلابی اعتقاد داشتند که باید ساختار گذشته را تخریب و ساختار جدیدی را جایگزین کنند. وقتی انقلاب پیروز شد افراد انقلابی و متخصصین هر کدام بر حسب تخصص به سمتی رفتند تا در کشور سکانی را برای فعالیت به دست بگیرند. اما در صنعت فولاد افرادی نادر بودند که آمدند و سعی کردند جدا از جلوگیری تخریب ها، آستین ها را برای اصلاح بالا زدند. آشنایی بنده با جناب مهندس ایرج اصلانی به سال ۱۳۵۹ که مدیرعامل سیمان (دورود) بودم بر می گردد. ایشان از معدود مدیرانی

بود که در سه مولفه سخت افزاری، مغز افزاری و نرم افزار متخصص بود و مدیریت مغزافزاری ایشان نقش مدیریت و فرماندهی داشت. همچنین نقش نرم افزاری شان نیز قابل توجه بود و توانستند با تکیه بر همین استعداد های ذاتی و اکتسابی، سیمان سپاهان را احیا کنند. ایشان هر کجا که پا می گذاشتند نقش بزرگی را در احیا کردن آن صنعت ایجاد می نمودند و تحول عظیمی را به ثبت می رساندند. چه در صنایع فولادی، صنایع معدنی و صنایع پالایشگاهی و چه در بخش خصوصی.

بنده عمر ایشان را عمر مفیدی برای انقلاب می دانم و از پروردگار مهربان برای ایشان اجر عظیمی را طلب می کنم. (ایشان از بندرعباس به اصفهان منقل شدند و تلاش یازده سال ایشان در به ثمر رساندن فولاد مبارکه قابل توجه است.)

مهندس حسن عرفانیان
مدیرعامل اسبق سیمان درود،
مؤسس و مجری طرح مجتمع فولاد مبارکه

مهندس ایرج اصلانی جزو یکی از مردان فعال و موفق در بحث صنعت کشورمان بوده که من تاکنون دیده ام. ما در دو مرحله، افتخار همکاری با ایشان را داشته ایم. یک مرحله از سال ۷۲ تا ۷۶ در سیمان اصفهان که در این مقطع زمانی، بحث و عملیات بازسازی، بهینه سازی

و افزایش ظرفیت تولید سیمان اصفهان و تولید سیمان نسوز و میکرو سیلیس در دستور کار بود و ایشان با جدیت و سخت کوشی فوق العاده‌ای که مخصوص خود مهندس اصلانی است در این زمینه‌ها توانستند نماد خدمات شایسته‌ای در تولید کارخانه باشند. مرحله دوم همکاری با ایشان از سال ۸۲ در روند شکل‌گیری و تأسیس شرکت سیمان اردستان بود که این همکاری تا سال ۸۵ هم ادامه داشت. مهندس ایرج اصلانی از مردان بزرگی است که به گردن اصفهان و صنعت کشور حق بسیاری دارد. ایشان فردی نتیجه‌گرا هستند و سخت‌کوشی و فعالیت مثال‌زدنی ایشان هم حاصل این روحیه نتیجه‌گرایی است.

عمرانی فرد
مدیر عامل سیمان اردستان

مهندس ایرج اصلانی قبل از من مدیر عامل شرکت ملی صنایع مس ایران بودند. مدتی هم آقای مهندس کلاهدوز که معاون وزارتخانه بود، سرپرست شرکت شدند و من شرکت را از ایشان تحویل گرفتم.

خدمات ارزنده مهندس اصلانی در همه زمینه‌ها، خصوصاً ارتقاء سطح تولید بر کسی پوشیده نیست. ایشان مدیری دلسوز و بسیار پُرکار و فعال بودند. در هر صنعتی که حضور داشتند با اراده پولادینی که داشتند خستگی

ناپذیر شناخته می‌شدند. کار ارزشمند ایشان در خرید کامیون‌های سنگین معدنی از آمریکایی‌ها، هنوز هم نتیجه بخش است که به افزایش جدی تولید در معدن انجامیده است. به هر حال آقای مهندس اصلانی برای من دوستی عزیز و صادق، صنعتگری متخصص و کاردان، مدیری دلسوز و تلاشگر است و همیشه به او ارادت قلبی دارم.

مهندس مؤذن‌زاده

مدیرعامل اسبق شرکت صنایع مس ایران
و رئیس اسبق کمیسیون صنایع و معادن مجلس
و مدیرعامل اسبق ایمیدرو

بنام خداوند جان و خرد

سخن گفتن در مورد خدمات ارزنده بزرگانی از صنعت فولاد به ویژه ذوب آهن اصفهان و افرادی چون، جناب آقای مهندس ایرج اصلانی کار آسانی نیست و می‌بایستی توسط پیشکسوتان و مدیران ارجمند و سازنده مجتهد عظیم صنعتی ذوب آهن همانند، جناب آقای مهندس شهیدی، جناب آقای مهندس آذربایجانی و جناب آقای مهندس اسدالله صالحی‌فروز و سایر عزیزانی که همگام با ایشان در صحنه‌های مختلف صنعت حضور داشته‌اند؛ صورت پذیرد. علی‌ایحال آشنایی من با جناب آقای مهندس ایرج اصلانی در بحبوبة پیروزی انقلاب اسلامی و در بیت حضرت آیت‌الله طاهری (ره) شروع شد. به ویژه در زمانیکه بحث راه‌اندازی کارخانه بعد از اعتصابات سال ۵۷ و تعیین مدیرعامل آن مطرح بود. لذا با توجه به دیدگاه‌های کارشناسانه همراه با ارائه راه‌حل‌های عملی و مواضع انقلابی ایشان، رابطه‌ای دوستانه بین ما برقرار شد. تا اینکه در مراحل راه‌اندازی کامل کارخانه که بوسیله کمیته ویژه‌ای که زیر نظر حضرت آیت‌الله طاهری (ره) انجام وظیفه می‌نمود و ایشان هم در جلسات آن شرکت می‌کردند به تعهد، تخصص و شایستگی وی بیشتر پی‌بردم. سپس در زمان مدیریت عاملی شادروان مرحوم مهندس مانی که عنایت خاصی به این حقیر داشتند به مناسبت مسؤلیت‌های محوله با جناب مهندس اصلانی ارتباط بیشتری پیدا کردم و از نقطه نظرات و ارشادات مدبرانه و دلسوزانه ایشان بهره‌ها بردم. در

زمانیکه ایشان بنا به ضرورت کمک به سایر صنایع کشور با صلاحدید مدیران ارشد نظام با عنایت به شایستگی‌ها و اعتباری که کسب نموده بودند از ذوب‌آهن اصفهان به شرکت‌های دیگر از جمله شرکت ملی فولاد ایران، صنایع مس، صنایع سیمان و..... مأموریت یافتند، کماکان با وی در تماس بوده و در جریان خدمات ایشان به نظام مقدس جمهوری اسلامی در همهٔ حوزه‌های صنعتی و مدیریتی قرار می‌گرفتم که شرح مفصل آن در این یادنامه آمده است. بنده بعنوان عضو کوچکی از خانوادهٔ بزرگ ذوب‌آهن اصفهان نسبت به عملکرد شایسته، صداقت، پشتکار و شجاعت ایشان در همهٔ دوران مدیریت‌شان ایمان کامل داشته و در این مدتی که افتخار دوستی و شاگردی او را داشته‌ام همواره درس‌های ارزشمندی از این مدیر با اخلاص و پیشگام ذوب‌آهن اصفهان آموخته‌ام و برایشان سلامتی و طول عمر با عزت و احترام از درگاه خداوند متعال آرزو دارم.

حسین فخاری

دبیر انجمن پیشگامان ذوب‌آهن

مهندس ایرج اصلانی، یعنی آمیخته علم و تجربه. موفقیت در کارش محصول استفاده از دانش آموختگی و محک آن با تجربه اندوزی‌هایش بر زمین نشان از تعهد و تلاش سختگی‌ناپذیرشان است.

مهندس امیر حسین کاوه
مدیرعامل گروه صنعتی سدید ایران

مهندس ایرج اصلانی حقیقتاً نیازی به اظهار نظر اشخاصی جوان همانند بنده ندارد، در توصیف امر ایشان به نکاتی اشاره می‌کنم؛ مثل نخ تسبیح در جمع نمودن دست افراد مهارت داشتند و همیشه، قلم یا آچار و پیچ‌گوشتی در دست داشت. شعارش این بود که (کار امروز را به فردا می‌فکن) برای خدمت سر از پا نمی‌شناختند. از استراحت فرار می‌کردند؛ برای توصیف فعالیت ایشان، مثال قالیچه حضرت سلیمان را می‌زدند که اگر روی زمین مشغول کاری نیستند، روی هوا در حال مأموریت هستند. انشالله خداوند همه را به وظایف‌شان آشنا و راهنمایی بفرماید.

با ارادت صفریان
قائم مقام اسبق مس سرچشمه

واقعاً لقب نستوه (خستگی ناپذیر) براننده این مرد پاک از هر گونه سوء استفاده یعنی جناب مهندس ایرج اصلانی است. زحماتی که در ذوب آهن کشید بی نتیجه نبود و توانست بعد از انقلاب در صنایع مختلف نه تنها مفید واقع شود بلکه ثابت کند که می شود بدون چشم داشت برای صنعت کشور تلاش کرد.

مهندس نعمت، اولین مدیر ریخته گری های مداوم ذوب آهن (روسی) فارغ التحصیل ۱۳۵۱ دانشگاه صنعتی تهران

خوشحال هستم که جمع صنعتگران قدردان زحمات بی شائبه ایشان و مستند کتابشان را تهیه می کنند. بنده به نمایندگی شرکت صنعتی فارس اسکات از حضور این پیش کسوت خود اatkایی صنعت تقدیر نموده و قدردان اعتماد وی به صنعت اتوماسیون کشور و ارجاع بزرگترین پروژه اتوماسیون صنعتی تا تاریخ اجرای طرح گسترش ظرفیت خط سه سیمان اصفهان به شرکت فارس اسکات با ۹۰ در صد ساخت داخل برای سیستم کنترل می باشم که هنوز این میزان اعتماد بی نظیر است.

شرکت صنعتی فارس اسکات
مدیر عامل - بیژن مرزبان راد

آشنایی بنده با جناب مهندس ایرج اصلانی به بیش از ۵۰ سال می‌رسد. ایشان مردی دانا و پرکار و مهربان بودند، در طول این مدت چه زمانیکه ایشان بعنوان مسئول ارشد مکانیک کوره بلند شماره ۱ خدمت کردند و بدون احساس خستگی از پله‌های کوره با سرعت بالا می‌رفتند و تعمیرات اساسی کوره شماره ۱ داخلی سه شبانه‌روز، با تمام نیرو و همه تجهیزات مکانیک را کاملاً سرویس و آماده بکار نمودند. با وجود کارشناس روس ایشان شخصاً بدون نیاز به کارشناس، کارها را مدیریت و به سرانجام می‌رسانند. در یک جمله ساخت ذوب‌آهن حاصل زحمات، جناب مهندس اصلانی و کارشناسان زحمت‌کش و وطن‌پرست ایرانی است. البته جو صمیمی و دوست‌داشتنی همه کسانی که در آن زمان با تمام وجود تنها به موفقیت می‌اندیشیدند باعث می‌شد که هر چند در بعضی مواقع با تحکم و صدای بلند صحبت می‌کردند، اما هیچ‌گونه دلگیری و نگرانی وجود نداشت با پیروزی انقلاب و احساس نیاز صنعت به مدیران لایق بیشتر شد. آقای مهندس اصلانی در همه جا حاضر بودند و هیچ صنعتی نبود که با پشت کار و توان وی به سر انجام نرسد. راه اندازی کوره دوم سیمان سپاهان راه‌اندازی صنایع دفاع، صنایع فولاد، کارخانجات سیمان، مس، نسوز و بسیاری از صنایع باعث می‌شود، هر ایرانی وطن‌پرست نام و یاد این بزرگ مرد را هرگز فراموش نکند.

بنده ضمن تقدیر از این مرد بزرگ مفتخرم که دوستی دیرینه‌ای را در کارنامه خود، با ایشان ثبت کنم. در ضمن

برخود لازم می‌دانم از همه عزیزان و زحمتمکشان از جمله دوستان روابطعمومی ذوب‌آهن، بابت تهیه این کتاب ماندگار و زیبا تشکر نمائیم.

مهندس مرادی
مدیر عامل شرکت گازسوزان

بنده در سال ۶۰ که به سازمان برنامه و بودجه رفتم این افتخار نصیبم شد که دکتر علینقی مشایخی دعوت سازمان را پذیرفته و از اصفهان به تهران عزیمت و برنامه‌ریزی در جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری کردند. ایشان در موارد مختلف از آقای ایرج اصلانی که همکاری نزدیک با هم داشتند نام می‌بردند که چگونه در اصفهان و قبل از عزیمت به تهران، واحدهای صنعتی مشکل‌دار را سامان داده و راه اندازی می‌کردند. همیشه از خوش فکری، سخت‌کوشی و ابتکارات مهندس اصلانی در آن شرایط سخت بعد از انقلاب در راه‌اندازی‌های واحدهایی که دچار بحران بودند مثال می‌زدند. این بحث‌ها در ذهن من انسانی متعالی، دانا و آگاه به مسائل صنعتی از ایرج اصلانی ساخت. البته به حق چه دقیق و شفاف خدمات اصلانی را بها می‌دادند؛ از او به عنوان مرد جبهه صنعت و یک شخصیت بی‌بدیل یاد می‌کردند. اینجانب افتخار یافتم که مدتی در شرکت فولاد انجام وظیفه کنم و از نزدیک با ایشان آشنا و با خدمات

ذی‌نفعشان آشنا شوم. با توجه به فعالیت‌م در طول مدتی که در خدمت وی در فولاد بودم و قبل از اینکه به شرکت مس تشریف ببرند، می‌توانم اینگونه روح ایشان را توصیف کنم. مهندس ایرج اصلانی فردی دلسوز، عاشق ایران، وطن دوست، دانا به فعالیت صنعتی، پُرکار، خستگی‌ناپذیر و در یک کلام بی‌بدیل در صنعت فولاد هستند. از خدا بزرگ سلامتی و موفقیت‌های روز افزون را برای ایشان مسئلت دارم.

محمد تقی بانکی
اولین وزیر سازمان برنامه و بودجه

مهندس ایرج اصلانی چهره‌ماندگار صنعت فولاد کشور، علاوه بر تحصیلات عالی مهندسی از تجارب عملی خوبی بهره‌مند هستند. تلفیق دانش و تجربه، توأم با جسارت منطقی، خودباوری و عشق به میهن از ایشان، مدیری با برنامه و قدرت تصمیم‌گیری بالا ساخته که در کنار وظایف جاری از تربیت نیروهای جوان نیز غافل نبوده‌اند. نتیجه سال‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر ایشان واحدهای صنعتی فعال در بخش‌های فولادی و سیمان است که اشتغال مستقیم و غیر مستقیم هزاران نفر را فراهم کرده است. یقین دارم در این رهگذر هرگز منافع شخصی را بر منافع سازمانی و ملی ترجیح ندادند. امیدوارم خداوند به ایشان عمر طولانی

همراه با عزت و سلامتی کامل عنایت فرماید و کشور ایران نیز از داشته‌های فنی، صنعتی و مدیریتی‌شان بهره‌مند گردد.

مهندس داود کشاورزیان
معاون اسبق وزارت راه و شهرسازی

مهندس ایرج اصلانی عزیز، نمونه و الگوی کامل یک مدیر و مهندس جامع و فوق تخصص در رشته‌های متنوع صنعتی هستند. ایشان افتخاری برای دانشگاه علم و صنعت ایران و هم‌دوره‌های دانشکده و همچنین جامعه صنعتی کشور هستند. مملکت با بهره‌گیری از اینگونه شخصیت‌های نخبه، دانا و توانا عمدتاً از خدمات کارشناسان خارجی بی‌نیاز شده است؛ چرا که خود ابداع‌کننده دانش فنی مورد نیاز جنبه‌های مختلف و پیچیده تولید صنعتی و خدمات فنی مهندسی هستند.

مهندس خسرو مینوکه
از هم‌دوره‌های دانشگاهی

به نام او که همه هستی از اوست
عزیزان در مورد جناب آقای مهندس اصلانی مطالب
بسیار مهم و جالب توجه و واقعی را مطرح کرده‌اند و
صحبت‌های دیگر می‌تواند تکمیل کننده توصیفات
دیگران در وصف شخصیت ایشان باشد. من به عنوان کسی
که افزون بر ۴۰ سال است، این عزیز بزرگوار را می‌شناسم
و از سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نیز سعادت
حضور در محضر ایشان را داشته‌ام باید عرض کنم ایشان،
مردی با خصوصیات صادقانه، بدون ریا و پرتلاش هستند.
البته خصوصیات فردی ایشان بالاتر از کلماتی است که
من به کار می‌برم و کمتر کسی را یافته‌ام که نان را با نرخ
روز نخورد، اما مهندس اصلانی همیشه از حق و حقیقت و
اصول دفاع کردند. ای کاش همه مانند ایشان باشند.
ایشان فردیست که به تولید فولاد به خصوص ذوب‌آهن
اصفهان عشق می‌ورزد و اطمینان دارم که هم اکنون نیز
تحولات و موفقیت‌ها و کاستی‌های صنعت فولاد، به خصوص
ذوب‌آهن اصفهان را همانند پدری مهربان به فرزند بی‌بدیل
خود پیگیری می‌نمایند. برای ایشان سلامتی و تندرستی
و موفقیت را در تمام مراحل زندگی از درگاه ایزد یکتا
خواستارم و امیدوارم اجر این عزیز پر تلاش با حضرت زهرا
(س) باشد.

مهندس پالیزدار

قائم مقام مدیر عامل شرکت میدکو ایران

من از اوایل انقلاب، وصف آقای مهندس اصلانی از زمانی که افراد بسیاری، مدیرعامل سیمان سپاهان بودند شنیده بودم. اوصافی که از ایشان شنیده بودم نامبرده را فردی مومن، حزب الهی و پر انرژی معرفی می کردند. در اواخر دهه ۶۰ خورشیدی که من در سیمان کرمان خدمت کردم، جناب اصلانی مدیرعامل مس سرچشمه بودند و با ایشان بیشتر آشنا شدم و اعتراف می کنم که همه شنیده ها در مورد وی را ملموس تر و از نزدیک در تماس دوستان شاغل در مجتمع مس سرچشمه و برخوردهای گاه و بی گاه با ایشان ملاحظه کردم؛ البته تا حدی از دور. من شخصاً هیچ وقت همکاری نزدیک با ایشان نداشته ام و صرفاً چون یک صنعتگر سیمانی (سیمانچی) هستم گاه و بی گاه آقای مهندس اصلانی را ملاقات می کردم و یا اگر عهده دار مدیریت در یکی از شرکت های سیمان بودند از وی خبردار می شدم؛ لذا پس از اینکه از مس سرچشمه رفتند تا مدیریت عاملی ایشان، بر سیمان اصفهان خبر چندانی نداشتم.

سیمان اصفهان متعلق به خیریه مرحوم همدانیان می باشد. در زمان مدیریت جناب مهندس اصلانی بر شرکت سیمان اصفهان کارهای با ارزشی انجام دادند؛ از جمله شروع طرح افزایش ظرفیت یکی از کوره ها از ۹۰۰ تن به ۲۱۰۰ تن در روز. همچنین یک کار برجسته و خاص دیگر انجام دادند که متأسفانه پس از ایشان، آن کار رها شد و دیگر در کارخانه سیمان اصفهان و در صنعت

سیمان تکرار نشد و آن تولید سیمان نسوز بود. برای شرح کاری که وی در مورد تولید سیمان نسوز انجام دادند لازم می‌دانم یادآوری کنم بخش بزرگی از نسوزهای جداری در صنایع سیمان، فولاد، آلومینیم، مس و... بصورت جرم‌های ریختنی یا پاششی و به عبارت ساده‌تر بصورت بتن نسوز است. این بتن نسوز را از مدت‌ها پیش صنایع نسوز مستقر در ایران بصورت مخلوطی از شن و ماسهٔ نسوز ایرانی یا وارداتی و سیمان نسوز خارجی تولید می‌کردند. کارخانهٔ سیمان اصفهان یک کورهٔ قدیمی سیمان داشت، به ظرفیت ۲۰۰ تن در روز که با سیستم تر کار می‌کرد و تولید سیمان با این کوره چنین روشی در زمان مدیریت آقای مهندس اصلانی دیگر اقتصادی نبود. ایشان به فکر افتادند که این کوره را تغییر تولید دهند و سیمانی تولید کنند که هم قیمت بالایی داشته باشد و هم نیاز کشور را تامین کند، لذا با توجه به آشنایی ایشان با صنعتگران و دانشمندان روس و به سبب سابقه تخصص خود در ذوب‌آهن اصفهان، همچنین بهره‌گیری از مشاوره دو نفر از مهندسين روسی برای اولین بار با استفاده از ماشین‌آلات مدرن این کوره ۲۰۰ تنی اقدام به ساخت سیمان نسوز نمودند که دیری نپائید و بعد از رفتن ایشان از شرکت سیمان اصفهان همانگونه که متخصصین اطلاع دارند به دلیل ضعف فرهنگ مدیریتی تعدادی محدود در این مرز و بوم تولید سیمان نسوز تعطیل گردید و دیگر تکرار نشد. از آن به بعد دیگر از ایشان خبری نداشتم تا حدود

۲۰ سال پیش در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی که دولت با یک تغییر رویکرد تصمیم گرفته بود که وزنه بخش خصوصی را در اقتصاد و صنعت افزایش دهد و به همین جهت پذیرفته بود که تعدادی کارخانه سیمان از طریق بخش خصوصی احداث گردد و حتی امتیازات قابل ملاحظه‌ای به آنها می‌دادند. در همین ارتباط، یکی از همکلاسی‌های دانشگاهی به نزد من آمد و گفت: (ایشان و تعدادی از همکلاسی‌ها و همشهری‌ها با هم جمع شده‌اند که سیمان اردستان را احداث کنند و از من به سبب سوابق طولانی سیمانی که داشتم؛ درخواست کردند در این فرایند مشارکت نمایم. من هم با مبلغ خیلی جزئی مشارکت خود را با این شرکت آغاز نمودم.

در زمانی که من همکاری خود را با سیمان اردستان آغاز کردم؛ جناب آقای مهندس ایرج اصلانی یکی از مؤسسين و عضو هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت بود. من توانستم از فاصله نزدیکتری شاهد فعالیت‌های شبانه‌روزی ایشان باشم و هر چه زمان گذشت بیشتر متوجه شدم که آن مدیریت جهادی که در ادبیات مدیریتی امروز مطرح می‌شود فقط برانزده وی است؛ زیرا در جریان مدیریت خود از هیچگونه فعالیت شبانه‌روزی فروگذاری نمی‌کردند و در عین حال عبادت و انجام فرایض دینی را در اولویت اول کارهای خود قرار می‌دادند. بعنوان حسن ختام گفته‌های خود، خاطره‌ای از ایشان یادآور می‌شوم؛ نزدیک به راهاندازی کارخانه بودیم. تعدادی از اعضای هیأت مدیره

از من درخواست کردند به همراه ایشان به محل کارخانه بروم تا به مسئولیت‌هایی که داشتند پاسخ دهم. من متوجه شدم که در آن زمان حساس، مدیر عامل (آقای مهندس اصلانی) به مکه مشرف شده‌اند ولی حتی در آنجا هم از وظایف خود غافل نشده و شاهد بودم، ایشان تلفنی از مکه تماس گرفته و تک‌تک مسائل اجرائی را پیگیری نمودند.

مهندس سید باقر امینی دهکردی
عضو هیأت مدیرهٔ سیمان اردستان
و مدیر عامل سیمان خاش، استان سیستان و بلوچستان

از زمان شروع پروژه و با حضور و حمایت جناب آقای مهندس ایرج اصلانی یکی از بزرگان با تجربه صنعت اصفهان و کشور به عنوان عضو هیأت مدیره، مشاور، نماینده وزیر صنایع و معادن وقت، همچنین نماینده تام‌الاختیار استاندار اصفهان باعث سرعت و شتاب در پیشرفت و ساخت پروژه گردید. ایشان توانستند با همبستگی بین شرکت ذوب آهن و صنایع دفاع اصفهان و شبانه‌روزی نمودن کار پروژه، باعث پیشرفت مضاعف در کار ساخت، تغییرات و توانمندی‌های صنایع استان در ساخت پروژه گردند. همچنین با استفاده از جرثقیل‌های ذوب آهن در این پروژه موفق به نصب برج‌های تقطیر گردند. در سال‌های اخیر به عنوان مدیرعامل و عضو هیأت مدیره، مجدداً همکاری جدیدی را با شرکت پالایش قطران آغاز نمودند که این همکاری باعث شد، مشکلات فنی در راستای تولید در این شرکت هرچه سریعتر رفع گردد و منجر به تولید، دوام وحدت هرچه بیشتر بین شرکت ذوب آهن و شرکت پالایش قطران گردید.

مهندس صادقی

مدیرعامل شرکت پالایش قطران

در سال‌های ۶۲ و ۶۳ بنده به عنوان مسئول قرارداد یکی از بزرگترین پروژه‌های صنایع دفاع مشغول به خدمت بودم که این پروژه از پیچیدگی‌های بسیار بالایی برخوردار بود. همچنین حجم و مبلغ پروژه بی‌اغراق یکی از بزرگترین پروژه‌های کشور به شمار می‌آمد. اهمیت تولیدات پروژه در زمان جنگ با توجه به محدودیت خریدها حساسیت پروژه را چندین برابر کرده بود. پروژه در حال اجرا بود که موشک‌های عراقی به جهت اختلال در فعالیت، اقدام به بمباران سایت نمودند که علاوه بر شهادت حدود ۱۵ نفر از پرسنل، یکی از راکت‌ها زیر تخت یکی از کارشناسان خارجی رفته و باعث اعلام یک موقعیت اضطراری و ترک کار و بازگشت این مهندس به کشورش گردید. پس از اصرار زیاد در مورد ادامه فعالیت، مهندس خارجی گفت: در صورت بازسازی سایت که شامل ده‌ها ساختمان و تجهیزات بود برای ادامه کار باز خواهند گشت! کاری که در واقع غیرممکن به نظر می‌رسید؛ چون کاری که در طول سالیان انجام شده بودمی‌بایست ظرف مدت کوتاهی انجام می‌شد. در آن زمان با فردی به نام مهندس ایرج اصلانی آشنا شدیم که مدتی قبل به صنایع دفاع منتقل شده بودند. ایشان عملاً مسئولیت بازسازی را به عهده گرفته و بی‌اغراق باید گفت که با تلاش شبانه‌روزی و مدیریت ایشان و همکاری سایر پرسنل، کاری تاریخی انجام شد و در حدود ۱۰ ماه کار به پایان رسید. این موضوع برای بسیاری عجیب بود و کارشناسان خارجی آن را غیرممکن

می‌دانستند. کاری که نهایتاً به اتمام و راه‌اندازی پروژه انجامید. یاد این مرد فعال و پر انرژی د ر بزرگترین پروژه صنایع دفاع همیشه باقی خواهد ماند.

مهندس ارسطو
مسئول اسبق قراردادهای صنایع دفاع

سال‌هایی که در اداره امور شرکت ملی صنایع مس ایران به مدیریت جناب مهندس ایرج اصلانی بود؛ واقعاً سرنوشت‌ساز بودند. تلاش خستگی‌ناپذیر و روحیه حیرت‌انگیز، عشق به تلاش در راه خدمت به کشور و صنعت این خاک و بوم برای همه کارکنان این صنعت مانند یک حماسه بود. خدمات سترگ و بیاد ماندنی مهندس ایرج اصلانی بدون اغراق زبانزد همه صنعتگران کشور در آن زمان شد و تحولی عمیق در ساختار این صنعت بوجود آورد و چشم بصیرت بین صنعتکاران بلکه افراد عادی و متعارف نیز از تحولات بوجود آمده را به سوی خود جلب کرد. ایشان با مدیریت ستادی، بخش‌های اداری و بازرگانی، برنامه‌ریزی و ساماندهی نمود و با استفاده بهینه از نیروی متخصص انسانی و هماهنگی در قسمت‌های مختلف امور مالی به شیوه علمی و عملی خدمتی ماندگار و بی‌سابقه را ثبت نمودند. تردیدی نیست که تمام این خدمات صادقانه و مخلصانه در درگاه ذات حق و ملت ایران ماندگار خواهد

بود و امید آنکه از وجود گرانقدر ایشان در صنعت کشور بیشتر استفاده شود. خدا یار و نگهدارشان باشد.

دکتر خاکی

معاون اسبق بازرگانی و اداری

شرکت ملی صنایع مس ایران

مهندس ایرج اصلانی یکی از بزرگمردان صنعت کشور است که خدمات بسیار ارزنده ایشان به صنایع کشور به خصوص در زمان بحران‌ها هرگز فراموش نخواهد شد. سابقه دوستی و همکاری من با مهندس ایرج اصلانی از دوران تحصیلات متوسطه و دانشگاهی شروع و با کار در ذوب آهن ادامه پیدا کرد. شور و اشتیاق و استقبال از خطر در عملیات کاری از ویژگی مهندس اصلانی بود. به خاطر دارم، کارشناسی با ایشان کار می‌کرد و به من می‌گفت: «نزدیک مهندس اصلانی نرو!» او مثل یک دینامیت در حال انفجار است! در آغاز بهره‌برداری کوره بلند مهندس مسئولیت مکانیک ارشد کوره و من در سمت تکنولوژی ارشد کار می‌کردم. ما حساسیت و علاقه زیادی به کارمان داشتیم. گاهی به شدت دعوا می‌کردیم ولی دوستی ما بیشتر بیشتر می‌شد. یکی از خدمات ارزنده مهندس اصلانی در ذوب آهن تغییر ریختگری عمودی روسی به ریخته‌گری قوسی بود که تحولی اساسی در فرایند تولید کارخانه ایجاد کرد. شدت علاقه او به کارش در حدی بود که بی‌توجه به

دستورالعمل‌ها بخصوص در بحران‌ها کارهایی انجام می‌داد که بعضاً خطرات زیادی در پی داشت. یادآوری می‌کنم خدمات ارزنده ایشان به صنایع مختلف هرگز فراموش نخواهد شد. با آرزوی سلامتی برای دوست بسیار عزیزم. این همه همت به عشق خاک ایران شد پدید.

علی صادقی
مهندس اسبق ارشد تکنولوژی
شرکت ذوب‌آهن اصفهان

خاطرات همکاری با جناب آقای ایرج اصلانی در بخش ساختمان و بهره‌برداری و همچنین نقش راه‌اندازی بخش‌های تولیدی در صنایع مختلف کشور از جمله ذوب‌آهن اصفهان.

لازم است ابتدا بگویم از اینکه در دورانی از مسئولیت‌م در ذوب‌آهن همکاری نزدیکی با آقای مهندس اصلانی داشتم افتخار می‌کنم، چون ایشان مهندسی فعال، پرتلاش و به قول معروف همه فن حریف در حوزه صنعت بودند. مهندس اصلانی در طول خدمتشان در ذوب‌آهن چه در بخش ساخت و چه در نصب تجهیزات نقش ارزنده‌ای داشتند. به‌خصوص در بخش کوره بلند. همچنین در دیگر صنایع کشور ایشان را به عنوان مدیری پرتلاش و تاثیرگذار می‌شناختند، حتی ایشان فصل جدیدی را در اجرای پروژه‌های بزرگ کشور یعنی حذف بوروکراسی و

نامه‌نگاری‌های مزاحم کار و راه‌اندازی را بدعت گذاشتند و فصل جدیدی در اجرای پروژه‌های بزرگ در کشور جمهوری اسلامی عزیزمان ایران پایه‌گذاری کردند. با احترام، بابت تمام خدمات مهندس ایرج اصلانی درود می‌فرستم، مرد بزرگی که در راه‌اندازی پروژه‌های کشور در صنایع مختلف نقش بسزایی داشت.

سیروس مؤتمن

سال ۱۳۵۸ بود. کارخانهٔ سیمان سپاهان که در آن زمان بزرگترین کارخانهٔ سیمان کشور بود، نیمهٔ تمام مانده بود. من و آقای مهندس اصلانی برای تکمیل کارخانه وارد شرکت و یک همکاری جدید شدیم. من برای اولین بار ایشان را می‌دیدم. او از ذوب‌آهن بود و من کادر علمی دانشگاه صنعتی اصفهان که چند ماهی بود بعد از پایان تحصیلاتم از خارج برگشته بودم. هر دو از سازمان‌های خود، مأمور تکمیل و راه‌اندازی آن کارخانه شده بودیم. مسئولین ایشان مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و من رئیس هیئت مدیره بودم. بعد از پیروزی انقلاب که کارها متوقف شده بود فضای کارخانه راکد و کارکنان و کارگران بیکار شدند. گروه‌های سیاسی مختلف، به فکر تبلیغ و ترویج نظرات خود و یارگیری برای گروه‌های خود بودند. از فعالیت و دغدغه برای راه‌اندازی کارخانه خبری نبود ولی تحرکات سیاسی گروه‌ها و گروهک‌ها فراوان نمود می‌کرد. با ورود ما به کارخانه باید فضا عوض می‌شد. راه‌اندازی کارخانه اولویت اول و محور توجه و دغدغهٔ همه بود. تغییر فضای کار و راه‌اندازی کارخانه در میان کمبود منابع و قطعات و تجهیزات برنامه‌ریزی و تلاش زیادی را می‌طلبید. آقای مهندس اصلانی فعال، ناآرام و جسور در انجام کارهای اجرائی و من هم در تلاش برای تعیین اقدامات لازم برای تکمیل کارخانه و برنامه‌ریزی آن اقدامات بودم. از نظر مهندس اصلانی هیچ کار فنی (نشده؛ نداشت). عاشقانه و با تسلطی که به امور فنی داشت برای هر مشکل یا هر

کمبودی، به صورت مبتکرانه راه حل پیدا می‌کرد. سرعت او در انجام کارها، وقت زیادی که می‌گذاشتند، انرژی و جنبشی که از خود نشان می‌داد و تمرکزی که روی کارها داشت فضای کار و کارخانه را به حرکت در می‌آورد. با ویژگی‌های خاص فنی و اشتیاقی که برای کار و پیشبرد آن از خود نشان می‌داد و طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که می‌شد فعالیت‌های گروه‌های سیاسی در شرکت به حاشیه رفت و راه‌اندازی کارخانه و شوق به حرکت در آوردن چرخ‌های تولید سیمان، محور همه کارها شد. کارخانه سیمان سپاهان به عنوان بزرگترین کارخانه تولید سیمان در آن زمان با تلاش عاشقانه و ابتکارات و توانمندی‌های فنی مهندس اصلانی راه افتاد و برگی بیاد ماندنی از تلاش‌های صادقانه ایشان که بدون هیچ توقع بعد از انقلاب برای راه‌اندازی چرخ‌های صنعت کشور صورت گرفت ماندگار ماند. بعد از تجربه راه‌اندازی سیمان سپاهان من و آقای مهندس اصلانی دو دوستی شدیم، که همواره خاطره آن همکاری را گرامی می‌داریم و از آنچه در آن‌جا انجام شد با رضایت و خوشحالی یاد می‌کنیم. برای من آشنائی با مهندس اصلانی و عشق او به راه‌اندازی صنعت کشور مغتنم بوده است و برایش سلامتی و طول عمر آرزو دارم.

دکتر علی نقی مشایخی

رئیس اسبق هیئت مدیره سیمان سپاهان

(استاد دانشگاه صنعتی، بنیانگذار مدیریت صنعتی در ایران)

فارغ‌التحصیل دکتری از دانشگاه هاروارد)

من از سال ۱۳۸۳ افتخار آغاز یک همکاری خاطره‌انگیز با آقای مهندس اصلانی را پیدا کردم. به خاطر دارم از زمانی که در سال ۱۳۷۶ مشغول به کار شدم همیشه اسم ایشان در محافل به عنوان پدر صنعت مطرح بود، تا اینکه در آن سال از طریق یکی از دوستان، این امکان برایم میسر شد که به ملاقات ایشان بروم. مهندس اصلانی، در آن زمان در حال اجرای طرح یک میلیون تن سیمان اردستان بودند. در همان ملاقات اول به من گفتند تا یک متن جهت ارسال ایمیل شرکت ELIN اتریش ارسال کنم و این شروع همکاری من با ایشان در آن پروژه و متعاقب در پروژه‌های دیگر بود که خوشبختانه تا به حال ادامه دارد. همکاری من با جناب مهندس ایرج اصلانی باعث شد اینجانب در کسب تجربیات و نیز سرلوحه قرار دادن بسیاری از خصلت‌های خوب ایشان در مدیریت بر پروژه‌های صنعتی، تلاش کنم. مهندس اصلانی در این مدت چنان پرکار و پرتلاش بودند که تقریباً علاوه بر اینکه خودشان به صورت مستمر مسائل پروژه را دنبال می‌نمودند، بقیه افراد دنباله‌رو ایشان در پیگیری روند و اهداف پروژه احساس مسئولیت خاص می‌کردند. با مدیریت ایشان یکی از نفرات با سابقه شرکت پلیزیوس به عنوان ناظر مقیم به استخدام شرکت درآمد و مراحل نصب با سرعت انجام گرفت. به گونه‌ای که با نصب تجهیزات، راه‌اندازی موقت اکثر واحدها مانند کوره و گریت کولر جهت فعالیت و آماده شدن برای انجام مراحل بعدی راه‌اندازی گردید. پروژه در حدود ۳۰ ماه آماده راه‌اندازی شد و خوشبختانه به همت ایشان و سایر همکاران دیگر،

از همان ابتدا محصول باکیفیتی تولید گردید. در کنار آن یکی از بهترین پروژه‌های سیمانی در سطح کشور از لحاظ سطح کیفیت اجرا و نصب در تمام شاخه‌های سیویل، مکانیک و برق بود و در عین حال قیمت تمام شده پروژه با اقتصادی‌ترین حالت در زمان خود محسوب می‌شد. همچنین کمیت و کیفیت محصول و راندمان انرژی از همان ابتدا جزو برندهای اول در سطح کشور به شمار می‌آمد و ان‌شاءالله باقی خواهد ماند.

جناب مهندس اصلانی در تاریخچه بنیان سیمان اردستان به عنوان یک مؤسس باقی خواهد ماند و امید است در تأسیس واحدهای صنعتی مشابه از تجربیات ایشان به نحو مقتضی برای آیندگان استفاده گردد.

مهندس محمدرضا عریضی
مدیر دفتر فنی اسبق پروژه‌های در حال احداث
سیمان اردستان

اینجناب سیدجمال امامی، از مهندسین درس خوانده دانشگاه پلی تکنیک در تابستان ۱۳۴۸ در جهت مونتاژ برق ذوب آهن استخدام و ابتدا در کمپلکس مونتاژ برق و بعد از شروع بهره برداری، وارد مهندسی کل برق و تا سال ۱۳۶۱ به عنوان مهندس کل برق ذوب آهن اصفهان مأمور خدمت در صنایع فولاد اهواز گردیدم. سابقه آشنایی بنده با جناب مهندس اصلانی از سال های همکاری در ذوب آهن مشخصاً از زمان تصدی سرپرست شبکه ولت ها بود که ایشان در صنایع شیمیای وزارت دفاع خدمت می کردند. روزی از روزها شخصی مراجعه و به من خبر دادند که آقای مهندس ایرج اصلانی در صنایع دفاع کل با شما کار دارند.

بعد از مراجعه متوجه شدم که پیمانکار صنایع دفاع در نصب باطری های جریان مستقیم سیستم های برق تخصص ندارد و کار متوقف گردیده است. با توجه به سوابق نصب باطری های (گ.پ.پ) و آموخته هایی که همکاران بنده پیدا کرده بودند، نصب باطری ها تکمیل و اتصالات سر صفحات باطری ها انجام گردید. از آن زمان آقای مهندس اصلانی نسبت به اینجناب اظهار محبت داشتند تا اینکه بعد از اتمام مأموریت بنده در صنایع فولاد و اتفاقات تحویل و تحول کارها به تهران منتقل شدم و در برهه ای از زمان که در ستاد مرکزی شرکت های فولاد ایران مشغول خدمت بودم، آقای مهندس اصلانی به سمت معاون خودکفائی شرکت فولاد منصوب گردیدند و از بنده خواستند که به عنوان قائم مقام معاون خودکفائی در دفتر مرکزی انجام وظیفه نمایم.

در آن زمان دفتری بنام همکاری‌های دانشگاه و صنعت تشکیل دادیم و پروژه‌ها را با همکاری اساتید دانشگاه تهران و واحدهای شرکت فولاد شروع کردیم که با عقد قرارداد با آنها پروژه‌هایی شروع شد از جمله:

۱- تهیه قوس‌های معدن که برای تونل‌های ذغال مورد نیاز بود. (آرک معدن).

۲- تولید لکوتیدهای جریان مستقیم حمل ذغال داخل تونل.

۳- پروژه مصرف اکسید آهن و دیگر در کوره‌بلند به عنوان ذوب و افزایش راندمان کوره‌بلند.

۴- طرح انجام تغذیه کوره‌بلند با گندله سنگ آهن.

و سایر پروژه‌ها که سوابق آن در شرکت ملی فولاد ایران موجود است و اگر کسی علاقمند باشد می‌تواند به مدارک مربوطه در شرکت ملی فولاد مراجعه نماید. اگرچه بعد از سال‌های طولانی که از آن زمان گذشته است ممکن است پیدا کردن آنها هم خیلی ساده نباشد. علی‌ایحال بعد از مدتی آقای مهندس اصلانی مدیر عامل شرکت ملی صنایع مس که دفتر آن در خیابان ولی عصر واقع در جنب پارک ساعی بود گردید و بنده را به عنوان معاون طرح و برنامه صنایع برگزیدند. در طول سال‌های ۶۷ و ۶۸ که بنده در سمت مذکور در خدمت آقای مهندس اصلانی بودم کارهای مفیدی به شرح زیر در شرکت ملی مس انجام شد:

- تکمیل ایستگاه آتش‌نشانی.

- تعمیرات کوره ذوب مس به نام ری‌ورب.

- تکمیل نصب و راه‌اندازی چرخ ریخته‌گری اتوکمپو.
- تحکیم و سولفورزدائی سازه‌های بتنی تصفیه‌خانهٔ مس کاتد یک.
- تحکیم پتهٔ خاکی و زه‌کشی آن به منظور جلوگیری از رانش. زمین و تثبیت تونل مسیر انتقال سنگ‌معدن تا سنگ‌شکن ثانویه.
- ایجاد انبار اولیه و سیستم لچینگ خاک‌های مس به وسیله اسیدسولفوریک.
- تعمیرات و بازسازی و راه‌اندازی کامیون‌های جدید از شرکت Banko dresser halpak.companey در آمریکا ایالات ایلینوئیز تعداد ۲۰ کامیون و آبکو ۱۲۰ تنی در محل، از شرکت اصلی سازنده آنها و آبکو در محل مجتمع سرچشمه - طراحی و شروع به ساخت ساختمان اداری جدید مجتمع مس سرچشمه.
- پروژهٔ حفاظت از سد رسوب‌گیر توسط مهندس مشاور بنداب به مدیریت دکتر عسگری استاد دانشگاه پلی تکنیک.
- ایجاد راه‌آهن اتصال مسیر ریلی ایستگاه خاتون‌آباد به مجتمع سرچشمه که کار خیلی اساسی بود و شکل سوخت‌رسانی مازوت به کوره‌های ریو ورب با کامیون را حل کرد.
- طراحی و ساخت و رساندن فرودگاه سرچشمه تا مرحله نشت و برخاست، درخواست هواپیما با بودجه‌ای که تعاونی پستهٔ رفسنجان پرداخت نمود.

- ایجاد دفتر شرکت ملی صنایع مس در فرودگاه کرمان به منظور تسهیل در مسافرت کارکنان و مشاوران و پیمانکاران صنعت مس.

- اصلاح خط آنیلینگ یعنی اکسیدزدائی خط تولید مفتول مسی.

- راه اندازی واحد تصفیۀ لجن های کارگاه تولیدی کاتد و بهره برداری از تولید فرو مولپدن و همچنین تولید نقره و طلای لجن های پالایشگاه مس کاتد.

- احداث کارگاه ساخت مواد منفجره قابل انفجار در چاه های استخراجی که با آب همراه بود. (اسلاری).

- اتمام خانه های مسکونی و چند باب مدرسه در شهرک مسکونی سرچشمه و همچنین خانه های سازمانی در شهر رفسنجان.

- تجهیز معدن مس میدوک و ایجاد تونل های اکتشافی و راه دسترسی به معدن از جاده شهر بابک به خاتون آباد.

- عقد قراردادهای اکتشافی معدن مس سونگون اهر.

- احداث راه دسترسی به معدن و ایجاد ساختمان اداری و مهمانسرا در محل معدن سونگون.

- خرید دفتر اداری مس سونگون در شهر اهر.

- ارتباط با شرکت مس کشور زامبیا و بازدید از تأسیسات مس آن کشور توسط کارشناسان صنایع مس.

- تجهیز مرکز کامپیوتر مادر Main Frame در محل مجتمع سرچشمه.

- ایجاد سیستم بهره وری کارکنان و دستورالعمل

پرداخت پاداش تولید به کارکنان متناسب با ضریب فعالیت هر بخش از معدن و ذوب و پالایشگاه و واحدهای اداری و خدماتی.

- خرید ساختمان جانبی و ساختمان دفتر اصلی صنایع مس در خیابان ولی عصر و ساختمان بخارست.

آوردن نام و مشخصات کارهای انجام شده در طول مدیریت دو ساله جناب مهندس اصلانی در صنایع مس در این مقوله نمی‌گنجد و برای شرح و توصیف آن به زمان و طولانی و صفحات زیاد لازم دارد.

من به خاطر دارم که در ابتدای ورود گروه مدیریتی جدید متشکل از بنده آقای مهندس شاه محمدی و آقای مهندس سمندریان در جلسات روزمره که هر روز صبح تشکیل می‌شد مهندسین هر روز عنوان می‌کردند که ذخیره روغن کاج و گلوله برای ۲۴ ساعت بیشتر کافی نیست.

- در جهت خرید روغن کاج و تولید گلوله کارهای بسیار مهندسی انجام شد و پمپ‌ها و تجهیزات که خورندگی زیاد داشتند بازسازی شدند و ساخت داخل شدند.

- محل تأمین گلوله که وارداتی از کانادا بود به ساخت داخل که ابتدا از صنایع دفاع و در مرحله بعد سایر سازندگان داخل انجام شد.

- تعویض انتقال اصلی سنگ‌شکن اولیه که همزمان با محرم انجام شد و کارگران و کارشناسان گفته بودند تاسوعا و عاشورا تعطیل است. آقای مهندس اصلانی ترتیبی دادند که غذای نذری روز عاشورا در محل سنگ‌شکن اولیه انجام

شود.

- بسیار بسیار کارهای دیگر که تولید مس از حدود هشتاد هزار تن به مقدار یکصد و ده هزار تن ظرفیت اسمی رسید. همچنین عقد قرارداد با کشور ترکمنستان و ارمنستان برای خرید کنسانتره اضافی که در مجتمع تبدیل به مس آند و کاتد گردد و همچنین خرید کنسانتره از معدن قلعه زری.

- سازماندهی انبار کاتد و آند در تأسیسات بندرعباس.

- حل و فصل مسائل با شرکت‌های فرآوری لجن‌های

پالایشگاه.

این‌ها بخش‌هایی از کارهای انجام شده در واحد طرح و برنامه بود که با مشارکت اینجانب انجام شد. در خاتمه به اطلاع می‌رساند، آقای مهندس ایرج اصلانی مدیری بسیار فعال و مردمی و متعهد بوده و هستند که از همه وظایف و مسئولیت‌های محوله در شرکت صنایع ملی مس ایران و به طور کلی هرگونه وظیفه‌ای که از سوی مدیران طبقه اول نظام مهندسی به ایشان واگذار می‌گردید، به نحو احسن انجام وظیفه نموده‌اند و ذهن بسیار فعالی و پرانرژی دارند. با توجه به اینکه از مدت زمان مسئولیت بنده در خدمت ایشان مدت زیادی می‌گذرد، ممکن است در بعضی اعداد و ارقام کاهش و نقص وجود داشته باشد یا کامل ارائه نشده باشد.

سیدجمال امامی

معاون اسبق طرح و برنامه صنایع ملی ایران

و مدیر عامل مجتمع فولاد اهواز

ضمیمہ

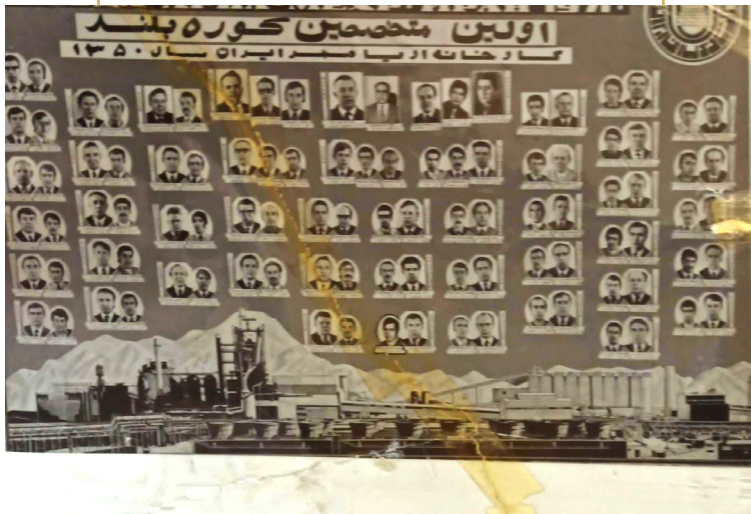
تصاویر



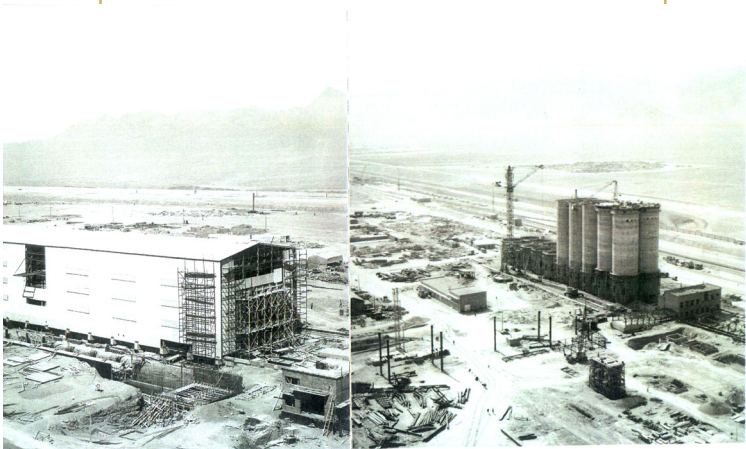
هیئت مؤسس پیشگامان



مهندس شهیدی مدیرعامل دوران جنگ



عکس یادگاری اولین متخصصین کوره بلند شماره ۱ در سال ۱۳۵۰

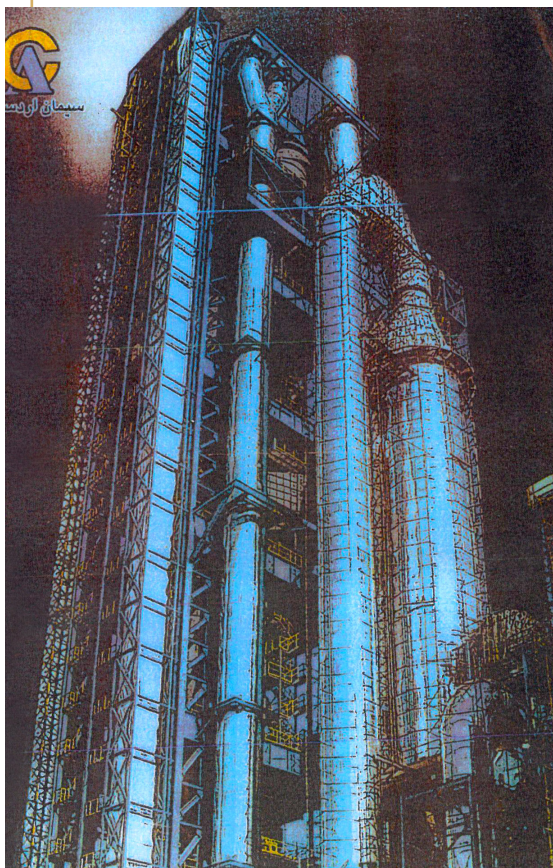


فروردین ماه سال ۱۳۴۹، نمایی از سیلوهای کک سازی

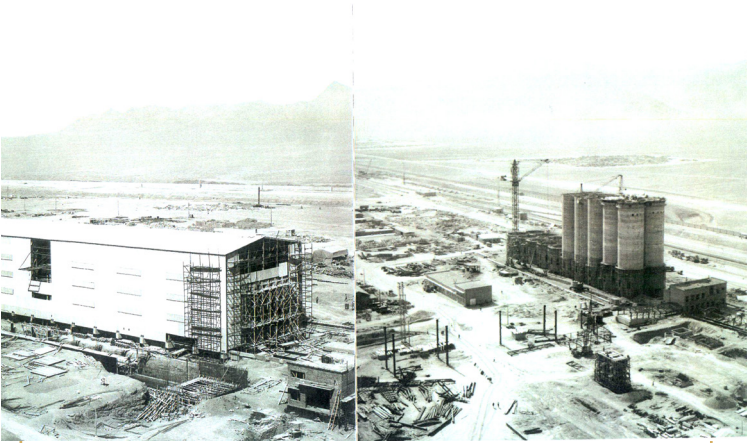


اجرای کوره بلند
شماره ۲





برج سیریتز کارخانه سیمان اردستان به ارتفاع ۱۳۵ متر دارای
۲۰۰۰ تن اسکلت فلزی



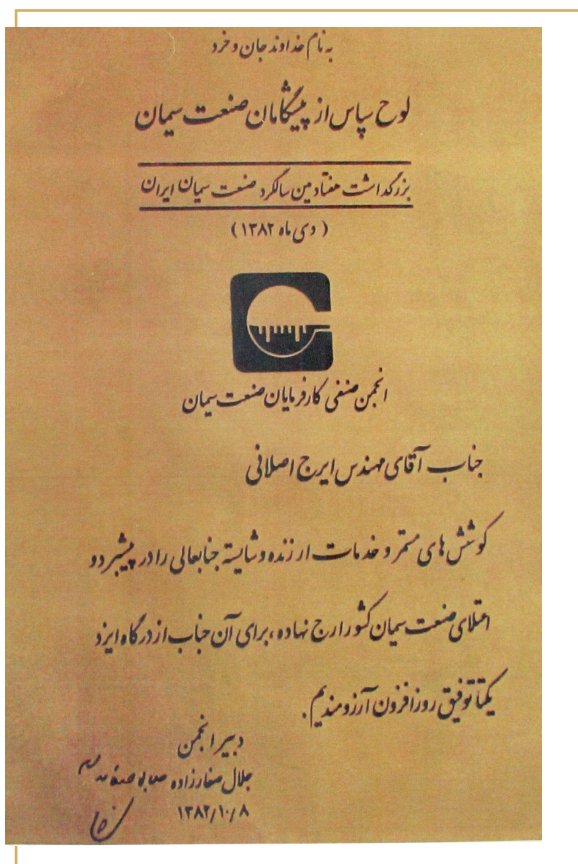
فروردین ماه سال ۱۳۴۹، نمایی از سیلوهای کک سازی

۱۳۰

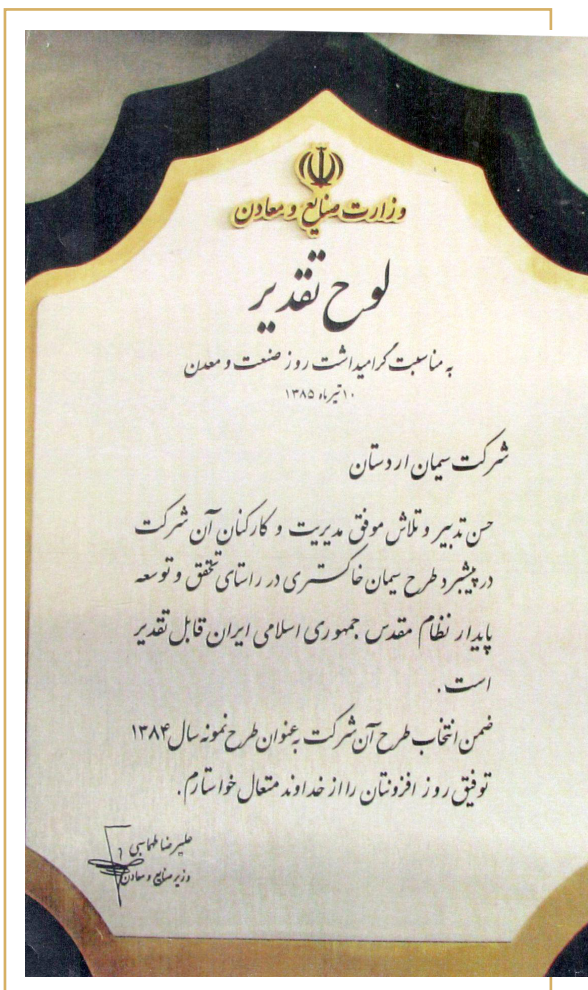


سال ۱۳۴۶ عملیات تسطیح دشت طبس (محل ذوب آهن اصفهان) سال

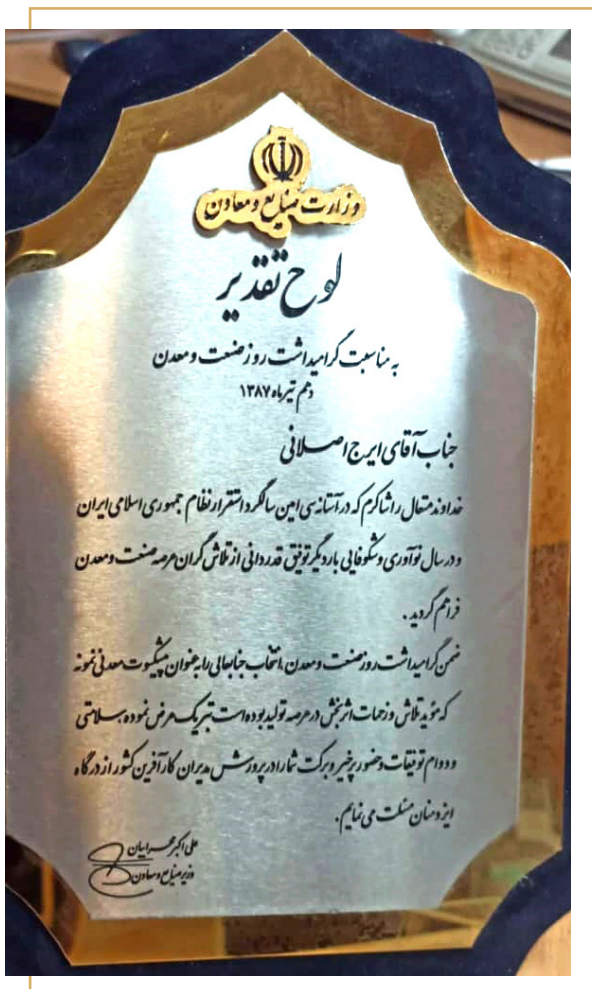
۱۳۴۶ خاکبرداری و اجرای فونداسیون



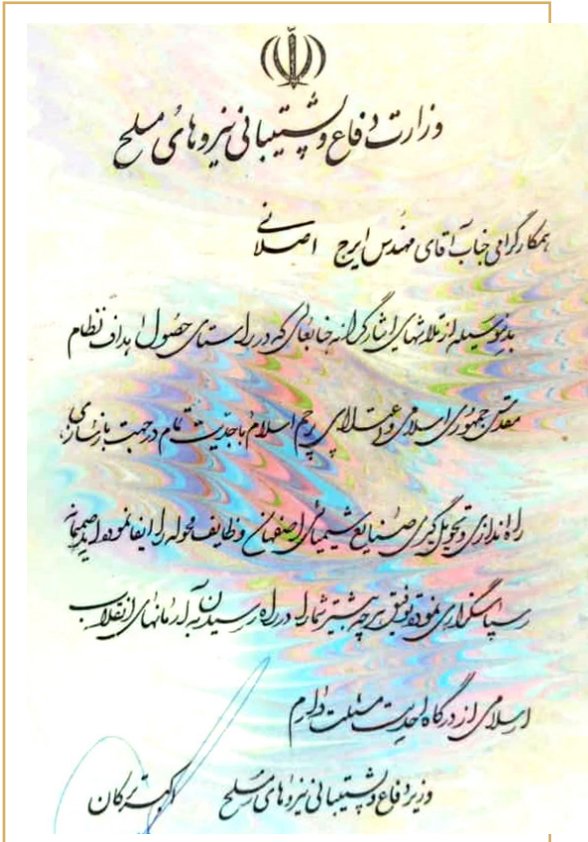
لوح سپاس از پیشگامان صنعت سیمان، دی ماه ۱۳۸۲



لوح تقدیر به مناسبت گرامیداشت روز صنعت و معدن، تیرماه ۱۳۸۵



لوح تقدیر به مناسبت گرامیداشت روز صنعت و معدن، تیرماه ۱۳۸۷



لوح سپاس، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح



فاز صنعت و معدن
استان مازان



مؤسسه عالی علمی و فناوری
استان مازان



به نام خداوند خالق علم و صنعت

لوح سپاس

پیشکسوت صنعت و معدن

ساحل افتاده گفتم، گرچه بسی زیستم
هیچ معین نشد، آه که من کیستم

موج زخود رفته ای، تیز خرامید گفتم
هستم اگر می روم گم شوم نیستم

جناب آقای مهندس ایرج اصلانی

سرافرازی، عزت و شرف ایران اسلامی حاصل تلاش و فداکاری بزرگانی همچون شماست که عسری را در راه اعتلا غنای صنعت این سرزمین و بوم کوشیده اید و در راستای آن موجب ایجاد اشتغال و پرورش استعدادهایی نهفته شاگردان بیشمار خود گردیده اید. لذا بر این بنیان و بر اساس انتخاب هیأت داوران هشتمین جشنواره پیشکسوتان جامعه صنعت و معدن استان اصفهان و به منظور ارج نهادن به مساعی و اهتمامی که همواره داشته اید به عنوان پیشکسوت شایسته سال ۱۳۸۱ برگزیده شده اید. همین تشریف و لهنیت، سلامتی توأم با موفقیت روز افزون شما و خانواده محترمتان از پیشگاه ایزد منان خواستاریم.

سید مرتضی امین جواهری
رییس کلانین ماشین ساز و صنایع

عبدالمهدی اجلایی
رییس خانه صنعت و معدن

کریمت جهانگرد
رییس سازمان صنایع و معادن









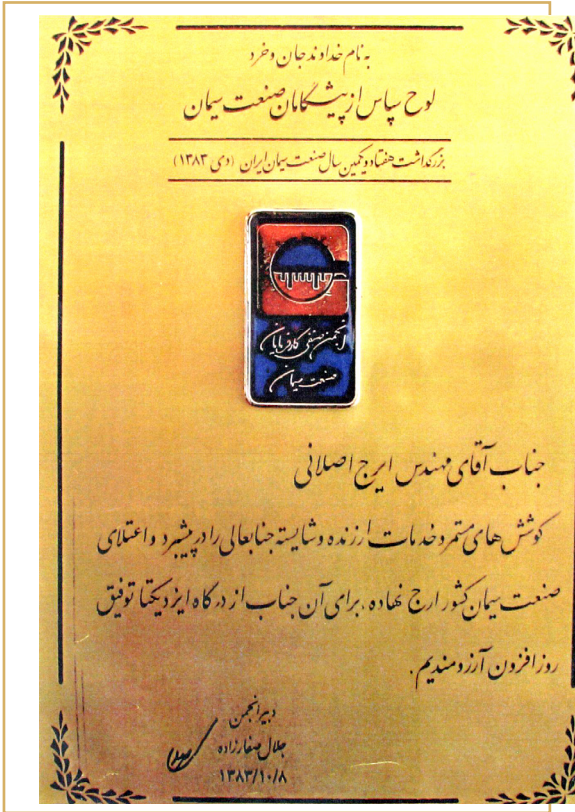








لوح سپاس، خانه صنعت و معدن استان اصفهان



لوح سپاس از پیشگامان صنعت سیمان، دی ماه ۱۳۸۳



مرکز تحقیقات
ساختمان و مسکن



انجمن بتن ایران



دانشگاه آزاد اسلامی

لوح تقدیر

مدیر عامل محترم شرکت سیمان اردستان

نظر به کینیت مطلوب مدیریت، طرح و اجرای پروژه «کارخانه سیمان اردستان»

حیات و دوران سابقه طرح برتر، جتی در چهارمین نمایش روز بتن - یادواره استاد حامی - این

طرح را بعنوان پروژه برتر در زین «ساختمانهای صنعتی» انتخاب نموده و این لوح

تقدیر را به پاس مشارکت موثر و ارزنده جنابعالی و همکارانتان برای به ثمر رساندن پروژه

مزبور به شما تقدیم می‌داریم.

امید است کوشش‌های ثمر بخش آن شرکت محترم در راه سازندگی کشور همچنان پاینده باشد.

سید علی
رئیس مرکز تحقیقات مسکن

قاسم میری نژاد

رئیس مرکز تحقیقات مسکن

برزو فانیلی

رئیس هیات مدیره انجمن بتن ایران

بهمن جابری

رئیس دانشکده آزاد اسلامی

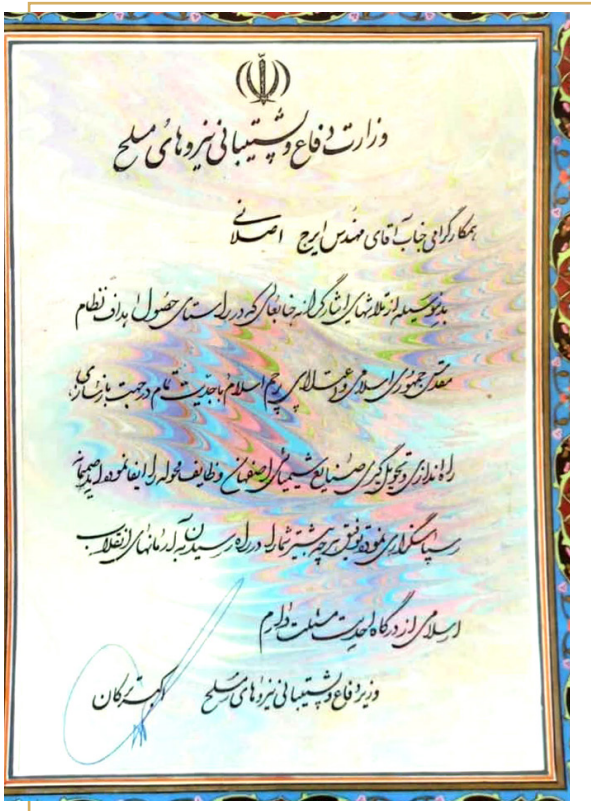
لوح تقدیر از دانشگاه آزاد اسلامی،

انجمن بتن ایران و مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن

به علت اول شدن اول شدن بتن ریزی سیمان اردستان در کشور



تشکر مدیر صنایع شیمیایی اصفهان برای راه اندازی آن پروژه

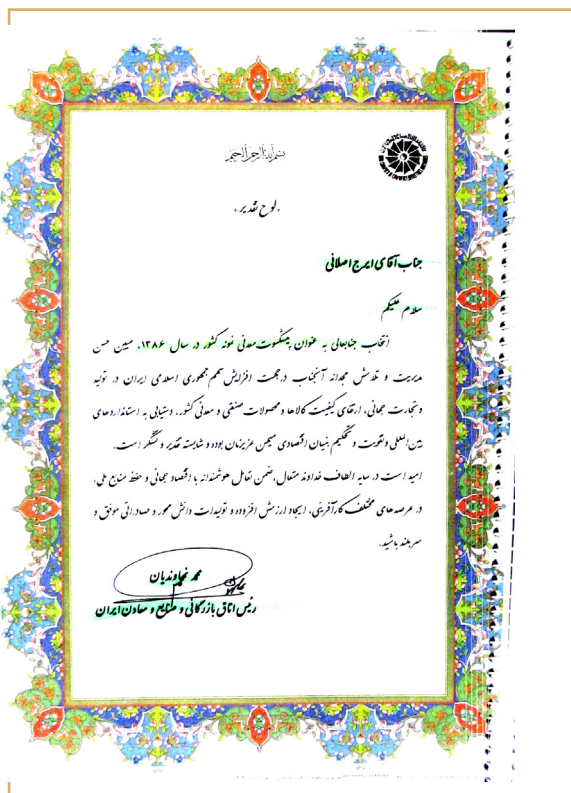


تقدیر وزیر وقت از تلاش‌های ایثارگراانه

جناب آقای مهندس ایرج اصلانی
بدینوسیله از زحمات جنابعالی در مدت تصدی
مدیریت عامل شرکت سیما اصفهان شکر
و قدردانی می‌نماید، توفیق روزافزون شما در خدمت
به جامعه اسلامی ایران از قادر متعال خواهانم

موسسه خیریه علی حسین همدانیان

تشکر و قدردانی، موسسه خیریه علی و حسین همدانیان



لوح تقدیر، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران در سال ۱۳۸۶



متن سوگندنامه مهندسی زنده‌یاد استاد دکتر قالیبافیان

اگر فیضیت دانشمندان، کشف و تدوین قانونمندی‌های جهان محیط بر انسان و جوامع انسانی است، منزلت و وظیفه مهندسان، به کار گرفتن این قانونمندی‌ها برای تعمیر و بهبود شرایط زیست و کار انسان‌ها و تلاش مستمر برای حل مشکلات جوامع انسانی می‌باشد و این تلاش است که حرکت جوامع انسانی را به سوی تعالی میسر می‌سازد.

با عنایت به این وظیفه سنگین، حال که این حرفه انسان محور را برگزیدیم، در مقام یک مهندس، آگاهانه سوگند یاد می‌کنم که در هر قدم و اقدام:

– زمین را که زادگاه و گورگاه انسان‌ها و ولی نعمت آنها است، فراموش نکرده و کاری انجام ندهم که ذره‌ای از امکانات آن بیهوده مصرف شود و خدش‌های به محیط زیست وارد آید.

– میهمان، ایران را، لحظه‌ای از خاطر دور نداشته و حراست از فرهنگ، منابع مادی و معنوی آن و کوشش برای تأمین آبادانی، توسعه پایدار و سرفرازی آن را در همه ساحه‌ها سرلوحه کار خود قرار دهم.

– شهروندان خود را دلیل وجود خویش و حرفه خویش دانسته، خود را کارگزار امین و مورد اعتماد آنان تلقی کرده و از منافع آنان چون مردمک چشم مراقبت کنم و در هیچ شرایطی از موازین شرف، منزلت انسانی و اخلاقی حرفه‌ای عدول ننمایم و منافع جمع را بر منافع فردی خود مقدم بدارم.

– برای اینکه با وجدانی آگاه قادر به انجام این وظایف باشم، لحظه‌ای از آموختن و آموزش دادن فروگذار نکنم.

باشد که با پایداری و پایبندی به سوگند خویش بتوانم به عنوان حرفه‌مندی وظیفه‌شناس، احساس غرور کنم.

روابط عمومی مرکز آموزش مهندسیین خانه عمران شریف

سوگندنامه مهندس استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران



ساخت سیمان اردستان در زمان ۲ سال ۸۵۰۰۰ مترمکعب بتن‌ریزی. گرفتن ۲۲ مگاواپت برق و ۱۷۰۰۰ مترمکعب گاز در ساعت و ۶۰۰۰ تجهیزات ماشین‌آلات اسکلت فلزی و ۱۵۰ هکتار زمین برای کارخانه سنددار و ۲۰۰۰ هکتار زمین



باسمه تعالی

جناب آقای مهندس ایرج اصلاحی

بدینوسیله از تلاش صادقانه، خدمات
شایسته و ارزشمند شما در سمت مدیر عامل
کارخانه سیمان اصفهان تقدیر و تشکر میگردد،
امید است در پرتو عنایات و تأییدات خداوند
متعال پیوسته خادم راستین و حق جوی مسین
اسلامیمان باشید.

محمدمعلی جوادی

شهردار اصفهان و عضو هیئت مدیره
مؤسسه فیریه علی و مسین همدانیان

«بسم‌تعالی»

اینچنانان :

- ۱- علی فضیلتی عضو هیئت مدیره و مدیرعامل مؤسسه خیریه علمی و حسین همدانیان
- ۲- فتح‌اله معین ریاست هیئت مدیره سیمان اصفهان
- ۳- اکبر مجیدیپور قائم مقام و نایب رئیس هیئت مدیره مؤسسه خیریه و عضو هیئت مدیره سیمان اصفهان

گرامی می‌نمائیم که طراحی و تولید صنعتی فرآورده سیمان درده سیلپی و انواع سیمان نسوز در کارخانه سیمان اصفهان برای اولین بار در ایران توسط آقای مهندس اصلاحی در کارخانه سیمان صورت پذیرفته است .

علی فضیلتی
فتح‌اله معین
اکبر مجیدیپور

۱۴۶

WESTERN MICHIGAN UNIVERSITY

SCHOOL OF APPLIED SCIENCES
Department of Engineering and Technology

KALAMAZOO, MICHIGAN
19001

July 7, 1975

TO WHOM IT MAY CONCERN:

Mr. Iraj Aslani is one of our most exemplary graduate students. He is continuing his education for a master's degree and should have all of the requirements completed by September 1, 1975.

It would be a tragedy to have him leave before completing the last 6 credits for which he is enrolled during the summer when he has done so well to date. If I might have any influence upon his ability to remain, I would strongly suggest that he be permitted to complete his degree.

Very truly yours,

Roger R. Urich

Roger R. Urich, Associate Professor
Department of Industrial Engineering

RRU:al



بسمه تعالی

بنام بزرگمقنن و بزرگمردان

تقدیرنامه

جناب آقای مهندس ایرج اصلانی

عضو محترم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان

احتراماً:

بزرگداشت زادروز دانشمند بزرگ ایرانی، خواجه نصیرالدین طوسی و گرامیداشت «روز مهندسی»، فرصت مغتنمی است تا از زحمات خالصانه و شبانه‌روزی اسلاف خالص‌ترین تمدن کهن این سرزمین قدردانی و تشکر گردد.

بدین‌وسیله از طرف جامعه‌ی بزرگ مهندسی استان اصفهان از خدمات شایسته و ارزشمند

جناب‌عالی در عرصه‌های مختلف کارآفرینی و اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی ملی و استانی

تشکر و قدردانی نموده، از درگاه خداوند متعال برای جناب‌عالی سلامتی، طراوت و طول عمر با

عزت و عافیت مسألت می‌نماید.

مصطفی بهیانی

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان

اسفندماه ۱۳۹۰ هجری شمسی

WESTERN MICHIGAN UNIVERSITY

COLLEGE OF APPLIED SCIENCES
Department of Engineering and Technology

September 8, 1975

The High Counselor
Head of Training Affairs
National Steel Mill Corporation
Tehran
IRAN

Sir:

This is written in regards to a graduate student of our university in technology, Mr. Iraj Aslani. I am pleased to report that Mr. Iraj Aslani was an outstanding student. His attitude and study habits were beyond reproach. For example, he visited some 74 industrial plants and factories to gather data and information for his graduate theses in the states of Michigan, Indiana, Illinois and Minnesota. He was an active and contributing member of three professional organizations here at the University: American Society of Metals, American Foundrymen's Society, and the American Society for Quality Control.

His degree was completed with a total of 40 semester hours (30 are required) all taken in a year's time, which is quite an achievement in itself. Academically, he was an exceptionally good student. It was a pleasure to have him in class and to work with him. This is an extremely diligent individual and I have no reservation in recommending him to you for any role that may entail leadership, and for technical skills.

Sincerely,

Dr. Frank S. Scott
Professor and Chairman
Department of Industrial Engineering

FSS:al

واحد
 تاریخ: ۲۵ شهریور ۱۳۵۹
 شماره: ۸۲۶۹
 پیرست

جمهوری اسلامی ایران
 شرکت فولاد ایران

بنده شمالی

جمهوری اسلامی ایران روز بروز پیشرفت است به آبروی متحد با نام
 (امام خمینی)

براد رایج اصلان

موجب این حکم بنیست تا تم مقام شرکت ملی فولاد ایران مستوی
 میشود که با توجه با سابقه شرکت نسبت با انجام وظائف محوله
 طبق قوانین و مقررات اقدام فرمائید . امید است در رهنمود اهدا اف
 نلاب اسلامی ایران موفق و موید باشید . /ج

مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره شرکت ملی فولاد ایران
 اسد ا صالحی فرد
 ۱۳۵۹/۹/۲۵

۱۴۸

WESTERN MICHIGAN UNIVERSITY
 COLLEGE OF APPLIED SCIENCES
 YANKEE BUILDING
 YPSILANTI, MICHIGAN 48196


August 26, 1975

High Counselor, Head Training Affairs
 National Iranian Steel Mill Corporation
 Dear Sir:

Iraj Aslani, a graduate student in the Industrial Supervision portion of our Master of Science in Technology program has requested that I submit a recommendation of his work while at Western Michigan University.

Iraj has taken a well rounded series of courses in three different, but complementary areas; viz, Metallurgical Castings, Industrial Engineering and Computer Usage, and Management and Economics. He performed quite well in the Seminar in Supervision which I taught. In addition, he did an outstanding job on his project course. As a part of this project, Iraj made 24 visitations to various types of industries in Michigan, Indiana, Illinois and Minnesota. He also participated in meetings of the American Society for Metals, the American Society for Quality Control and the American Foundrymen's Society. Iraj actively participated in the student chapter of the latter society.

I trust Iraj is richer for his experience at Western Michigan University as we are richer for his presence.

Very truly yours,

 R. E. Boughner, Assistant Dean
 College of Applied Sciences
 RB:rac



بسمه تعالی

وزارت معادن و فلزات

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۴۸/۹/۲۲ با توجه به پیشنهاد شماره ۱۰۰/۳۳۹۳۶ مورخ ۱۳۴۸/۹/۲۲ وزارت معادن و فلزات و تصویب ۱۳۴۸/۶/۲۵ مجمع عمومی شرکت ملی صنایع مس ایران و با استناد به ماده هشت قانون تأسیس شرکت مزیور تصویب نمودند:
 یزاد مهندس ایرج اصلانی سمت مدیر عامل و برادر محمود شهری به سمت رئیس هیأت مدیره شرکت ملی صنایع مس ایران منصوب گردند.

حسن حبیبی
 معاون اول رئیس جمهور

رونوشت به:

دفتر رئیس جمهوری، دفتر ریاست قوه قضائیه، دفتر سازمان دارو رئیس جمهور، دفتر مداخله اجتماعی رئیس جمهور
 سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت دادگستری، دیوان محاسبات
 اداره قوانین مجلس شورای اسلامی، دفتر شنبه دولت، اداره کل حقوقی، اداره کل قوانین و مقررات کشور
 هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، شرکت ملی صنایع مس ایران، روزنامه رسمی دادگستری جمهوری
 اسلامی ایران ابلاغ می‌شود.

۱۴۹

WESTERN MICHIGAN UNIVERSITY
 OFFICE OF APPLIED SCIENCES
 Dept. Head of Engineering and Technology

August 27, 1975

High Counselor Head Training Affairs
 National Iranian Steel Mill Corporation
 Iran

Dear Sir:

I am pleased to write a letter of recommendation for Mr. Iraj Aslani. I have had Mr. Aslani in two courses and academically he stood near the top in both classes. Mr. Aslani is a very able student and his character, integrity and personality have made a very favorable impression on me.

While at Western Michigan University Mr. Aslani took an active interest in his chosen profession. He visited a large number of factories, steel-mills and foundries in this part of the country; and he regularly attended meetings of the American Society for Metals, the American Foundrymen's Society and the American Society for Quality Control.

Sincerely,

R. Day, Professor
 Industrial Engineering Department

RJD/jak

نام خدا
 درود بر جناب آقای مصنف
 ابریم مصطفی شخصیت گامگاه
 کاربلد و با ایمان که جان و عمر
 خود را خالصانه و بدون هیچگونه
 توقعی به درایم و کفایت رسانیدند
 عزیز و استوار بنده در راه خدای تعالی
 بران معلول افتخار عبادت ما
 جناب آقای دانشم و بیطرف جانان
 نتایج حرفه‌ای و علمی گدیزید
 این را بجز کتب دینی بود که در کتابخانه

۱۵۰

<p>СВИДЕТЕЛЬСТВО № 0140*</p> <p>Настоящее свидетельство выдано</p> <p>г. <u>Омск</u></p> <p>гражданину <u>Ирому</u> <u>Ибрагимову</u> <u>Абдулмуслиму</u></p> <p>родом из <u>Ирана</u></p> <p>по <u>22 ноября</u> 1972 г. прошёл в Советском Союзе производственно-техническое обучение на <u>Омском производственном заводе</u></p> <p>и получил знания по <u>специальности</u> <u>Строитель инженер по ремонту</u></p> <p><u>Строительная техника военного назначения</u></p> <p>29 декабря 1972 г. <u>Сектор кадров</u></p>	<p>گواهی نامه شماره ۰۱۴۰۷</p> <p>بهمن وسیله گواهی میشود که آقای (متقاضی)</p> <p>ک <u>ابراهیم</u></p> <p>نام و نام خانوادگی <u>مصطفی</u></p> <p>که متبینه <u>ایران</u></p> <p>کشور</p> <p>مبنی بر آنکه از تاریخ روز <u>۲۲</u> بهمن ماه سال <u>۱۳۵۱</u> تا تاریخ روز <u>۱۲</u> بهمن ماه سال <u>۱۳۷۲</u> مشغول آموختن فن در <u>کارخانه</u> <u>تولید کفش در ماسکوف</u></p> <p>در آنجا آموختن برد، و اطلاعات در زمینه <u>تعمیر ماشین آلات کفش</u> و تعمیر <u>بازمان</u> آموخت.</p> <p>و نتایج یادآموختن را در <u>کتابخانه</u> <u>دفتر</u> <u>۲۹</u> <u>دسامبر</u> <u>۱۹۷۲</u> <u>سال</u></p>
--	---



جمهوری اسلامی ایران
رئیس جمهور
تصویب نامه هیئت وزیران

بسمه تعالی

وزارت معادن و فلزات

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۴۸/۹/۲۲ با توجه به پیشنهاد شماره ۱۰۰/۳۳۹۳۶ مورخ ۱۳۴۸/۹/۲۲ وزارت معادن و فلزات و تصویب ۱۳۴۸/۶/۲۵ مجمع عمومی شرکت ملی صنایع مس ایران و با استناد به ماده هشت قانون تأسیس شرکت مزیور تصویب نمودند:
یوزو مهندس ایرج اصلانی سمت مدیر عامل و برادر محمود شهری به سمت رئیس هیأت مدیره شرکت ملی صنایع مس ایران منصوب گردند.

حسن حبیبی
معاون اول رئیس جمهور

رونوشت به:

دکتر رئیس جمهوری، دکتر ریاست دانشگاهها، دکتر سازمان راهبردی کشور، دفتر نماینده ایران در سازمان همکاری و توسعه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت دادگستری، دیوان محاسبات اداره قوانین مجلس شورای اسلامی، دفتر هیئت دولت، اداره کل حقوقی، اداره کل قوانین و مقررات کشور، هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، شرکت ملی صنایع مس ایران، روزنامه رسمی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ابلاغ می شود.

WESTERN MICHIGAN UNIVERSITY

SCHOOL OF APPLIED SCIENCES
Department of Engineering and Technology

August 27, 1975

High Counselor Head Training Affairs
National Iranian Steel Mill Corporation
Iran

Dear Sir:

I am pleased to write a letter of recommendation for Mr. Iraj Aslani. I have had Mr. Aslani in two courses and academically he stood near the top in both classes. Mr. Aslani is a very able student and his character, integrity and personality have made a very favorable impression on me.

While at Western Michigan University Mr. Aslani took an active interest in his chosen profession. He visited a large number of factories, steel-mills and foundries in this part of the country; and he regularly attended meetings of the American Society for Metals, the American Foundrymen's Society and the American Society for Quality Control.

Sincerely,

R. Day, Professor
Industrial Engineering Department

RJD/jak

پل ہا را مے ساختم و مے گذشتم تا دیگران
سختے هایے را کہ من تجربه کردم، تجربه نکنند،
هرگز پلے را برای شخص خودم حفظ نکردم و
برای منافع شخصے دست به تخریب آن نزدم.

ایرج اصلانے